

هم‌خانواده

مجله خانواده بزرگ فولاد مبارکه
مردادماه ۱۱۱ سال یکمزار و چهارصد و نهمه || روابط عمومی

ما اجراجویی در گرمترین نقطه فولاد مبارکه!

گزارش یک روز کاری در ناحیه نورد گرم



معرفی سامانه اتوماسیون
ورزش فولاد مبارکه

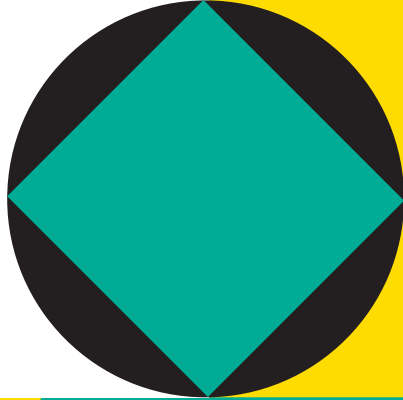
نظام پیشنهادهای فولاد مبارکه
برای تعامل با کارکنان

گفتگوی ویژه با همسر
شهید محسن خزایی

جشن ۴۰ هزار نفری
در مسیر قلعه‌ها

در این شماره
می‌خوانید





داستان جلد

اینجا خط تولید نورد گرم است؛ گرمترین نقطه فولاد مبارکه.
اینجا تلاشگران ناحیه نورد گرم هستند.
اینجا کار کردن سخته! خیلی سخت.
میدونید روزها رو چطور سپری می کنند؟
با تلاش و امید....



روابط عمومی

అపార
జనాభా

ماهنامه هم خانواده؛ هم خانه، هم کارخانه!

جهت ارتباط با ما و معرفی توانمندی های خودتان به عنوان عضوی
از خانواده بزرگ شرکت فولاد مبارکه از طریق زیر اقدام کنید



 hamkhanevademag@gmail.com

 [@hamkhanevademag](https://www.instagram.com/hamkhanevademag)

ماهنامه **هم خانواده** بازتاب **توانمندی های** شماست؛
شاید شما **سوزن های** بعدی ما باشید

خانواده فولاد مبارکه

تعداد کل پرسنل شرکت فولاد مبارکه **۱۲۰۳۵ نفر**



تعداد پرسنل شرکت فولاد مبارکه

تعداد پرسنل مرد: **۱۱۸۳۵ نفر**
تعداد پرسنل خانم: **۲۰۰ نفر**

تعداد پرسنل، همسران و فرزندان کارکنان **۴۰۲۸۱ نفر**



تعداد پرسنل، همسران و فرزندان کارکنان

تعداد فرزند پسر: **۸۷۱۹ نفر**
تعداد فرزند دختر: **۸۳۴۲ نفر**

تعداد افراد تحت تکفل کارکنان **۲۷۶۶۵ نفر**



تعداد افراد تحت تکفل کارکنان

تعداد کل بازنشستگان فولاد مبارکه **۸۶۵۳ نفر**



تعداد کل بازنشستگان فولاد مبارکه

تعداد بازنشستگان مرد: **۸۶۰۸ نفر**
تعداد بازنشستگان خانم: **۴۵ نفر**

۸۷۸ نفر

از فرزندان کارکنان شرکت فولاد مبارکه دانشجو هستند.

۴۱ سال

میانگین سنی پرسنل فولاد مبارکه ۴۱ سال است. (جوان گرایی)

۴۸ سال

میانگین سنی مدیران فولاد مبارکه ۴۸ سال است که نسبت به بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی ایران میانگین بهتری است.

۱۴۸ نفر

تعداد پرسنلی که در سال ۱۴۰۱ دارای فرزند شدند



۵۰۷ نفر

تعداد پرسنلی که در سال ۱۴۰۱ ازدواج کردند



تعداد پرسنل دارای فرزندان ۳ اقلو



۱۳ نفر

۲۷۰ نفر

تعداد پرسنل دارای فرزندان دوقلو





ایمنی رنگی

محمدرضا یعقوبی نیا، مسئول شیفت خطوط اصلاح ورق ۳ و ۴ فولاد مبارکه است. می‌گوید آموزش مسائل ایمنی همیشه...



نفر برتر ایمنی

چینی‌ها گفتند امکان پذیر نیست

ماجرای بومی سازی و تولید تختال‌های ۲۵۰ و ۳۰۰ میلی متری در فولاد مبارکه از پروژه انتقال نفت گوره به جاسک شروع شد؛ جایی که تختال...



پروژه برتر

آب روی آتش...

با افزایش تولید واحد فولادسازی شرکت فولاد مبارکه، حوضچه‌های خنک‌کننده سرباره مملو از سرباره مذاب می‌شد و تنها پمپی...



پروژه برتر

استادم می‌گفت
(استیل، استیل)
نامبروان))



رده ۱۰

فولاد مبارکه توانسته کشور را در رده دهم تولیدکنندگان فولاد جهان قرار دهد



پیشنهاد برتر

بدون نویز، بدون خطا

پیشنهادی که پمپ‌های خارجی را از دور خارج کرد / ۵۲ توقف ممنوع در ناحیه فولادسازی / ۵۳

کنکوری‌ها / ۶۰



هم‌خانه

مجله خانواده بزرگ فولاد مبارکه

کاری از روابط عمومی شرکت فولاد مبارکه با همکاری گروه رسانه ای گیومه

مدیرمسئول: محمد جواد براتی
سردبیر: سجاد امیری

نشانی:

اصفهان، کیلومتر ۷۵ جاده مبارکه،
روابط عمومی شرکت فولاد مبارکه
اطلاعات و انتشارات:
۰۳۱۵۲۷۳۳۴۸۸
۰۳۱۵۲۷۳۳۴۵۳

ارتباط با ماهنامه هم خانواده:



hamkhanevadehmag@gmail.com



@hamkhanevadehmag

روابط عمومی
فولاد مبارکه
۹۰۶



۱۱

طرح توسعه گمرک
اختصاصی



۱۱

رویداد هنری
روایت پیشرفت



۱۰

تحول دیجیتال
در فولاد مبارکه

۴۴

به پیشنهاد آکازیون فولادی

۵۴

حادثه‌ای که به خیر گذشت

۷۰

ما بازنشستگان می‌توانیم بیابان دیگری را فولاد مبارکه کنیم

۷۳

آمادگاه بازنشستگان

۶۲

خانواده خوشبخت فولادی

۱۰۲

فعالیت‌های محیط زیستی فولاد مبارکه یک رسالت اجتماعی است

۱۲۰

آب زدیم راه را...

۱۲۴

آخر هفته آنباتنی در عمق ۱۸ کیلومتری زمین!



دقیقه ۹۰

ورزش صبحگاهی با آقای
مدیرعامل

۱۱۵

قلک خانواده شما چند
امتیاز دارد؟

۱۱۰



گپ تایم

یک عاشقانه آرام

۸۴

آموزش آرامش...

۶۶

ماجرای جویی

در گرمترین نقطه فولاد مبارکه

ناحیه نورد گرم یکی از سخت‌ترین خطوط تولید در فولاد مبارکه است. اینجا درجه حرارت بسیار بالا است.

۲۴



دقیقه ۹۰

می‌خواهم با فولاد مبارکه در
سطح بین الملل بدرخشم / ۱۰۸

دقیقه ۹۰

همون
همیشگی... / ۱۰۹

خانواده فولادی

شرکت‌های زیرگروه فولاد
مبارکه در یک نگاه / ۷۶

خانواده فولادی

توزیع و فروش
محصولات فولاد مبارکه / ۸۰

۱۱۸

مسئولیت پذیری به سبک فولاد مبارکه

۱۰۰

به من میگن اسطوره

۱۰۱

ابداع الگوریتم طلا

خلق آینده ای بهتر

فولاد مبارکه دیگر منحصر به یک نقطه کشور نیست، بلکه شرکتی است به وسعت ایران! راه اندازی طرح های توسعه ای توسط کارکنان توانمند این شرکت مانند آنچه در فولاد هرمزگان و فولاد سفیددشت صورت گرفت در جریان است. مشارکت ۴۰ هزار میلیارد تومانی فولاد مبارکه که بزرگترین سرمایه گذاری تاریخ اقتصاد ایران است و در دهه فجر سال گذشته و با حضور ریاست محترم جمهوری آغاز شد، تنها بخشی از نقش آفرینی فولاد مبارکه در مسیر پیشرفت و آبادانی در اقصی نقاط کشور و مناطق کمتر توسعه یافته بوده است که به لطف خداوند متعال، پروژه های آن سرمایه گذاری نیز با وجود گذشت کمتر از یک سال، پیشرفت قابل ملاحظه ای داشته اند و دیگر طرح های توسعه نیز با قوت و همچون گذشته با در نظر گرفتن ملاحظات لازم دنبال می شوند.

فولاد مبارکه در تمامی این سالها داستان آینده بوده و بیش از آنکه یک کارخانه در کشور باشد، باور به آینده و رؤیایی برای کشور بوده است. این شرکت همچنین روایت بی همتایی از خلق یک مسیر برای دستیابی به خلق آینده ای بهتر برای ایران شد.

فولاد مبارکه در تمامی سال های گذشته بر اساس یک تفکر صحیح سیستمی در مسیر پیشرفت گام برداشته و این مسیر با کمک کارکنان پرتلاش این شرکت و بینش والای آنان به نتیجه رسیده است تا اکنون بتوانیم ادعا کنیم که فولاد مبارکه الگوی به واقعیت رساندن برنامه ها و چشم اندازها در ایران بر اساس تفکر استراتژیک است. از همین روی است که در بسیاری از مجامع نیز از فولاد مبارکه به عنوان یک سیستم یاد می شود و نه صرفاً یک مجموعه تولیدی.

شاید بهتر باشد قدری شفاف تر و صریح تر سخن بگوییم. فولاد مبارکه را باید به عنوان یک مسیر ماندگار برای خلق آینده بهتر به جامعه معرفی کرد. بنده این کار را به طور خاص وظیفه نخبگان و اهل فن می دانم؛ همه باید بدانیم که تقلیل دادن فولاد مبارکه به یک شرکت فولادساز اشتباه و ظلمی است در برابر آنچه هست.

در مسیر آینده

یادداشت



محمدیاسر طیب نیا
مدیر عامل شرکت
فولاد مبارکه

مشارکت ۴۰ هزار میلیارد تومانی فولاد مبارکه که بزرگترین سرمایه گذاری تاریخ اقتصاد ایران است در دهه فجر سال گذشته و با حضور ریاست محترم جمهوری آغاز شد

۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

مسیرماندگار

طبیعی است که تولید و استقرار دانش، بهترین بستر برای خلق ثروت مادی و معنوی و جذب سرمایه‌های فکری و مالی است و در این میان به هرگونه فرایندی که در کسب، تسخیر، ترویج و جامعه‌پذیری علم تأثیرگذار است مدیریت دانش اطلاق می‌شود که ضمن جذب نیروهای متخصص و نخبه و کارآمد، دانش را منشأ توسعه دانسته و ضمن استفاده از تجربیات سایرین در کسب و گسترش دانش‌محور، امکان تسریع در فرایند توسعه و تعالی سازمان و کسب موفقیت در بازار پررقیب را فراهم می‌کند.

تولید علم و خلق ثروت، خودکفایی و بومی‌سازی تنها در سایه بهره‌گیری از دانش و فناوری ممکن است و تولید علم در شرایطی حاصل می‌شود که دانش در تمام بخش‌های مختلف صنایع بالادستی و پایین‌دستی، با فناوری نوین دنبال شود که در نهایت دانش و فناوری، بر اساس معیارها و استانداردهای معتبر در صنعت و اقتصاد، ضمن تولید دانش و خلق ثروت، ارزش افزوده ایجاد می‌کند.

شرکت فولاد مبارکه به‌عنوان شرکتی مسئولیت‌پذیر و دانش‌محور برای خلق آینده‌ای بهتر برای ایران اسلامی، همواره ارتقای سیستم‌های مدیریت، ارتباط با مشتریان و تأمین‌کنندگان و پیاده‌سازی پرتال مدیریت دانش، ثبت تجارب نخبگان و خبرگان، در قالب نقشه‌های دانش، کافه دانش و گروه‌های خبرگی را رسالت اصلی خود دانسته و در کنار آن همکاری با مؤسسات علمی و دانشگاهی و پژوهشی و هزاران نفر از اساتید، پژوهشگران و دانشجویان در اجرای پروژه‌های تحقیقاتی را به‌طور مستمر ادامه داده است. همچنین با برگزاری قریب به یک هزار سمینار و سخنرانی تخصصی و اجرای بیش از یک هزار پروژه تحقیقاتی و همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان، تلاشی مضاعف را برای توسعه سازمانی و اعتباردهی به شرکت در نظام مدیریت دانش به‌منظور دریافت جایزه جهانی سازمان‌های دانشی برتر انجام داده است.

یادداشت



محمدجواد براتی
مدیر روابط عمومی
شرکت فولاد مبارکه

هم خانواده

مجله خانواده بزرگ

فولاد مبارکه



در این فصل از ماهنامه هم خانواده
مروری داشته‌ایم به اتفاقات مهم شرکت
فولاد مبارکه در ۴ ماهه اول سال ۱۴۰۳ که در
ادامه می‌خوانید.

تایم لاین

هم خانواده

فولاد مبارکه در مسیر توسعه

روایت پیشرفت و امید

هم خانواده

جواد توسلی مهر، مدیرعامل گروه خودروسازی سایپا و هیئت همراه از خطوط تولید شرکت فولاد مبارکه بازدید به عمل آوردند. همچنین نشست مشترک مدیران عامل، اعضای هیئت مدیره و معاونین شرکت فولاد مبارکه و گروه خودروسازی سایپا نیز در جریان این بازدید برگزار شد و ایجاد تعاملات بیشتر میان دو مجموعه از جمله محورهای مورد بحث در این نشست بود.



اردیبهشت ماه ۱۴۰۳

نشست فولاد مبارکه و گروه خودروسازی سایپا

شرکت فولاد مبارکه به عنوان یکی از صنایع اصلی کشور همواره با تکیه بر دانش و توانمندی نیروهای متخصص و با برنامه ریزی، سیاست گذاری و سرمایه گذاری درست در مسیر توسعه گام برداشته است. در بخش تایم لاین اتفاقات مهم ۴ ماهه نخست سال ۱۴۰۳ در این شرکت را روایت کرده ایم.

فولاد مبارکه طی دو سال اخیر یکی از اهداف خود را ارائه الگویی جدید، هدفمند و مسئله محور برای عمل به مسئولیت های اجتماعی قرار داده است. در همین راستا چهارمین رویداد هم افزایی «همراستا» و آیین رونمایی از سندهای پیشرفت و آبادانی ۱۶ روستا در شهرستان مبارکه و ۷ روستا در شهرستان لنجان برگزار شد.

تحول دیجیتال

بهره برداری از اولین مجموعه پروژه های تحول دیجیتال شرکت فولاد مبارکه

تحول دیجیتال در فولاد مبارکه

خردادماه ۱۴۰۳

خردادماه ۱۴۰۳

رویداد هم افزایی «همراستا»



آیین بهره برداری آنلاین از اولین مجموعه پروژه های تحول دیجیتال شرکت فولاد مبارکه همزمان با برگزاری آیین اختتامیه هشتمین جشنواره ملی امنیت فضای تبادل اطلاعات، با حضور قائم مقام وزیر ارتباطات برگزار شد. در این آیین، پروژه های سامانه اسکادای هوشمند محیط زیست، اسکادای هوشمند موتورخانه حرارت مرکزی، اسکادای هوشمند سیالات، اسکادای هوشمند برق، سامانه لجستیک هوشمند و ربات مارکینگ تختال، به بهره برداری رسیدند.

آیین افتتاح طرح توسعه گمرک اختصاصی فولاد مبارکه با حضور سید احسان خاندوزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی، محمد رضوانی فر، معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. از مزایای این پروژه می‌توان به کاهش ماندگاری و رسوب کانتینرها در بندر شهید رجائی، امکان اجرای حمل و ترخیص یکپارچه، مدیریت و بهینه‌سازی فرایند و هزینه‌های لجستیک، ایجاد بندر خشک گروه فولاد مبارکه در اصفهان و ... اشاره کرد.

خردادماه ۱۴۰۳

طرح توسعه
گمرک اختصاصی

آیین افتتاح

آیین افتتاح طرح توسعه
گمرک اختصاصی فولاد مبارکه
با حضور وزیر امور اقتصادی
و دارایی

رویداد هنری سه روزه «روایت پیشرفت» با حضور جمعی از طراحان و تصویرگران از سراسر کشور در شرکت فولاد مبارکه برگزار شد. در این رویداد شرکت کنندگان علاوه بر بازدید از خطوط تولید فولاد مبارکه، با مدیرعامل این شرکت دیدار و گفت‌وگویی صمیمانه داشتند. همچنین در ادامه این رویداد طراحان و تصویرگران با موضوع «فرهنگ کار و تولید» در دفتر شرکت فولاد مبارکه به خلق آثار هنری پرداختند.

رویداد هنری
«روایت پیشرفت»

خردادماه ۱۴۰۳



آثار هنری

خلق آثار هنری با موضوع
فرهنگ کار و تولید
در فولاد مبارکه

ورزش پهلوانی یکی از ظرفیت‌های بسیار ارزشمندی است که به اندازه کافی از آن استفاده نشده است. لذا فولاد مبارکه با نگاه به این ظرفیت فرهنگی و همچنین ارزش‌های اخلاقی که در این ورزش وجود دارد؛ روی آن سرمایه‌گذاری کرده است و در همین راستا آیین آغاز عملیات اجرایی ساخت فتوت‌خانه غدیر به همت شرکت فولاد مبارکه برگزار شد.

آغاز عملیات اجرایی
ساخت فتوت‌خانه غدیر

خردادماه ۱۴۰۳



میزبانی از معاون علمی
و فناوری رئیس جمهور

تیرماه ۱۴۰۳

روح اله دهقانی فیروزآبادی، معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری با حضور در فولاد مبارکه، کارخانه فرآوری لجن و پودرهای اکسیدی این شرکت را افتتاح و در مراسم کلنگ‌زنی واحد فرآوری غبارهای شازر حمل مواد ناحیه فولادسازی این مجموعه حضور پیدا کرد. همچنین آیین امضای فاز اول قراردادها، احداث کارخانه تبدیل هماتیت به مگنتیت به روش RHF و پایلوت توسعه فناوری استحصال معادن کم‌عیار به روش بستر سیال (SMR) با حضور معاون رئیس جمهور برگزار شد.

ورزش پهلوانی

آغاز عملیات اجرایی ساخت
فتوت‌خانه غدیر به همت
شرکت فولاد مبارکه

در مسیر قلعه‌ها

جشن ۴۰ هزار نفری خانواده فولاد مبارکه
به مناسبت عید غدیر

جشن «در مسیر قلعه‌ها» بزرگ‌ترین جشن متمرکز عید غدیر در کشور با حضور حماسی ۴۰ هزار نفر از کارکنان شاغل و بازنشسته فولاد مبارکه، شرکت‌های پیمانکاری و شرکت‌های گروه فولاد مبارکه به همراه خانواده‌های آن‌ها به مناسبت این عید خجسته در ورزشگاه بزرگ نقش جهان برگزار شد.





جهت تماشای گزارش
ویدیویی این جشن

QR code را اسکن کنید





ایفای نقش خانواده فولاد مبارکه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی

محمد جواد براتی
مدیر روابط عمومی فولاد مبارکه:

اعضای خانواده بزرگ فولاد مبارکه به لطف خداوند حضوری حماسی در جشن «درمسیر قله‌ها» به مناسبت عید غدیر داشتند و الحمدلله توانستیم میزبان خیل کثیری از کارکنان و خانواده‌های شاغل و بازنشسته و پیمانکاران و شرکت‌های گروه فولاد مبارکه در این روز خجسته و در این شب باشکوه در ورزشگاه نقش جهان باشیم.

بر این باوریم که وقتی فولاد مبارکه ۱٫۵ درصدی در تولید ناخالص ملی دارد، قطعاً خانواده‌ها نیز در این فرایند نقش قابل توجهی داشته‌اند. معتقدیم وقتی خانواده ۱۰۰ هزار نفری فولاد مبارکه انسجام بیشتری از خود نشان دهد می‌تواند در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اثرگذاری بیشتری داشته باشد.

پیام این جشن بزرگ به خانواده‌ها این است که همچنان که می‌توانیم در حوزه صنعت نقش‌آفرین باشیم می‌توانیم در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز به خوبی ایفای نقش کنیم.

رویدادهای داخلی مانند جشن غدیر به‌عنوان بخش مهمی از استراتژی سازمانی، نقش کلیدی در تقویت همبستگی و پیشبرد اهداف شرکت دارد و به‌نوعی به تعالی سازمان کمک می‌کند. همچنین این رویدادها محیطی را فراهم می‌آورد که در آن کارکنان می‌توانند ارزش‌ها، مأموریت‌ها و چشم‌اندازهای شرکت را درک و درونی‌سازی کنند.



خانواده پشتیبان امن فولاد مبارکه

علیرضا کاظمی، معاون سرمایه‌های انسانی و سازماندهی فولاد مبارکه:

بسیار خرسندیم که جشن عید غدیر، بزرگ‌ترین جشن ملی را در ورزشگاه بزرگ نقش جهان برگزار کردیم.

برگزاری این جشن باشکوه به هم‌افزایی منجر شد و شرایطی فراهم کرد که قسمت‌های مختلف سازمان در بهترین شکل ممکن بتوانند با هم کار کنند و یک اثر بزرگ فرهنگی معنوی را خلق کنند. این اتفاق در جای خود یک موفقیت و دستاورد بزرگ برای فولاد مبارکه است. بزرگ‌ترین هدفی که ما در برگزاری جشن غدیر دنبال کردیم ضمن تعظیم شعائر اسلامی که یک اصل مهم برای ماست، تقویت و توجه به خانواده بود. معتقدیم کانون‌های آرامش در خانواده‌ها محرک حوزه‌های تولید در کارخانه هستند.

چنانچه مطلوبیت در حوزه خانواده وجود داشته باشد و خانواده نقش ارزشمند فرد را در کارخانه باور کند، حتماً پشتیبان امنی در خانواده خواهیم داشت؛ محرکی که می‌تواند برای خلق پیشران تولید نقش‌آفرینی کند. این جشن یک مغناطیس ایجاد کرد؛ مغناطیسی که قطب آن امیرالمؤمنین علیه‌السلام و آموزه‌های ایشان بود و مطمئناً تا برگزاری جشن بعدی کارکرد و تأثیر خود را خواهد داشت.



نقش‌آفرینی خانواده فولاد مبارکه در افتخارآفرینی‌ها

محمد یاسر طیب‌نیا
مدیرعامل شرکت فولاد مبارکه:

در کارخانه فولاد مبارکه در هر جمعی، بسیار به عبارت «خانواده فولاد مبارکه» اشاره می‌شود. این امر سه دلیل دارد: در نگاه اول مقصود ما از خانواده بودن این است که تک‌تک اعضای خانواده فولاد مبارکه در افتخارآفرینی‌ها و رخدادهای نقش‌آفرین هستند.

دوم اینکه همچنان که در خانواده هرکدام از اعضا در ابعاد مختلف نقشی ایفا می‌کنند، در فولاد مبارکه نیز صرفاً به حقوق و مزایا توجه نمی‌شود، بلکه در زمینه سلامت جسم و خدمات درمانی و همچنین فرهنگ، تعالی، رشد، پیشرفت و ازدواج آن‌ها نیز برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد.

جنبه سوم قدردانی و شکرگزاری از اعضای خانواده است. در واقع رمز بزرگ موفقیت و تعالی، شکرگزاری و قدردانی است و در فولاد مبارکه به دلیل اینکه خواستار موفقیت و رشد و پیشرفت هستیم، فرهنگ شکرگزاری و قدردانی را نهادینه کردیم و باید این موضوع را در خانواده‌ها نیز داشته باشیم.

از این فرصت‌گردهمایی خانواده فولاد مبارکه در این جشن بزرگ استفاده می‌کنم و در کنار این خانواده بزرگ، از همه همکاران خود می‌خواهم از فرزندان و همسران خود قدردانی و تشکر کنند. خودم در این امر پیش قدم می‌شوم و به‌واسطه همه کاستی‌ها در کنار همه افتخارآفرینی‌ها، از حضور و همراهی آن‌ها تشکر می‌کنم. این نکته را باید به همسران و فرزندان یادآور شوم که با رشادتهای پدران و همسران شما این کارخانه سرپا مانده و این‌ها قهرمانان ملی کشور ما هستند.

«یک اسباب بازی برای دوستم»



پویش «یک اسباب بازی برای دوستم» در حاشیه برگزاری ویژه برنامه «در مسیر قلعه‌ها» با استقبال گسترده خانواده فولاد مبارکه مواجه شد و بچه‌های حاضر در این جشن برای کودکان مظلوم غزه اسباب بازی‌هایی اهدا کردند.

یارما بنده نواز است اذان می‌گویند



گلبنگ اذان مغرب و عشاء و اقامه نماز جماعت در فضای بیرونی ورزشگاه نقش جهان محل برگزاری جشن غدیر



میزبانی در شأن خانواده

میزبانی شایسته و مناسب شأن خانواده بزرگ فولاد مبارکه در جشن بزرگ عید غدیر در ورزشگاه نقش جهان با همکاری ویژه میان کمیته های برگزاری این جشن میسر شد. در ادامه مهمترین اقدامات صورت گرفته جهت برپایی رویداد ((در مسیر قلعه ها)) را از نگاه می گذرانید.

کمیته روابط عمومی

۰۱

طراحی، راهبری و کارگردانی مراسم

۰۲

نصب و استقرار استیج و دکور برنامه در زمین
چمن ورزشگاه نقش جهان

۰۳

نصب و استقرار سیستم صوت و نمایشگرها
در محل برگزاری جشن

۰۴

پوشش تصویری و خبری رویداد

۰۵

مستندسازی و گزارشی مراسم با حضور
خبرنگاران و عکاسان

۰۶

همه‌هنگی حضور و اجرای تیم های هنری مختلف
در ورزشگاه نقش جهان پیش از شروع برنامه
اصلی در فضای بیرونی ورزشگاه

کمیته خدمات عمومی و امور رفاهی

۰۱

برنامه ریزی، طراحی و تأمین ناوگان ترابری برای ایاب و ذهاب نزدیک به ۱۵ هزار نفر از کارکنان و خانواده آنها در ۲۶ شهر با بیش از ۳۵۰ دستگاه

۰۲

برنامه ریزی، نیازسنجی و تأمین و توزیع اقلام پذیرایی به تعداد ۴۲ هزار نفر جهت مهمانان و عوامل اجرایی

۰۳

مدیریت چینش سکویهای ورزشگاه نقش جهان

۰۴

هماهنگی با تیم اجرایی ورزشگاه نقش جهان جهت برگزاری رویداد

کمیته خدمات شهری

۰۱

نظافت محیط ورزشگاه نقش جهان محل برگزاری رویداد و سکویهای استقرار خانواده ها در داخل ورزشگاه

۰۱

بهسازی مسیرهای منتهی به ورزشگاه نقش جهان محل برگزاری رویداد

۰۲

تقویت روشنایی ورزشگاه نقش جهان، محوطه ها و مسیرهای منتهی به ورزشگاه

۰۳

اصلاح ترافیکی ورودی های ورزشگاه نقش جهان برای تردد بهتر مهمانان

کمیته توسعه

کمیته تعمیرات مرکزی

۰۱

ایمن سازی محوطه ی ورزشگاه نقش جهان برای حضور خانواده ها

۰۲

تامین برق پایدار مراسم جشن در مسیر قله ها

۰۱

استقرار نیروهای ایمنی، آتش نشانی، بهداشت حرفه ای و اورژانس در ورزشگاه نقش جهان

۰۲

استقرار یک دستگاه اتوبوس امداد رسانی با ظرفیت ۹ تخت و یک تخت جراحی اورژانسی، سه دستگاه آمبولانس و دو اتاق احیا مجهز به امکانات پزشکی در محل برگزاری رویداد

کمیته ایمنی، اورژانس و آتش نشانی

کمیته حراست و حفاظت فیزیکی

۰۱

خط کشی پارکینگ ها و گذرهای ورزشگاه نقش جهان و نظم دهی پارک وسایل نقلیه و تردد مهمانان

۰۲

راهنمایی مهمانان به محل برگزاری برنامه و چینش حضار در سکویهای ورزشگاه نقش جهان

۰۳

تامین امنیت کامل مراسم

هم‌خانواده

گزارش تصویری

جشن ۴۰ هزار نفری خانواده فولاد مبارکه

خانواده فولاد مبارکه در جشن بزرگ «در مسیر قلعه‌ها» شبی به یادماندنی را تجربه کردند. اجرای زنده سالار عقیلی، اجرای گروه سرود، مداحی، استندآپ کمدی، اجرای نمایشی ابرعروسک‌ها و نورافشانی آسمان نقش جهان از جمله بخش‌های ویژه این جشن بود.



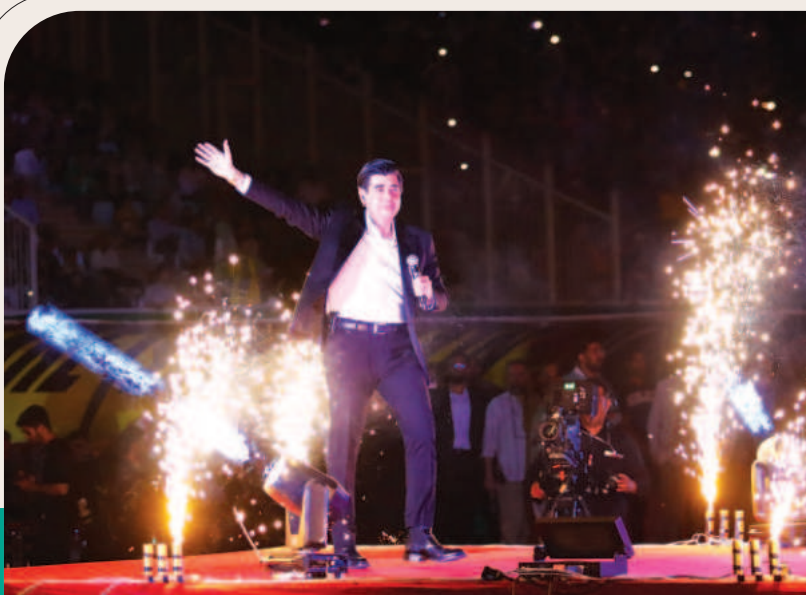
استندآپ کمدی علی قیومی و ملیکا میرتقی



اجرای گروه سرود بین المللی زهرائون خوزستان



تلاوت آیاتی از کلام وحی همراه با اجرای نمایشی



اجرای زنده سالار عقیلی خواننده مطرح کشورمان



اجرای محمدحسین حدادیان مداح اهل بیت (ع)



اجرای نمایشی ابرعروسک ها



خلق نمایی زیبا با نورگوشی‌های موبایل حاضرین در جشن



نورافشانی و آتش بازی در ورزشگاه نقش جهان



تقدیر از عوامل تیم فولاد مبارکه سپاهان قهرمان جام حذفی فوتبال کشور

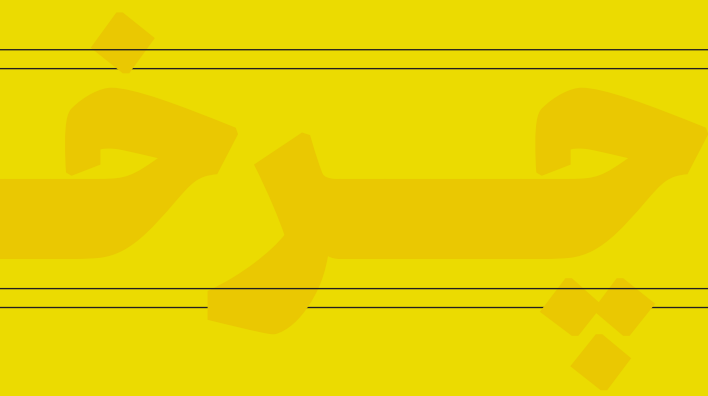


اجرای برنامه‌های جنبی در فضای بیرونی ورزشگاه نقش جهان

هم خانواده

مجله خانواده بزرگ

فولاد مبارکه



در فصل «چرخه تولید» ماهنامه هم خانواده
با تلاشگران ناحیه نوره گرم فولاد مبارکه
همراه شدیم و با آنها به گپ و گفت پرداختیم.

چرخه تولید

ما تولید می‌کنیم

ماجرای جویی در گرمترین نقطه فولاد مبارکه!

گزارش یک روز کاری در ناحیه نورد گرم



گزارش

مهران اسماعیلی
خبرنگار

پرسنل
پیمانکار شرکت



۳۵۰

پرسنل قرارداد
مستقیم با فولاد مبارکه



۸۰۰

پرسنل



۱۱۵۰

قرارمان با مرتضی ترابی کارشناس فرآیند ناحیه نورد گرم درب ساختمان اداری ناحیه نورد گرم بود تا از آنجا به اتفاق برویم سمت خط تولید. کلاه ایمنی به سر گذاشتیم و کفش های ایمنی خود را محکم گره زدیم برای یک ماجراجویی ویژه در گرم ترین نقطه فولاد مبارکه! تقریباً ۱۰ دقیقه ای را پیاده گزر کردیم تا به خط تولید و نقطه شروع فرآیند نورد گرم یعنی انبار تختال ها برسیم.

در مسیر با آقامرتضی در مورد زندگی و کارش در فولاد مبارکه و ناحیه نورد گرم گپ زدیم.

او خود را این چنین معرفی می کند: مرتضی ترابی هستم، متاهل و دارای دو فرزند؛ از سال ۱۳۸۴ وارد شرکت فولاد مبارکه شدم و در حال حاضر ۱۸ سال سابقه کار دارم. کارم را اینجا در واحد تکمیل نورد گرم شروع کردم و بعد از ۸ سال وارد خط نورد گرم شدم و در سال ۱۳۹۷ به دفتر فنی تولید آمدم. این را هم بگویم که از سال ۸۴ تا ۹۷ شیفت کار بودم.

ناحیه نورد گرم یکی از سخت ترین خطوط در فولاد مبارکه برای کار کردن است، اینجا درجه حرارت بسیار بالاست و آلودگی های محیطی نیز زیاد است، با این شرایط همدلی خوبی بین افراد وجود دارد و همین مسئله منجر به اتفاقات خوبی در خط تولید نورد گرم شده است.

وظیفه خط تولید نورد گرم تبدیل تختال با ضخامت ۲۰۰ میلی متر به کلاف گرم با مشخصات مورد درخواست مشتری می باشد. ظرفیت تولید سالیانه خط نورد گرم در حال حاضر ۵٫۵ میلیون تن می باشد.

۱۳۸۴

از سال ۱۳۸۴ وارد شرکت فولاد مبارکه شدم و در حال حاضر ۱۸ سال سابقه کار دارم



ناحیه نورد گرم از چهار واحد اصلی شامل «کوره های پیشگرم»، «خط تولید نورد گرم»، «کارگاه غلتک نورد گرم» و «واحد تکمیل نورد گرم» تشکیل شده است. ماجراجویی ما در ناحیه نورد گرم از ایستگاه اول یعنی انبار تختال شروع شد و در واحد حمل و بسته بندی به ایستگاه پایان رسید. گزارشی که می خوانید حاصل دور روز حضور در خط تولید و همنشینی با کارکنان خوش صحبت ناحیه نورد گرم است.

ایستگاه اول

انبار تختال و کوره های پیشگرم

انبار تختال

اسلب‌هایی که در واحد فولادسازی فولاد مبارکه یا خارج از این شرکت تولید می شوند به انبار تختال ناحیه نورد گرم فولاد مبارکه منتقل و در آنجا جایگذاری می شوند. با توجه به برنامه تولید خط نورد گرم، اسلب‌ها توسط اپراتور جرثقیل شناسایی و شارژ کوره‌های پیش گرم می شوند.

تولیدات ناحیه نورد گرم

۳۰٪

ویژه ناحیه
نورد سرد

۷۰٪

ویژه مشتریان
داخلی و خارجی

۲۷

روایت اول

ایراتور جرثقیل انبار تختال
ناحیه نورد گرم



از سال ۱۳۷۶ وارد شرکت فولاد مبارکه شدم و در حال حاضر در انبار تختال ناحیه نورد گرم ایراتور جرثقیل هستم. اینجا هست اولین pool pit ناحیه نورد گرم و کار من برداشت تختال هست. سختی کار در این بخش یکی حساسیت زیاد آن هست و دیگری گرمای زیاد مخصوصاً وقتی بخواهیم تختال های داغ را برداریم حتی کولر گازی داخل کابین جرثقیل هم جوابگو نیست.

شیفت کار هستم و این مسئله در عادات و رفتار زندگی شخصی من و خانواده ام تاثیرگذار بوده است. مثلاً اینجا مواقعی که شب کار هستم ساعت ۲ و نیم نصف شب شیفت را تحویل می گیرم و آماده به کار هستم، همین مسئله باعث شده زمانی هم که در خانه هستم این عادت را داشته باشم و ساعت ۲:۳۰ نصف شب یکدفعه از خواب بپریم که نشان دهنده استرس زیاد کارم هست.

یک خاطره جالب می خواهم برایتان بگویم: ما اینجا کار می کردیم و یک سری جرثقیل هم بود که داشت بارتریلی برمی داشت که تختال ول شد روی تریلی و آن راله کرد، راننده تریلی یک هموطن خوزستانی بود که وقتی دید تریلی اش به چه روزی افتاده دستش را گذاشت روی سرش و نشست روی زمین. آن آقا شانس آورد از ماشین پیاده شده بود و البته شرکت هم خسارتش را داد.

ما چهار تا برادر هستیم به نام های حمید، وحید، حامد، سعید که همگی در بخش های مختلف فولاد مبارکه کار می کنیم و درست است که یک خانواده فولادی هستیم اما در دورهمی های خانوادگی سعی می کنیم از فضای کار دور باشیم و در مورد مسائل دیگر باهم صحبت کنیم.

آقای یاسینی و خانواده‌های از جنس فولاد!

سید حمید یاسینی هستم ۴۸ ساله، متاهل و دارای دو فرزند

۱۳۷۶

از سال ۱۳۷۶ وارد شرکت فولاد مبارکه
شدم و در حال حاضر در انبار
تختال ناحیه نورد گرم ایراتور
جرثقیل هستم

کوره های پیشگرم

ناحیه نورد گرم فولاد مبارکه دارای چهار کوره پیش گرم است؛ تختال با درجه حرارت محیط وارد این کوره ها می شود و پس از گذشت حدوداً ۱۵۰ تا ۱۸۰ دقیقه براساس کیفیت و عرض، به درجه حرارت ۱۲۵۰ تا ۱۲۸۰ درجه سانتی گراد میرسد و برای مرحله نورد خشن آماده می شود.

روایت دوم

اپراتور دوم کوره‌های پیش‌گرم
واحد نورد گرم



یک کارِ دلی از آقارضا برای همسرش!

رضا صالحی هستم ۳۴ ساله، متاهل و دارای یک فرزند

از سال ۱۳۹۰ وارد مجموعه فولاد مبارکه شدم و مدت ۱۲ سال هست که در قسمت کوره‌های پیش‌گرم مشغول به فعالیت هستم. وظیفه‌ام اینجا بازرسی و یا جلوگیری و رفع عیب از تجهیزات است. معمولاً من را در این خط فردی با روابط عمومی بالایی شناسند چون ارتباط بیشتری با قسمت‌های مختلف دارم.

اینجا بچه‌ها واقعا سختی‌های زیادی دارند و خیلی وقت‌ها با جانشان معامله می‌کنند. خودم به عنوان بازرسی مکانیک چون با سیستم مکانیکی سروکار دارم بارها شده که ضربه‌ای به بدنم وارد شده و یا آب جوشی به بدنم بریزد ولی شکر خدا مقدار خسارت زیاد نبود.

من جمعاً دو ماه روزکار بودم و مابقی دوران کار را شیفت بودم. به نظرم فعالیت در شیفت به نوعی یک ایثار است. بچه‌های شیفت تمام انرژی‌شان را می‌گذارند برای کار چون اینجا همه شریک در امر تولید و ارتزاق از یک سفره هستیم. برای اینکه کاری که انجام می‌دهم را به همسرم نشان دهم یک فیلم مستند کوتاه با گوشی موبایلم ساختم از ورود تا خروج تختال. این یک کار دلی بود برای همسرم.

برنامه ریزی برای کارهای فوق برنامه چون شیفت هستم سخت هست اما اگر فرصت داشته باشم موسیقی کار می‌کنم (نی می‌زنم) و کارهای هنری چوبی مثل منبت را بلدم.



صنایع تولید
لوازم خانگی و
صنعتی

تولید خوردو

سازه های فولادی
و ساختمان سازی

صنایع تولید
لوله و پروفیل

پل سازی، کشتی
سازی و سازه های
دریایی

کاربرد محصولات نورد گرم

روایت سوم

بازرس مکانیک خط نورد گرم

۲۹

خاطره علی اکبر از گوسفند قربانی در نورد گرم!

علی اکبر زراعتگر هجدهم ۴۰ ساله و متاهل

آبان ماه سال ۱۳۸۴ وارد شرکت فولاد مبارک شدم، ۱۰ سال سابقه کار روی جرثقیل های سقفی را در ناحیه نورد گرم دارم و نزدیک به هفت سالی می شود که به قسمت تعمیرات کوره (OS۳) آمده‌ام. موقعیت شغلی من اینجا بازرس مکانیک هست اما کار دشارژ را هم می‌کنم.

یکی از سختی‌های کار در اینجا گرمای محیط ناشی از حرارت خیلی زیاد تختالی است که از کوره خارج می‌شود. یک بار که خانواده‌ها برای بازدید آمده بودند اینجا به خانمم گفتم نگاه کن تختال داره میاد بیرون اما هرکاری کردم نمی‌توانست نگاه کند چون حرارتی که میزد خیلی بود و به او گفتم ما اینجا بعضی وقت‌ها جلوی کوره داریم کار می‌کنیم.

اینجا بچه‌ها به من می‌گویند رنجر. چون در خدمت دوره تکاوری دیدم و اینجا چند مورد از کارهایی غیرممکن را انجام دادم. یک بار قرار بود به خاطر نشتی یک کوره را بخوابانند. در روز تعمیرات دوره‌ای دمای کوره از ۱۰۰ درجه به ۳۰ درجه می‌رسد اما به دلایلی بچه‌های تکنسین روزگار موفق به رفع مشکل نشده بودند. من شب کار بودم وقتی آمدم پیگیر نشتی کوره شدم، آن موقع دمای آب روی ۱۰۰ درجه رفته بود و گفتند باید کوره را بخوابانیم که من خودم تنهایی رفته نشتی را گرفتم.

یک خاطره جالب برایتان بگویم: ساعت ۸ شب بود بچه‌ها رفته بودند بازرسی، رسیدند به یک جایی در خط که خیلی خطرناک است، می‌بینند یک قطره مایع از بالا چکید و بخار بلند شد و فکر می‌کنند خون است و می‌ترسند اتفاقی برای کسی افتاده باشد. می‌روند جلوتر می‌بینند گوسفند قربانی کردند و خون گوسفند می‌چکیده.

من شیفت کار هستم ولی اگر فرصتی پیش بیاید با بطری‌های شیشه‌اشکال هنری می‌سازم و این کار را در اینترنت یاد گرفتم.



روایت چهارم

ایراتور ارشد کوره‌های
پیش‌گرم



آقا پرویز و ۴ سال تا دلتنگی برای فولاد!

پرویز بهرامی هجتم ۴۶ ساله، متاهل و دارای سه فرزند

سال ۱۳۷۷ وارد فولاد مبارکه شدم و تقریباً ۲۶ سال سابقه فعالیت در این شرکت را دارم. ابتدا به عنوان ایراتور جرثقیل سقفی کار می‌کردم تا سال ۱۳۹۰ و بعد از آن تقریباً مدت سه چهار سال در OS مشغول به کار شدم و در حال حاضر نزدیک به ۸ سال است که ایراتور ارشد کوره‌های پیش‌گرم هستم.

شغل ما خیلی استرس دارد. کنترل کوره‌های پیش‌گرم با دمای بالای ۱۲۰۰ درجه سانتی‌گراد با ماست و یک سیستمی هست که مثل موتور ماشین حساس است یعنی سیستم آب در گردش داریم که دائم دارد در این کوره‌ها می‌چرخد و خیلی باید حواسمان باشد تا دمای درخواستی که طبق برنامه خط از ما می‌خواهند را مهیا کنیم و اگر یک ذره بی‌احتیاطی کنیم ممکن است منجر به توقف خط شود.

۲۶ سال است شیفت کار هستم و بعضاً در کنار خانواده نیستم و این مسئله تأثیرگذار هست در زندگی. استرس کاری به یک طرف، اینکه از خانواده خیلی موقع‌ها به دوریم وضعیت را سخت‌تر می‌کند.

تقریباً روی سن قانونی ۴ سال دیگر بازنشسته می‌شوم. هر جایی هر کاری که می‌کنی یک روزی تمام می‌شود و طبع انسان این است که وابسته می‌شود. قطعاً دلتنگی دارد اما تا ۴ سال دیگر خدا بزرگ است و فعلاً کارم را دارم به نحو احسن انجام می‌دهم.



حداقل طول ۵٫۴ متر
حداکثر طول ۱۰ متر

حداقل عرض ۶۵۰ میلی متر
حداکثر ۱۸۸۰ میلی متر

ضخامت:
۲۰۰ میلی متر

روایت پنجم

بازرس تجهیزات مکانیکی
ناحیه نورد گرم



ضربان قلب آقامیلاد موقع تماس اضطراری

میلاد رحیمی هجتم ۳۲ ساله و متاهل

از سال ۱۳۹۶ استخدام فولاد مبارکه شدم، سه ماه در قسمت برش کاری شیفیت بودم و بعد از آن به ناحیه نورد گرم منتقل شدم و کارم بازرسی تجهیزات مکانیکی است. کار در اینجا مسئولیت پذیری بالایی می خواهد و استرس زیادی دارد. اگر اتفاقی در خط بیفتد و درخانه باشم باید بیایم فولاد مبارکه و مشکل را با همکارانم برطرف کنیم و آن موقع که برای فراخوان تماس اضطراری می گیرند ضربان قلبم دو برابر می شود تا پیام به این تلفن جواب بدهم بینم کجا چه اتفاقی افتاد است.



روایت ششم

تکنسین تعمیرکار و دمونتاژ
ناحیه نورد گرم



سختی‌های کار را پیش خانواده نمی‌برم

محمد مرادی هستم ۴۱ ساله، متأهل و دارای دو فرزند

از سال ۱۳۸۱ وارد شرکت فولاد مبارکه شدم و تا الان در خط نورد گرم کار می‌کنم. کار من اینجا تعمیرات و دمونتاژ است. فشار کار اینجا بالاست و استرس کار فراوان است اما با مسئولیت پذیری بالا همیشه سعی کرده‌ایم بهترین عملکردمان را در محیط کار داشته باشیم تا خط تولید همواره برمدار استوار باشد. درست است که سخت کار می‌کنیم و فشار زیادی روی ماست اما وقتی می‌خواهم از کار به خانه و پیش خانواده بروم هرآنچه هست را پشت درهای مجتمع فولاد می‌گذارم.



ابعاد ورق خروجی

ضخامت:
۱٫۵ تا ۱۶ میلی متر

عرض: ۶۰۰ تا
۱۸۸۰ میلی متر

وزن:
۹ تا ۲۸ تن

۳۳

روایت هفتم

بازرس تعمیرات مکانیک
ناحیه نوردگرم



برای آسایش خانواده‌ام کار می‌کنم

سیدعلیرضا بهرام زاده هستم ۲۹ ساله و متأهل

از سال ۱۳۹۳ استخدام فولاد مبارکه شدم و از اولین روز حضورم در شرکت در ناحیه نورد گرم مشغول به کار هستم. موقعیت شغلی من اینجا بازرس تعمیرات مکانیک است، تجهیزاتی که دچار مشکل می‌شود را درخواست پیگیری می‌زنیم و خودمان هم دست به آچار می‌شویم و کارها را انجام می‌دهیم. به طور کلی کار کردن در ناحیه نورد گرم سخت است و همه در بخش‌های مختلف سختی‌هایی را به جان می‌خرند تا چرخ تولید در شرکت فولاد مبارکه بچرخد. ترجیح می‌دهم سختی‌های کار را به خانه و خانواده منتقل نکنم چون اگر قرار باشد آنها هم استرس بکشند سخت هست برایشان. من و همکارانم کار می‌کنیم و استرس‌ها را به جان می‌خریم تا خانواده‌هایمان در آسایش باشند.



ایستگاه دوم

خط تولید نورد گرم

نورد خشن

تختال خروجی از کوره های پیش گرم، دارای سطح پوشیده از پوسته های اکسیدی است که در مرحله نورد خشن یا رافینگ این لایه های اکسیدی با اعمال فشار مختصر توسط غلتک های عمودی (پوسته شکن ها) شکسته و با فشار آبی حدود ۲۰۰ اتمسفر تمیزی می گردد و سپس وارد قفسه های نورد مقدماتی می شود. در این مرحله، ضخامت تختال کاهش یافته و از ۲۰۰ میلی متر به ۴۰ میلی متر می رسد، ضمن اینکه دمای تختال به ۱۰۵۰ درجه سانتیگراد کاهش می یابد و وارد مرحله نورد نهایی می شود.



نورد نهایی

تختال با ضخامت ۴۰ میلی متر از مرحله نورد خشن وارد قفسه های ۷ گانه نورد نهایی می شود و ضخامت آن متناسب با درخواست مشتری به ۱٫۵ تا ۱۶ میلی متر کاهش می یابد. در این مرحله دمای تختال به ۸۵۰ تا ۹۰۰ درجه سانتی گراد می رسد و وارد بخش خنک کاری می شود. در این قسمت خواص مکانیکی مورد نیاز مشتری به ورق داده شده و با استفاده از روش های خنک کاری، درجه حرارت ورق تا حدود ۶۵۰ درجه سانتیگراد کاهش می یابد. حالا تختال آماده ورود به کلاف پیچ هاست.



کلاف پیچ ها

خط نورد گرم دارای ۳ کلاف پیچ است که وظیفه این قسمت تبدیل ورق به کلاف است. ورق خروجی از ناحیه خنک کاری توسط کلاف پیچ به نحو مناسب پیچیده می شود تا حجم کمتری اشغال کند. در این قسمت ورق به شکل استوانه با قطر حداکثر ۱۹۲۰ میلیمتر تولید و سپس شماره گذاری، تسمه زنی و به واحد تکمیل نورد گرم برای انجام مراحل بعدی ارسال می گردد.

کارگاه غلتک

یکی از اقلام هزینه ای و کیفی تاثیرگذار در تولید نورد گرم، غلتک ها هستند. در این کارگاه روزانه حدود ۱۵۰ غلتک سنگ زنی و ۳۵ عدد چوک آماده سازی می شود.



کار شیفتی روز و شب و نصف شب ندارد

علی باروتی هجده ساله، متاهل و دارای یک فرزند

۵ مردادماه سال ۱۳۹۳ اولین روز کاریم در فولاد مبارکه بود و بعد از طی دوران آموزش به ناحیه نورد گرم آمدم. اینجا اول برشکار بودم و بعد از یک سال و نیم هم اپراتور OS۵ شدم، در این بخش موقعیت های شغلی مختلف داشتم و الان نوردکار هستم. این قسمت از ناحیه نورد گرم، نورد نهایی یا فینیشینگ هست و ما اینجا پنج اپراتور هستیم، دو اپراتور قیچی و سه اپراتور نورد نهایی که شامل اپراتور نورد نهایی، ارشد اپراتور و یک نوردکار می شود.

کار کردن در این بخش از ناحیه نورد گرم خیلی سخت و استرس آن زیاد است چون اینجا سرعت نورد نهایی برای ضخامت های پایین تختال به ۱۷ متر بر ثانیه می رسد، یعنی اگر یک ثانیه غفلت کنیم ۱۷ متر ورق لوله شده و مشکل ایجاد می شود.

من شیفت کار هستم و کار شیفتی روز و شب و نصف شب ندارد. بنابراین این فرمت کار کردن برنامه ریزی زندگی را برای ما دچار مشکل کرده است. خانواده ام می دانند در ناحیه نورد گرم فولاد مبارکه کار می کنم اما از اینکه دقیقاً اینجا چه جور فضایی است و کار من در این قسمت چیست اطلاعی ندارند. آنها در مورد محیط کارم می پرسند و دوست دارم یک شرایطی فراهم شود تا خانواده ها بازم بتوانند بیابند محیط را از نزدیک ببینند.

به نمایندگی از همکاران این درخواست را داریم تا تورهای بازدید از کارخانه ها و شرکت هایی که با شرکت فولاد مبارکه طرف قرارداد هستند برگزار شود تا ببینیم محصولاتی که در اینجا برای تولیدشان زحمت می کشیم دچار چه سرنوشتی می شوند و این مسئله انگیزه ما را در تولید بیشتر می کند.



روایت نهم

ایراتور کارگاه غلتک ناحیه
نورد گرم

اینجا همه کارها روی غلتکه!

محمد بهرامی کرکوندی هستم ۳۳ ساله، متاهل

سال ۱۳۹۴ استخدام فولاد مبارکه شدم و بعد از ۳ ماه آموزش مستقیم به کارگاه غلتک منتقل شدم. کارگاه غلتک به خط ۵۱ ناحیه نورد گرم خدمات رسانی و عیوب غلتک های کاری را برطرف می کند. برای بهبود کیفیت ورق، سنگ زنی غلتک ها و رفع پلیسه ها در این کارگاه انجام می شود. شیفتر کار هستم. شب کاری ها واقعاً روی ما فشار می آورد و روی خواب و تمرکز ما تاثیر دارد. پیاده روی و کار فیزیکی در این قسمت زیاد هست و استرس کار نیز بالاست.





کارکردن در اینجا قابل توصیف نیست

محسن شفیع زاده هستم، متاهل و دارای سه فرزند

حدود سه سال هست که با فولاد مبارکه همکاری داریم و در زمینه های خدمات جنبی شامل برشکاری بار، تعویض غلتک ها، شماره نویسی، قلاب اندازی، تسمه زنی و نمونه گیری بار فعالیت می کنیم و حدود ۲۰ نوع کار انجام می دهیم. پرسنل ۱۲ ساعته اینجا هستند. همه آنها بیرون از اتاق فرمان کار انجام می دهند در شرایطی که صدا زیاد و حرارت ورق ها حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ درجه سانتی گراد است؛ به اینها غبارات سیلیس، غبارات روغن، گردوغبارهای پراکنده در فضا حاصل از نورد و بخار آب را هم اضافه کنید. بچه هایی که اینجا کار می کنند باید روی ورق هایی با درجه حرارت بالا شماره بنویسند و تسمه بزنند و این واقعا سخت است. قابل توصیف نیست کاری که انجام می دهند.

اپراتورها در این بخش از لوازم حفاظت فردی مثل کفش ایمنی کلاه و لباس و علاوه بر آن از شیلد محافظ، عینک، دستکش و پیش بند نسوز استفاده می کنند تا بتوانند جلوی حرارت کار کنند.

خانواده هیچ کدام از بچه هایی که اینجا کار می کنند تا به حال محل کارشان را از نزدیک ندیده اند و اگر موقعیتی فراهم شود تا خانواده هایشان بتوانند از نزدیک در خط حضور پیدا کنند و کارشان را ببینند اتفاقی خوبی است.



روایت یازدهم

ایراتور واحد تکمیل نورد گرم



هنرجوی هنرستان فولاد مبارکه بودم

سید محمد شریفیان هستم، ۴۳ ساله، متاهل و دارای یک فرزند

دهه ۷۰ بود که به عنوان هنرجو در هنرستان فولاد مبارکه به مدت چهار سال درس خواندم تا دیپلم گرفتم و یک مقطع چهارساله غیبت داشتم و از سال ۱۳۸۰ مجدد آمدم به این شرکت و تا الان در خدمت فولاد مبارکه هستم. در دهه ۶۰ یک تصمیمی دولت ها گرفتند که کارخانه های بزرگ مثل فولاد مبارکه، تراکتورسازی تبریز، سیمان سپاهان («هنرستان جوار») داشته باشند و فولاد مبارکه هم به دنبال همین تصمیم هنرستانی را ایجاد کرد بارشته های برق الکترونیک، ماشین افزار و ریخته گری. من سال ۷۱ جذب این هنرستان شدم و اینطور بود که شاگرد اول های کل منطقه را جذب می کرد و قرار بر این بود که استخدام فولاد شویم.

یک سال بازدیدی گذاشتند ویژه خانواده فولاد مبارکه و آنها آمدند محیط کارمان را از نزدیک دیدند و خیلی هم استقبال کردند. هرکسی که بیرون از فولاد مبارکه باشد و این مجتمع را ندیده باشد واقعا وقتی وارد مجموعه می شود عظمت اینجا مبهوتش می کند.

اینجا بیشتر به من می گویند سید، بچه های تعمیرات را به اسم مهندس می شناسند و به رئیس خط می گویند مدیر. به هم لقب های کار راه بنداز داده ایم، در واقع بیشتر حساب کدگذاری هست برای اینکه کارزودتر انجام شود مثلا به جای اینکه بگویم آقای فلانی می گویم مهندس یا به جای اینکه بگویم رئیس خط آقای فلانی می گویم مدیر...

خاطرات شیرین و البته اتفاقات تلخ اینجا زیاد داشتیم. اینجا شب های عید، شب های ماه رمضان، شب های یلدا چون از خانواده هایمان دور هستیم در کنار همکاران سپری می کنیم و باید بگویم خانواده ما در محیط کار همکارانمان هستند.

اینجا کارگاهی است که برای دو میلیون تن طراحی شد و امروز بچه های خط با پوست و گوشت و خون خود این میزان را به حدود ۷٫۲ میلیون تن رسانده اند؛ لذا نیروی انسانی اهمیت فراوانی دارد و باید بیش از پیش به وضعیت آنها رسیدگی شود و این درخواستی است که داریم.

خطوط نهایی و حمل و بسته بندی

واحد تکمیل نورد گرم شامل دو قسمت خطوط نهایی و حمل و بسته بندی محصولات می شود. خطوط نهایی شامل خط برش سبک، خط برش سنگین، خط اسکین پاس و خط تمپر میل است. در خطوط برش سبک و سنگین کلاف طبق سفارش مشتری اصلاح و بسته بندی می شود. در صورتیکه کلاف و ورق معیوب باشد به خط اسکین پاس و خط برش سبک ارسال و عیب های آن اصلاح می شود و مجدداً آماده برش و حمل و بسته بندی می گردد.

ایستگاه سوم

واحد تکمیل نورد گرم





کارم بارگیری محصولات نورد گرم است

حسین ترابی هستم ۳۸ ساله، متاهل و دارای یک فرزند

از سال ۱۳۸۵ وارد شرکت فولاد مبارکه شدم و نیروی شیفت کار هستم. کار ما بارگیری محصولات نورد گرم و ارتباط با رانندگان ماشین سنگین هست. وقتی راننده ها می آیند اینجا برنامه خود را به ما تحویل می دهند، ما روی سیستم چک می کنیم و محصولی که تولید شده را با جرثقیل بار می زنیم و ماشین حمل بار بعد از رفتن روی باسکول به سمت شرکت خریدارنده محصول حرکت و بار را در آنجا تخلیه می کند.

اینجا کار کردن سختی های خاص خودش را دارد مخصوصاً اینکه شیفت کار هم باشی، تایم کار ما ۱۲ ساعته است و البته وقتی که شیفت شب هستم خیلی سخت تر می شود. روزانه ۱۰۰ تا ۱۱۰ ماشین بارگیری می شود و از اینجا به سمت مقصد حرکت می کند.



هم خانواده

گزارش تصویری

اینهارا می بینید!

تلاشگران ناحیه نورد گرم فولاد مبارکه هستند. اینجا کار کردن سخته، خیلی سخت. میدونید روزها را چطور سپری می کنند؟ با تلاش و امید...



تلاشگران واحد تکمیل نورد گرم



تلاشگران خط تولید نورد گرم

تلاشگران کوره های پیشگرم ناحیه نورد گرم



تلاشگران خط تولید نورد گرم



تلاشگران ناحیه نورد گرم

هم خانواده

مجله خانواده بزرگ

فولاد مبارکه

هم

ماهنامه هم خانواده در فصل «همکار برتر»
به معرفی ترین های شرکت فولاد مبارکه در
زمینه ایمنی، پیشنهاد برتر، تجربه برتر و پروژه
برتری پرداخته.

همکار برتر

همکار برتر

نظام پیشنهادهای فولاد مبارکه برای تعامل با کارکنان

یه پیشنهاد اکازیون فولادی

پیشنهاد چیه؟

وقتی شما در مجتمع فولاد مبارکه براساس یک ایده کاری رو انجام میدین یا طرحی را ارائه میکنین که در نهایت باعث میشه سطح فعلی انجام کار در این مجموعه بهبود پیدا کنه؛ در واقع شما یه مجموعه پیشنهاد از جنس فولاد توی مشستون دارید! حالا این پیشنهاد باید سه تا ویژگی داشته باشه؛ جدید باشه، مشخص باشه، مفید باشه.

یک پیشنهاد درست پیشنهاد چی نیست؟

یه پیشنهادی بدید که مولد ارزش نره و این هم یادتون باشه؛ انتقاد، پند و توصیه، شکایت، وظیفه، رفع اهمال، تذکر، درخواست، ملزومات، ارائه ایده صرف، پیشنهاد نیست.

اهداف اصلی نظام پیشنهادها بهبود فرهنگ سازمانی

۱. ارتقای رضایت و تعلق سازمانی کارکنان و پویا نمودن فرهنگ سازمانی با ایجاد بستر مشارکت کارکنان در راستای تحول سازمان.
۲. ایجاد امکان بهره‌گیری نظام مند و مستمر از دانش و خلاقیت کارکنان به منظور ارتقای عملکرد بهره‌وری و ایجاد سود و صرفه جویی اقتصادی برای شرکت با کاهش اتلاف‌ها و هزینه‌های اضافی
۳. ایجاد بانک اطلاعاتی با قابلیت دستیابی همگانی از فرصت‌های بهبود جهت اشتراک‌گذاری دانش سازمانی.

هر مجموعه ای برای بهبود رویکردهاش و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های علمی و عملی کارکنانش نیازمند تعامل با اون هاست و نظام پیشنهادها تا حدود زیادی میتونه این نیاز مهم را در شرکت‌ها مرتفع کنه. فولاد مبارکه هم از طریق سامانه نظام پیشنهادها در بخش کارتابیل تحولی به دنبال تعامل حداکثری با کارکنان فولادی خودش و دریافت پیشنهادهای اکازیون اون‌هاست.

برنده جایزه بزرگ باش نظام پیشنهادها را بشناسیم

حالا که متوجه شدید پیشنهاد اصلاً (چه هست و چه نیست) و دوستید که به پیشنهاد خوب چیه، میرسیم به مقوله نظام پیشنهادها که در قالب این نظام بهبود شرکت، پیشنهادهای کارکنان و سایر ذینفعان (مشتریان، پیمانکاران و ...) دریافت، بررسی و اجرا میشه و بهبودهای انجام شده هم ثبت، صحت‌گذاری و مورد تقدیر قرار می‌گیرند. پس به این فکر کنید که پیشنهاد شما میتونه در کنار کمک به بهبود شرکت، شایسته تقدیر هم باشه؛ این خودش به جایزه بزرگ برای شماست.

ارائه بهبود در حوزه‌های کاری تمرکزی کار خودمان

تاکید اصلی نظام پیشنهادها به تمرکز روی کار خودمان است. دیدگاه اتلاف بینی و ارائه پیشنهادها مفید و هر چند کوچک در حوزه کاری خودمان! پس از همین الان شروع کنیم برای ارائه ایده‌های بهبود هر چند کوچک در حوزه کاری خودمان.

بهبودهای کوچک آیا بهبودهای کوچک نوعی پیشنهاد است؟

البته! هر ایده قابل اجرا که جدید و مفید باشه هر چند کوچک یک پیشنهاد است و می‌توان آن را در سیستم پیشنهادها ثبت کرد.

فرق ایده با پیشنهاد (چی، چرا، چطور؟)

یه کم قبل‌تر (تو قسمت پیشنهاد چی نیست) گفتیم؛ ایده پیشنهاد نیست اما با تکمیل کردن به ایده میشه اون را به پیشنهاد کامل تبدیل و در سامانه نظام پیشنهادها ثبتش کرد. برای اینکه به پیشنهاد کامل داشته باشید باید به این سوالات جواب بدین:

چی؟ (شرح روشن پیشنهاد به گونه ای که برای خواننده روشن باشد چه اقدامی باید صورت گیرد)
چرا؟ (شرح وضع فعلی و مشکلات آن و مقایسه مزایای اجرای پیشنهاد با هزینه آن و وضع موجود)
کجا؟ (مکان اجرای پیشنهاد)
چه موقع؟ (زمان مناسب اجرای پیشنهاد)
توسط چه کسی؟ (مسول و متولی اجرای پیشنهاد)
چطور؟ (مراحل، گام‌ها، شیوه اجرای پیشنهاد)

انجام بهبود قبل از ارائه پیشنهاد

آیا می‌توان ایده خود را اجرا و سپس در سیستم پیشنهادها ثبت کنیم؟
البته! تاکید نظام پیشنهادها در این است که افراد برای پیشنهادها در حوزه کاری خودشان با هماهنگی رئیس، مدیر یا در نظر گرفتن شرایط ایمنی و... ایده خود را اجرا نمایند و سپس به عنوان یک پیشنهاد در سیستم پیشنهادها ثبت نمایند.

روایت تولید تختال با ضخامت ۳۰۰ میلی متر در فولاد مبارکه

چینی‌ها گفتند امکان پذیر نیست

ماجرای بومی سازی و تولید تختال‌های ۲۵۰ و ۳۰۰ میلی متر در فولاد مبارکه از پروژه انتقال نفت گوره به جاسک شروع شد؛ جایی که تختال با ضخامت ۲۰۰ میلیمتر در «تست تجمع عناصر آلیاژی در مرکز تختال» موفق نمی‌شد و این مسئله یک چالش جدی برای پروژه بود. همان زمان ماشین ۵ ریخته‌گری امکان تولید تختال با ضخامت ۲۵۰ میلی متر را هم داشت بنابراین ضخامت تختال از ۲۰۰ به ۲۵۰ رسید و این پروژه که یکی از بزرگترین پروژه‌های موفق در فولاد مبارکه و یک افتخار ملی است، به پایان رسید. در ادامه این موفقیت بزرگ، مهندسان فولاد مبارکه پروژه‌ای جدید را تعریف کردند؛ تولید تختال با ضخامت ۳۰۰ میلی متر. محمد فخری مسئول این پروژه که همراه با تیم خود بومی سازی و تولید تختال با ضخامت ۳۰۰ میلی متر را در فولاد مبارکه به ارمغان آورد درگپ و گفت با ماهنامه هم خانواده از سختی‌های این مسیر و چالش‌های پیش رویشان گفت که در ادامه می‌خوانید.

🗨️ چه سالی در فولاد مبارکه مشغول به کار شدید و در چه بخشی فعالیت می‌کنید؟
در سال ۱۳۸۴ استخدام فولاد مبارکه شدم و طی سال‌های حضورم در این مجموعه مسئولیت‌های مختلفی را بر عهده داشتم اما در حال حاضر رئیس تولید ریخته‌گری مداوم در فولاد مبارکه هستم.

🗨️ چه شد که به فکر تولید تختال با ضخامت ۳۰۰ میلی متر افتادید؟
بعد از اینکه پروژه گوره به جاسک را با موفقیت پشت سر گذاشتیم، طرح تولید تختال با ضخامت ۳۰۰ میلی متر را تعریف کردیم چون ماکسیمم ظرفیتی که نورد اکسین در خوزستان داشت ضخامت تختال ۳۰۰ بود و اگر می‌توانستیم این نوع تختال را تولید کنیم امکان حضور فولاد مبارکه در پروژه‌های بزرگتر فراهم می‌شد و می‌توانستیم محصولات سخت‌تری را تولید کنیم.

🗨️ از چالش‌هایی بگویید که در مسیر این پروژه با آن روبرو شدید.
در ابتدای کار انجام این پروژه برای ما خیلی ساده به نظر می‌رسید اما هر چه بیشتر رویه جلو حرکت می‌کردیم متوجه می‌شدیم که چقدر دانش ما نسبت به این پروژه اندک است و طبیعتاً با چالش‌های زیادی هم روبرو شدیم. یکی از چالش‌های بزرگ ما در این پروژه مباحث مکانیکی بود که آیا تاسیسات مکانیکی که روی ماشین نصب است توانایی تولید تختال با ضخامت

پروژه برتر

عنوان پروژه

تولید تختال با ضخامت ۳۰۰ میلی متر

مسئول پروژه

محمد فخری

اعضای تیم

قاسم خوشدل پور، منصورسنایی نژاد، محمود عقیلی، محمدرضا صافی، سید شهرام تاجران، کامران مرادی، محمد علی شفيعی، محمد معظم

کمیته تحول

واحد فولادسازی

شرح پروژه

برای دستیابی به خواص مکانیکی مناسب در ورق‌های با ضخامت بالا و اعمال ریداکشن مناسب در نورد تختال نیاز به تولید تختال در ضخامت‌های بالاتر از ۲۵۰ میلیمتر وجود دارد. در این راستا و با توجه به اینکه ماکسیمم ضخامت تختال تولیدی در ماشین‌های ریخته‌گری ۲۵۰ میلیمتر بود پروژه افزایش ضخامت در ماشین ریخته‌گری استارت خورد و پس از شش ماه کار شبانه روزی و مستمر تولید تختال با ضخامت ۳۰۰ میلیمتر در واحد ریخته‌گری با موفقیت انجام شد.

تولید تختال با ضخامت ۳۰۰ میلی متر امکان حضور فولاد مبارکه در پروژه‌های بزرگتر را فراهم می‌کرد





این پروژه تا چه اندازه در طراحی فرایندهای فولاد مبارکه نقش داشت؟

پروژه تولید تختال با ضخامت ۳۰۰ میلی متر اولین گام در طراحی فرایند بود و برای اولین بار در فولاد مبارکه انجام شد. ما هیچ زمان در فولاد مبارکه طراحی فرایند نداشتیم و بیشتر شرکت های خارجی از آلمان و ایتالیا و... در قسمت فولادسازی و ریخته گری در این بخش پیشتاز بودند.

ما برای اولین بار وارد طراحی فرایند در تولید تختال با ضخامت ۳۰۰ میلی متر شدیم و به هنر طراحی فرایند دست یافتیم.

دستاوردهای تولید این محصول در فولاد مبارکه چه بود؟

پروژه تولید تختال با ضخامت ۳۰۰ میلی متر هزینه زیادی برای فولاد مبارکه نداشت اما سبد محصول شرکت را گسترده کرد بطوریکه بعد از آن توانستیم ۳۰ هزار تن سفارش تولید این نوع تختال را بگیریم و حتی در پروژه های انتقال نفت و گاز کیش از ماحصل این پروژه استفاده کنیم. همچنین بعدها با استفاده از نتایج این پروژه موفق شدیم تا ماشین شماره دو ریخته گری که برای ضخامت ۲۰۰ و ۲۲۰ میلی متر طراحی شده بود را به ضخامت ۲۵۰ میلی متر ارتقا دهیم و در واقع این پروژه باعث خودباوری در ما شد تا اینکه بتوانیم بسیاری از قطعات را در داخل کشور بسازیم.

خودباوری

در مسیر اجرای این پروژه به شرکت شیان چین طراح ماشین ۵ ریخته گری فولاد مبارکه ایمیل زدیم و موضوع را با آنها مطرح کردیم. آنها در جواب گفتند: «این کار غیرممکن است» اما ما با تلاش آن را ممکن کردیم و موفق شدیم

۳۰۰ میلی متر را دارد یا خیر؛ که نهایتاً برای این کار ناگزیر اسپیسرها یا فیکس استپها که بین گپ گلتک هست را باز طراحی کردیم و همچنین گپ خط برای اینکه تختال با ضخامت ۳۰۰ میلی متر از خط خارج شود را طراحی کردیم. بنابراین در ابتدا چند کارگروه مکانیک، متالورژی و برق تعریف کردیم و جدول گپ طراحی شد.

موتورهای کشاننده و مستقیم کننده و اینکه آیا این موتورها می توانند تختال مورد نظر ما با این وزن را از خط خارج کنند، چالش دیگری بود که با آن روبرو شدیم چراکه این موتورها مرتباً از مد موتوری به مد ژنراتوری تبدیل می شدند. برای حل این مشکل چندین ماه فعالیت کردیم و با تغییری که در مدهای درایورها انجام دادیم بر آن فائق آمدیم.

مرحله بعدی طراحی قالب بود، ما مجبور شدیم صفحات را بازطراحی کنیم چرا که صفحات برای ضخامت ۳۰۰ میلی متر طراحی شده بودند و برای ضخامت ۲۵۰ میلی متر نیاز به بازطراحی داشتند. این صفحه توسط شرکت داخلی طراحی شد، قالب آن آماده شد و از طرفی شمش نیز نیاز به بازطراحی داشت که این کار نیز انجام گرفت.

در مسیر اجرای این پروژه به شرکت شیان چین طراح ماشین ۵ ریخته گری فولاد مبارکه ایمیل زدیم و موضوع را با آنها مطرح کردیم. آنها در جواب گفتند: «این کار غیرممکن است» اما ما با تلاش آن را ممکن کردیم و موفق شدیم. این موفقیت محصول یک کار تیمی بزرگ و حاصل اعتماد مجموعه فولاد مبارکه به تیم ما بود.

استفاده همزمان دو الکتروپمپ حوضچه های سرباره

آب روی آتش...

با افزایش تولید واحد فولادسازی شرکت فولاد مبارکه، حوضچه های خنک کننده سرباره مملو از سرباره مذاب می‌شود و تنها پمپی که در این بخش قرار داشت قادر به خنک کردن آنها نبود، بنابراین پیشنهاد استفاده همزمان دو الکتروپمپ حوضچه های سرباره از سوی بهرام قاسمیان و تیم همراهش ارائه شد. پیشنهادی که منجر به یکی از پروژه های برتر در فولاد مبارکه شد. در ادامه گپ و گفت ماهنامه هم خانواده با بهرام قاسمیان مسئول این پروژه را می‌خوانید که به چگونگی اجرای پروژه و فراز و نشیب هایی که در این مسیر داشتند اشاره کرده است.

پروژه استفاده همزمان دو الکتروپمپ حوضچه های سرباره، محصول فعالیت و همفکری بنده و همکارانم است

از دوران حضورتان در فولاد مبارکه بگوئید.

نزدیک به ۲۶ سال است که با مدرک تحصیلی لیسانس برق در فولاد مبارکه مشغول به کار هستم و همه این سال ها در واحد سرباره کار کرده‌ام. فعالیت‌م را اینجا به عنوان تعمیرکار شروع کردم و سپس به عنوان تکنسین برق و الکترونیک کار خودم را در واحد سرباره ادامه دادم.

پیشنهاد اولیه برای اجرای این پروژه چگونه شکل گرفت؟

پروژه ارائه تمهیدات مناسب برای استفاده همزمان دو الکتروپمپ حوضچه های سرباره، محصول فعالیت و همفکری بنده و همکارانم است. در حال حاضر ۵ حوضچه سرباره در فولاد مبارکه وجود دارد که از بدو تاسیس در این مکان قرار داشته و تاکنون به تعداد آنها افزوده نشده است. بنابراین با افزایش تولید در چند سال اخیر دیگر حوضچه ها پاسخگوی نیاز ما نبودند، ۳ سال پیش حدود ۱.۸ میلیون تن سرباره وارد حوضچه ها می‌شد اما هم اکنون نزدیک ۲ و نیم میلیون تن سرباره در این حوضچه ریخته می‌شود به گونه ای که حوضچه به طور کامل پر می‌شود. این در حالی است که میزان سرباره مذاب وارد حوضچه شده نیازمند خنک کاری است چرا که اگر سرباره خنک نشود شاقول و بیل مکانیکی اصلاً نمی‌توانند آنها را جمع‌آوری کنند تا در دپو ضایعات تخلیه کنند. باید فکری برای حل این مشکل می‌کردیم، بنابراین چنین پیشنهادی را ارائه کردیم.

در مورد روند اجرای پروژه توضیح دهید.

برای انجام این پروژه در ابتدا به بررسی تاسیسات

پروژه برتر

عنوان پروژه

ارائه تمهیدات مناسب برای استفاده همزمان دو الکتروپمپ حوضچه های سرباره

مسئول پروژه

بهرام قاسمیان

اعضای تیم

رحیم خلقی، محمدرضا دانش، احمد شاه مرادی، محمد هاشمی و صادق عسگری

کمیته تحول

واحد حمل و فرآوری سرباره

شرح پروژه

خنک کاری سرباره مذاب یکی از مهمترین قسمت های فرآیند سرباره است و باتوجه به افزایش تولید، سیستم خنک کاری موجود جوابگوی خنک کاری حوضچه‌ها نبود و مشکلاتی را با خود به همراه داشت. استفاده همزمان دو الکتروپمپ حوضچه های سرباره برای حل این مشکل یک پیشنهاد راهگشا بود. براساس این طرح علاوه بر اینکه الکتروپمپ ها بطور دائم بکار می‌توانند در مدار باشند بطور همزمان نیز دو الکتروپمپ ۷۵ کیلووات می‌توانند وارد مدار گردیده و فشار و دبی مناسب جهت خنک کاری حوضچه ها را تنظیم کنند.





دو طرف کار خنک کاری را انجام دهد، برای خنک کاری این حجم عظیم از سرباره نیازمند یکسری تغییرات بودیم، پیشنهاد ما این بود که برای خنک کاری دو تا پمپ را به صورت همزمان به کار ببریم تا مشکل حوضچه برطرف شود، به علاوه استفاده از دو پمپ خنک کننده به طور همزمان موجب پوشش دهی ۲ تا ۳ لاین از سرباره ها می شد.

این پروژه چه دستاوردهایی را به همراه داشت؟
تخلیه به موقع حوضچه ها، جلوگیری از آتش سوزی پاتیل برها در اثر پر بودن حوضچه ها، عدم توقف کوره های قوس به علت پر بودن و نبودن حوضچه تخلیه سرباره مذاب، کاهش توقفات پاتیل برها در اثر آتش سوزی، کاهش هزینه های تعمیراتی مکانیزم هایی که داخل حوضچه مشغول بکار می باشند و بالا رفتن ضریب ایمنی در اثر پاشش مواد مذاب به بیرون از حوضچه از جمله دستاوردهایی بود که این پروژه به همراه داشت.

و صحبت پایانی.
امیدوارم این تاسیسات به زودی نوسازی شوند، طراحی جدیدی روی آنها انجام شود، لوله های جدید جایگزین شوند و حتی سیستم برق هم به طور کامل تغییر کند و تا زمانیکه این طرح جواب می دهد یک تیم طراحی و ساخت حوضچه های جدید کار خود را آغاز کنند.

نوسازی تاسیسات

امیدوارم این تاسیسات به زودی نوسازی شوند، طراحی جدیدی روی لوله های جدید جایگزین شوند و حتی سیستم برق هم به طور کامل تغییر کند و تا زمانیکه این طرح جواب می دهد یک تیم طراحی و ساخت حوضچه های جدید کار خود را آغاز کنند

پرداختیم که آیا تاسیسات موجود جوابگوی این کار هست یا خیر و جواب مثبت بود. بعدها تابلو برق جدیدی را طراحی کردیم و دو پمپ ۷۵ کیلووات را اضافه کردیم، با این کار مدار تغییر کرد و کابل کشی را به طور کامل تغییر دادیم تا بتوانیم دو پمپ را وارد مدار کنیم. این کار در سال ۱۴۰۰ با هزینه معادل ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان انجام گرفت و کار بزرگی بود و اگر انجام نمی شد هیچ دستگاهی نمی توانست سرباره مذاب را جا به جا کند و در برابر افزایش تولید مشکل خنک کاری و تخلیه سرباره را داشتیم.

در مسیر اجرای پروژه با چه چالش های روبرو شدید؟
اگر می خواستیم تعداد حوضچه ها را اضافه کنیم کاری غیر ممکن بود چرا که خوب جانمایی نشده بود، هزینه سنگینی به دنبال داشت و در این مدت کوتاه اصلاً نمی شد چنین کاری را انجام داد. به ناچار پمپ ها را از ۵۵ به ۷۵ کیلووات ارتقا دادیم، اما توان برقی که داشتیم بسیار کم بود، بنابراین باید ۱۶۰ آمپر برق از تابلو برق واحد انرژی سیالات می گرفتیم، که این برق پاسخگوی پمپ ۷۵ کیلووات نبود و ما مجبور بودیم پمپ ها را به صورت شیفته و رندوم خاموش و روشن کنیم. تا اینکه مشکل برق را با واحد توزیع برق در میان گذاشتیم که آنها خط ۲۰ کیلووات برای ما کشیدند اما با حل مشکل برق هم مشکل خنک کاری سرباره سرجای خود باقی می ماند و یک پمپ خنک کننده جوابگوی این همه سرباره نبود. این پمپ تنها یک لاین را جواب می داد و نمی توانست از

پیشنهادی برای حل چالش دور موتور دیزل ها در فولاد مبارکه

بدون نویز، بدون خطا

هم خانواده



پیشنهاد برتر

عنوان پیشنهاد

سنجش دور موتور دیزل ها
با دستگاه دورسنج
الکتریکی

ارائه دهنده پیشنهاد

مجید جاویدنیا

کمیته تحول

حمل و نقل جاده ای

شرح پیشنهاد

با توجه به بازرسی های شرکت صحت سنج (مورد تایید نظارت تعمیرگاه دیزلی) و موارد فراوان تکرار کم بودن دور موتور دیزل ها به دلیل مشکلات عدیده ای مانند آنالوگ بودن نشان دهنده، کالیبره نبودن تجهیزات و معایب مکانیکی، پیشنهاد شد جهت صحت دور موتور دیزل ها از دستگاه دورسنج الکترونیکی استفاده گردد.

در هر بازرسی که از دیزل های واحدهای مختلف فولاد مبارکه انجام می گرفت تلورانس وجود داشت و این مسئله باعث می شد تا بچه های تعمیرکار، دائم در حال چک کردن دور موتور، تعویض فیلترهای سوخت و فیلترهای دیگر سنسورهایی که مربوط به دور موتور هستند باشند و مدام سیستم را چک کنند. مجید جاویدنیا تکنسین برنامه ریزی و آماده سازی واحد تعمیرگاه حمل و نقل جاده ای فولاد مبارکه برای حل این مسئله سیستمی را در سامانه نظام پیشنهادات ارائه کرد که از لحاظ کالیبراسیون کردن دور موتور دیزل ژنراتور و دیزل پمپ ها نشان دهد دور موتور واقعی هست یا خیر. این پیشنهاد با عنوان سنجش دور موتور دیزل ها با دستگاه دورسنج الکترونیکی ثبت و اجرا شد. مجید جاویدنیا در کپ و گفت با ماهنامه هم خانواده داستان پیشنهادش را برای ما روایت کرده که در ادامه می خوانید.



یکی از مهمترین تجهیزاتی که می‌توان در فولاد مبارکه نام برد دیزل‌ها هستند که در تمام نواحی فولادسازی، آهن‌سازی و نورد سرد و گرم و انرژی سیالات به کار می‌روند. خواه ناخواه در قسمت‌های تولیدی، پشتیبانی برق و آب در شرایط اضطراری صد درصد وابسته به دیزل است.



مختلفی مانند سوخت سنسور داخل دیزل‌ها و کارکرد نامناسب آنها موجب تغییر در دور موتور می‌شود، دیزل‌ها باید در مواقع ضروری استفاده شوند بنابراین نمی‌توانیم به دور موتور بی‌تفاوت باشیم، تا زمانیکه دور موتور مناسب باشد سیستم عملکرد درستی خواهد داشت.

چه میزان از اهداف شما در ارائه این پیشنهاد محقق شد؟

اکنون در رابطه با تست دور موتور صد در صد به استپ تشخیص دور موتور رسیدیم، دستگاهی که استفاده می‌شود بدون نویز و خطای سیستمی است و اطلاعاتی که به ما می‌رسد اطلاعات واقعی است، تصمیم‌گیری برای اینکه دیزل نیاز به تعمیرات دارد یا خیر نیازمند اطلاعات کافی است که خوشبختانه حالا این اطلاعات به دست ما می‌رسد.

پیشنهاد شما تا چه اندازه موجب بهبود فرآیندها در فولاد مبارکه شد؟

پیشنهادی که ارائه دادیم در اصل به صورت بهبود سیستم فرآیند بوده است، برخی مواقع پیشنهاد ارائه می‌شود و چیزی وجود ندارد اما در این زمینه سیستم موجود بود ولی بهینه‌سازی نشده بود و ما آن را بهبود بخشیدیم. مهمترین تجهیزاتی که در شرایط اضطراری در فولاد مبارکه مورد استفاده قرار می‌گیرند همین دیزل‌ها هستند، خواه ناخواه در قسمت‌های تولیدی، پشتیبانی برق و آب در شرایط اضطراری صد درصد وابسته به دیزل است و بهترین راه برای حفظ و آماده به کاری این دیزل‌ها بهبود و اندازی‌گیری دور موتور بود تا بتوانیم در شرایط اضطراری پاسخگوی خط تولید باشیم.

از دوران حضورتان در فولاد مبارکه بگویید.

رشته اصلی من برق الکترونیک است و پس از اینکه مدت ۱۵ سال را به عنوان تکنسین در تعمیرگاه مرکزی فولاد مبارکه در رابطه با تعمیرات و تجهیزات صنعتی بودم به تعمیرگاه دیزلی منتقل شدم و در حال حاضر ۳ سال است که به عنوان تکنسین نظارت در رابطه با تجهیزات دیزلی فولاد مبارکه فعالیت می‌کنم.

درباره پیشنهادتان برای سنجش دور موتور دیزل‌ها صحبت کنید.

در بحث کنترل فرآیند تعمیرات دیزل‌ها، بعضی از مغایرت‌هایی که توسط شرکت‌های بازرسی انجام می‌شود در سیستم قابل قبول نیست. با توجه به اینکه سیستم بلرینگ دیزل‌ها و دور موتور قدیمی بود و سیستم دارای نویز صنعتی بود با بررسی عوامل مختلف به این نتیجه رسیدیم بهترین روش کالیبره کردن دور موتور، استفاده از دستگاه دیگری است. بنابراین از دستگاه دورسنج الکتریکی که بیسیم است استفاده کردیم چراکه دور واقعی شافت تلورانس به صفر می‌رسد و ما دور موتور دقیق را داریم. این روش باعث می‌شود اگر دور موتور مشکل داشته باشد به صورت واقعی گزارش شود و ما به صورت عملی و واقعی می‌توانیم کارمان را انجام دهیم.

هدف شما از ارائه این پیشنهاد چه بود؟

یکی از مهمترین تجهیزاتی که می‌توان در فولاد مبارکه نام برد دیزل‌ها هستند که در تمام نواحی فولادسازی، آهن‌سازی و نورد سرد و گرم و انرژی سیالات به کار می‌روند، بنابراین هدف این پیشنهاد کنترل سیستم اطلاعات ما در رابطه با دور موتور بود. عوامل

حل مشکل سیستم خنک کاری در فرآیند ذوب مخصوص

پیشنهادی که پمپ‌های خارجی را از دور خارج کرد

پمپ‌های دور متغیر خارجی به علت نبود قطعات یدکی دائم خراب بودند و نیاز به تعمیر داشتند. جرقه پیشنهاد تک دور کردن گریبکس پمپ ۵۰۲۵ کولینگ تاور اراج از همین جا در ذهن رسول نوروزیان زده شد. او در گپ و گفت با ماهنامه هم خانواده داستان پیشنهادش را برای ما روایت کرده که در ادامه می‌خوانید.

فیلتر و پمپ انجام می‌شود. در آخر برای پمپاژ کردن لجن‌ها نیاز به پمپ‌های لجنی خاص داریم که این پمپ‌ها دارای فناوری مخروطی و دور متغیر هستند. مشکلی که با این پمپ‌ها داشتیم این بود که دائم خراب می‌شدند و قطعه یدکی آنها نیز به علت تحریم وجود نداشت، بنابراین مدت زمانی که طول می‌کشید این پمپ به دست ما برسد بالای دو سال بود. پیشنهاد کردیم دور متغیر را تک دور کنیم که این کار با همکاری شرکت بهلول تبریز به صورت آزمایشی انجام گرفت و در حال حاضر نصب شده است و حدود یک سال است بدون مشکل کار می‌کند.

اهداف پیشنهاد شما چه بود و تا چه میزان محقق شد؟

هدف ما از پیشنهادی که دادیم این بود؛ پمپی داشته باشیم که در دسترس باشد، تعمیراتش راحت انجام شود، هزینه تعمیرش کم بوده و خرابی آن کمتر باشد و علاوه بر این سازنده آن هم ایرانی باشد که اگر نیاز به تعمیر بود در دسترس بوده و به راحتی بتوانیم آن را تعمیر کنیم. یک سال می‌شود که این موتور تعویض شده و تاکنون هیچ‌گونه ایرادی گزارش نشده است، اما پمپ‌های خارجی مدام نیاز به تعمیرات داشتند، در موتور جدید با تغییر سیل‌ها از حالت لاستیکی به فلزی دور متغیر را اصلاح کردیم که این کار در نوع خودش منحصر به فرد بود.

پیشنهاد شما چه مزایا و دستاوردهایی را به همراه داشت؟

کاهش هزینه‌ها، حذف فرآیند تعمیر، صرفه جویی در زمان و کاهش نیروی انسانی برای تعمیر از مزایا و دستاوردهای استفاده از این نوع موتورها بود.

چه مدت است که در فولاد مبارکه فعالیت دارید؟
۱۴ سال است که استخدام شرکت فولاد مبارکه هستم و به عنوان تکنسین تعمیرات واحد عملیات ثانویه واحد فولادسازی فعالیت می‌کنم.

درباره پیشنهادی که ارائه کردید صحبت کنید
در فرآیند ذوب مخصوص، سیستم خنک کاری چون همراه با جذب سرباره و لجن است توسط کولینگ تاور انجام می‌شود و همراه با جداسازی سرباره و لجن‌ها، سنگ



پیشنهاد برتر

عنوان پیشنهاد

تک دور کردن گریبکس پمپ ۵۰۲۵ کولینگ تاور اراج

ارائه دهنده پیشنهاد

رسول نوروزیان

کمیته تحول

فولادسازی

شرح پیشنهاد

با توجه به خرابی زیاد گریبکس‌های دور متغیر و عدم ساخت داخل، با تک دور کردن گریبکس مربوطه، هم از نظر اقتصادی صرفه جویی شد و هم از خرابی بیش از حد گریبکس مربوطه جلوگیری و راندمان خط بیشتر گردید.

تجربه برتر از دل کوره های قوس الکتریکی

توقف ممنوع در ناحیه فولادسازی!

مهمترین هدف در ناحیه فولادسازی شرکت فولاد مبارکه کاهش مصرف انرژی و افزایش تولید است. در مسیر رسیدن به این هدف، تجربه شارژک در کوره های قوس الکتریکی بسیار موثر است. تجربه برتری که مرتضی فیضی تکنسین کوره های قوس الکتریکی در گپ و گفت با ماهنامه هم خانواده به شرح آن پرداخته است. این گفتگو را در ادامه می خوانید.

تجربه برتر

عنوان تجربه

شارژک

ثبت تجربه

مرتضی فیضی

کمپته تحول

فولادسازی

شرح تجربه

شارژک در کوره های قوس الکتریکی در زمان های پیک برق در ناحیه فولادسازی شرکت فولاد مبارکه می تواند منجر به کاهش مصرف انرژی، افزایش تولید و اتفاقات ویژه دیگری شود.

از اهداف بخش کوره های قوس الکتریکی و تجربه شارژک بگوئید.

هدف بخش کوره های قوس، بیشتر بهبود و افزایش بهره وری، افزایش تعداد ذوب، کاهش توقف کار، کاهش انرژی و افزایش تولید است. کک موجب احیای سرباره و کاهش خردگی نسوز، کاهش زمان توقفات نسوز کوره شده و افزایش تولید را به دنبال دارد. بنابراین با شارژک به هدف فولادسازی که همان کاهش هزینه و افزایش تولید است می رسیم. البته کاهش مصارف را هم داریم و خود آهن اسفنجی را هم شامل می شود، هرچقدر که اکسید آهن سرباره پایین تر باشد تلفات آهن اسفنجی که به صورت سرباره در پاتیل ها ذخیره می شود کمتر می شود و راندمان مذاب نیز بیشتر می شود.

چه مدت است که در فولاد مبارکه استخدام شده اید؟

از سال ۸۴ استخدام فولاد مبارکه شدم و نزدیک به ۱۸ سال است که در بخش کوره های قوس ناحیه فولادسازی به عنوان تکنسین کوره های قوس الکتریکی مشغول به فعالیت هستم.

درباره تجربه شارژک در کوره های قوس الکتریکی صحبت کنید.

معتقدم مهمترین هدف در ناحیه فولادسازی کاهش مصرف و زمان است که به نوعی با تلاش همکاران به ثمر رسیده است. انرژی مصرفی در کوره های قوس از برق تامین می شود و انرژی شیمیایی کمک می کند تا مصرف انرژی الکتریکی کاهش یابد. تجربه ما این بود در ماه های خرداد تا شهریورماه که پیک برق در ناحیه فولادسازی وجود دارد، کوره های قوس به خاطر برقی که در دسترس نیست متوقف می شوند و این کوره ها بعد از توقف با دمای حدود ۱۶۰۰ درجه تخلیه می شوند و بعد از برگشت ذوب حدود ۳۰ تا ۴۰ تن پاتیل ذوب کف کوره است. بنابراین در زمان پیک برق دمای کف ذوب افت می کند و به نوعی هدررفت انرژی وجود دارد. شارژک به صورت آزمایشی در بخش ما اجرا شد و به کارشناسان اعلام کردیم که این فعالیت در تمام کوره ها در زمان پیک برق انجام شود. بر اساس تجربه بعد از تخلیه کوره بسته به شرایط کربن و آهن اسفنجی که وارد سایت می شود یک یا دو ساعت بعد از تخلیه ذوب ۱ یا ۲ تن کک را شارژ می کنیم.

مهمترین هدف در ناحیه فولادسازی کاهش مصرف و زمان است

مزایای شارژک در این سیستم چیست؟

از مهمترین مزایای شارژک این است که پتانسیل اکسیدی سرباره را کم کرده، باعث احیای سرباره شده و آن را از حالت اکسیده خارج می کند، موجب کاهش خردگی نسوز شده و از هدررفت دما جلوگیری کرده و کاهش انرژی را به دنبال دارد.



خوشبختانه پاتیل بر خالی بود

حادثه‌ای که به خیر گذشت

هم خانواده



تجربه برتر

عنوان تجربه

استفاده از پمپ‌های دنده ساخت شرکت TUROLLA نصب بر روی پاتیل برها (از رده خارج شدن این نوع پمپ‌ها)

ثبت تجربه

حمیدرضا راسخ

کمیته تحول

حمل و نقل پشتیبانی

شرح تجربه

با توجه به اعلام کارشناس خرید مبنی بر از رده خارج شدن این نوع پمپ‌ها و پیشنهاد کارشناس بومی سازی جهت بررسی محصولات شرکت آرافن نایین و انتخاب پمپ مناسب جهت جایگزین این نوع پمپ‌ها، نسبت به بررسی و انتخاب نوع آن اقدام گردید و نمونه اولیه جهت آزمایش سفارش شد اما...

بعد از خرابی پمپ پاتیل بر (ماشین‌های حمل سرباره)، قرار شد به دلیل موانع موجود در مسیر خرید پمپ اصلی ساخت شرکت ترولا، یک نمونه پمپ انتخاب و جایگزین پمپ اصلی شود. کاری که انجام شد اما نتیجه خوبی به همراه نداشت و منجر به حادثه شد! پاتیل بر که البته خالی از سرباره بود ترمز نگرفت و به پمپ گازوییل برخورد کرد و صدمه جانی و مالی به دنبال نداشت. این اتفاق، تجربه‌ای را به همراه داشت که حمیدرضا راسخ تکنسین قطعات یدکی در دفتر فنی حمل و نقل در گپ و گفت با ماهنامه هم خانواده آن را روایت کرده است.

تجربه صنعتی

هدف ما استفاده از تولید داخل بود که متأسفانه محقق نشد، چون نتوانستیم از ظرفیت داخل استفاده کنیم، اما این موضوع مشخص شد که برای انتخاب قطعات باید بررسی دقیق تر انجام داد و قطعاتی که نیاز است حتما نمونه اصلی باشد و عیب و نقص آن ممکن است حادثه جانی به دنبال داشته باشد را جایگزین نکنیم.



کدام قطعه نسبت به دبی و فشار و... به کار ما می‌آید تا جایگزین قطعات ساخت ترولا کنیم. ما این کار را انجام دادیم و رسیدیم به نقطه‌ای که آن قطعه را از شرکت ناپینی انتخاب کردیم. این قطعه مربوط به ترمز پاتیل برآست و پاتیل بر ۱۱۰ تا ۱۲۰ تن سرباره را حمل می‌کند و حساسیتش بالاست. به هر ترتیب ما از این شرکت یک نمونه پمپ انتخاب و آن را جایگزین پمپ اصلی شرکت ترولا کردیم.

نتیجه چه شد؟

متأسفانه به نقطه‌ای رسیدیم که منجر به حادثه شد. پاتیل بر ترمز نگرفت اما خوشبختانه پاتیل خالی بود به پمپ گازوییل برخورد کرد و صدمه جانی و مالی به دنبال نداشت. این موضوع برای ما تجربه شد که هر قطعه حساسی را نمی‌توان جایگزین کرد. ما به دنبال قطعه اصلی از مسیر ترکیه و دیگر کشورها بودیم و سرانجام آن را پیدا و جایگزین کردیم. خوشبختانه الان ۵، ۶ ماه است که از این قطعه استفاده می‌کنیم و مشکلی ندارد.

هدف شما در این زمینه به صورت کامل محقق شد؟

هدف ما استفاده از تولید داخل بود که متأسفانه محقق نشد، چون نتوانستیم از ظرفیت داخل استفاده کنیم، اما این موضوع مشخص شد که برای انتخاب قطعات باید بررسی دقیق تر انجام داد و قطعاتی که نیاز است حتما نمونه اصلی باشد و عیب و نقص آن ممکن است حادثه جانی به دنبال داشته باشد را جایگزین نکنیم.

متوجه شدیم که هر قطعه حساسی را نمی‌توان جایگزین کرد

از دوران فعالیت خودتان در فولاد مبارکه بگویید.

سال ۱۳۸۶ به استخدام فولاد مبارکه درآمدم. ابتدا در بخش فولادسازی فعالیت می‌کردم، حدود ۳ الی ۴ سال، سپس به بخش حمل و نقل رفتم. ۳ تا ۴ سال هم در واحد سرباره بودم و اکنون ۶ الی ۷ سالی است که در دفتر فنی حمل و نقل به عنوان تکنسین قطعات یدکی مشغول به کار هستم.

در مورد تجربه «پمپ پاتیل برها» که به عنوان تجربه برتر شناخته شده، صحبت کنید.

ما با قطعات یدکی ماشین‌های حمل سرباره سر و کار داریم، به این ماشین‌ها پاتیل بر می‌گویند. قطعات پاتیل بر به صورت اختصاصی تولید شرکتی آلمانی است، در واقع ماشین‌های مورد نظر توسط این شرکت تولید می‌شوند، به این صورت که قطعات را شرکت آلمانی می‌سازد و سپس شرکت کایرو آمریکا آن‌ها را مونتاژ می‌کند. مشکل اساسی ما در قطعات پاتیل بر ایجاد شده بود. به بخش مورد نظر این قطعات، پمپ دنده‌ای می‌گویند که واحد اندازه گیری آن متر مکعب است، پمپ‌ها ۳۳۰ متر مکعبی و ۲۲۰ متر مکعبی و مخصوص ترمز هستند و این پمپ‌ها را شرکت ترولا ساخته است. با همکاری واحد بومی‌سازی پیشنهادی به ما دادند مبنی بر اینکه چون خرید قطعه ثبت سفارش نمی‌شود و با تحریم‌ها نیز روبرو هستیم، به راحتی نمی‌توان قطعات مورد نظر را تأمین کرد و باید از شرکت‌های داخلی آن را تهیه کرد. نمونه آن را شرکت آرفن ناپین داشت که در تولید پمپ‌های دنده‌ای فعالیت می‌کند. قرار بر این شد که نمونه سازی کنیم و ببینیم



گفتگو با محمدرضا یعقوبی نیا نفر برتر ایمنی در فولاد مبارکه

ایمنی رنگی

محمدرضا یعقوبی نیا، مسئول شیفت خطوط اصلاح ورق ۳ و ۴ فولاد مبارکه است. می‌گوید آموزش مسائل ایمنی همیشه از جمله دغدغه‌هایش بوده و برای همین دو جلد کتاب ایمنی نوشته است؛ کتاب‌هایی متفاوت از جنس روانشناسی رنگ و شخصیت خوانی در ایمنی. در ماهنامه هم خانواده پای صحبت‌های محمدرضا نشستیم و او از دنیای رنگی ایمنی‌اش برای ما گفت. این گفتگو را در ادامه می‌خوانید.

صحبت کنید.

با توجه به اینکه ایمنی در کار ما اهمیت زیادی دارد و همه کارکنان در بخش‌های مختلف کارخانه ممکن است در شرایط خطر قرار بگیرند، آموزش مسائل ایمنی همیشه از جمله دغدغه‌های من بود؛ بنابراین در چند سال اخیر کتاب آموزش ایمنی را در دو جلد نوشتم که با عناوین «کتاب راهنمای آموزشی خط اصلاح ورق ۳» و «کتاب راهنمای آموزشی خط اصلاح ورق ۴»

آموزش مسائل ایمنی همیشه از جمله دغدغه‌های من بوده است

از خودتان بگویید. چه سالی در فولاد مبارکه مشغول به فعالیت شدید؟

شروع کارم در مجتمع فولاد مبارکه از سال ۱۳۸۶ بود و در حال حاضر ۱۶ سال سابقه کار در این شرکت را دارم. سال ۱۳۹۳ به واحد خطوط نهایه نورد سرد منتقل شدم و تا به امروز در این بخش فعالیت می‌کنم.

در مورد اقدامات ایمنی که در بخش خطوط نهایه نورد سرد انجام دادید



کتاب آموزش ایمنی که در دو جلد نوشته شده است با استفاده از کتاب روان‌شناسی کاربردی رنگ‌های پنتون و کتاب شخصیت خوانی که الگوهای شخصیتی انسان‌ها را معرفی می‌کند، به تشریح مسائل مهم ایمنی کار می‌پردازد

آموزش‌های ایمنی، شرایط محیطی و شرایط روحی جسمی فرد نقش مهمی در هنگام وقوع خطر داشته و در واقع کمبود آن منجر به حادثه می‌شود

مسیرهای رنگی

مسیرهای محیط کار را به رنگ سبز و لبه پله‌ها را به رنگ قرمز درآوردیم و برای کاهش خطر در ابزاری مانند «کناره بُرها»، تجهیزاتمانند «جمع‌کن» ساختیم.

آموزش ایمنی

الگوهای تصویری بهتر از الگوی تئوری می‌تواند در آموزش مسائل ایمنی کمک‌کننده باشد بنابراین باید نوع آموزش‌ها تغییر کند

سرمایه‌های مهم

کارکنان و تجهیزات هر دو جزو سرمایه‌های ما هستند بنابراین باید ایمنی را در هر دو مورد به کار گرفت

از سال ۱۳۹۹ طرح را آغاز کردیم اما در سال ۱۴۰۱ به طور کامل اجرایی شد و تهیه کتاب نیز در همین بازه زمانی انجام شد. در طرح ما برای هر سه بخش بهبود آموزش‌های ایمنی، شرایط محیطی و شرایط روحی جسمی فرد اقداماتی صورت گرفت که همه آنها برای نخستین بار بود که در کشور انجام می‌شد. به عنوان نمونه، در طراحی صنعتی یا همان معماری صنعتی برای شرایط محیطی که به شش دسته از جمله خود محیط، ابزارها، ایمن‌سازی محیط، اتاق‌های کار، استانداردها و شرایط اضطراری تقسیم‌بندی می‌شود، بهبودهایی ایجاد کردیم؛ مثلاً مسیرهای محیط کار را به رنگ سبز و لبه پله‌ها را به رنگ قرمز درآوردیم و نام گذاری کمد‌های ابزار را اجرایی کردیم. برای کاهش خطر در ابزاری مانند «کناره بُرها»، تجهیزاتی مانند «جمع‌کن» ساختیم. برای کسی که به جرتقیل فرمان می‌دهد جایگاه ایمنی قرار دادیم. نقاط کور را با تابلوهای هشدار دهنده مشخص کردیم و اقدامات مفصل دیگری در راستای بهبود ایمنی انجام دادیم. تمام این کارها نیز بر اساس استانداردهای جهانی انجام شده است.

ایمنی از نظر شما چه تعریفی دارد؟

بهترین تعریف ایمنی «میزان دور بودن از خطر است» و معتقدم چه کارکنان چه تجهیزات، هر دو جزو سرمایه‌های ما هستند بنابراین باید ایمنی را در هر دو مورد به کار گرفت.

اگر بخواهید یک توصیه ایمنی به همکارانتان داشته باشید در محیط کار چه می‌گویید به آنها؟

توصیه من به همکارانم همیشه این بوده است که مطالعه و دانش خود را افزایش دهند تا بتوانند عملکرد بهتری نیز داشته باشند. گاهی به آنها می‌گویم: «ای‌کاش کتاب قانون کار را می‌خواندید تا از عواقب بی‌توجهی به ایمنی و تبعات آن باخبر می‌شدید...»

شما برای بهتر شدن آموزش‌های ایمنی در فولاد مبارکه چه پیشنهادی دارید؟

معمولاً یادگرفتن مباحث ایمنی توسط افراد مختلف جذابیت زیادی ندارد چرا که آموزش‌های آن معمولاً خشک و یکنواخت است اما الگوهای تصویری بهتر از الگوی تئوری می‌تواند در آموزش این مسائل کمک‌کننده باشد بنابراین باید نوع آموزش‌ها تغییر کند. فولاد مبارکه نیز در این زمینه با دوره‌های ایمنی عمومی و تخصصی برای کارکنان موفق‌تر خواهد بود. به شرط اینکه مدرسان در این زمینه از ابزارهای نوآورانه و تغییر الگوهای قدیمی آموزش استفاده کنند.

بهترین تعریف ایمنی «میزان دور بودن از خطر است».

توسط واحد روابط عمومی فولاد مبارکه به چاپ رسید.

درباره کتاب‌های آموزش ایمنی که نوشته‌اید بیشتر توضیح بدهید.

در این کتاب‌ها با استفاده از کتاب روان‌شناسی کاربردی رنگ‌های پنتون و کتاب شخصیت خوانی که الگوهای شخصیتی انسان‌ها را معرفی می‌کند، به تشریح مسائل مهم ایمنی کار پرداخته‌ام؛ از جمله اینکه استفاده از الگوهای شخصیتی به یک شیفت فورمن یا مسئول شیفت کمک می‌کند تا هنگام تصمیمات سه‌دقیقه‌ای در مواجهه با خطر بر اساس مؤلفه‌های شخصیتی، مسئولیت را به فردی واگذار کند که بتواند این موقعیت را به بهترین شکل ممکن مدیریت کند. همچنین در مشخص کردن نشانه‌های خطر یا تجهیزات ایمنی از کتاب روانشناسی پنتون استفاده شده است تا بر اساس تأثیر رنگ بر ذهن افراد، رنگ‌آمیزی‌ها به صورت تخصصی و کاربردی انجام شود. در این طرح به سه مبحث آموزش‌های ایمنی، شرایط محیطی و شرایط روحی جسمی فرد پرداخته شده است که هر کدام نقش مهمی در هنگام وقوع خطر بر عهده داشته و در واقع کمبود آن منجر به حادثه می‌شود؛ بنابراین در سه سال گذشته تلاش کردیم برای بهبود این سه بخش کار و مطالعه داشته باشیم که خروجی آن در قالب کتاب‌های گفته شده، ارائه شده است.

آیا اقدامات شما در حوزه ایمنی نمونه‌ی مشابه در داخل کشور دارد؟

این شیوه برای نخستین بار در کشور استفاده شده و تصویرسازی‌ها باعث می‌شود تجسم سازی و در ادامه یادگیری پایدار صورت گیرد.

به نظرتان کتاب‌هایی که نوشتید تا چه اندازه در حوزه آموزش ایمنی تأثیرگذار بوده است؟

کتاب را کاملاً تنها و با استفاده از کتب روان‌شناسی شخصیتی و مقالات معتبر در مورد ایمنی نوشتیم. دو کتاب راهنمای جامع آموزش کاری و ایمنی خطوط اصلاح ۳ و ۴ بر اساس دستورالعمل‌های ایمنی نوشته شده است که از دل آن یک مقاله تهیه کردیم که در کنفرانس بین‌المللی در گرجستان چاپ و ارائه شد. در تهیه این مقاله که اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ چاپ شد، به جز بنده، آقایان محسن زارع، مدیریت محصولات پوشش‌دار ناحیه نورد ۳، شعبان قاسمی، کارشناس ایمنی ناحیه نورد ۳ و رامین خاکسار، رئیس واحد خطوط نهایی فعالیت داشتند.

طرح شما از چه زمانی آغاز شد و چه خروجی داشت؟

هم خانواده

مجله خانواده بزرگ

فولاد مبارکه

آه

ماهنامه هم خانواده در فصل آموزشگاه
سعی بر ارائه محتوای آموزشی ویژه خانواده
بزرگ فولاد مبارکه دارد.

آموزشگاه

وزشگاه

فرزندان موفق کارکنان فولاد مبارکه در آزمون کنکور سراسری در گفتگو با ماهنامه هم خانواده از موفقیت هایشان گفته اند.



روایت دوم



محمد هستم دانشجوی رشته مهندسی کامپیوتر

محمد محمودیه فرزند مهدی محمودیه شاغل در واحد ایمنی شرکت فولاد مبارکه با کسب رتبه ۲۳ کنکور سراسری ۱۴۰۲ در رشته کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف تحصیل می کند.



روایت اول



صباهستم دانشجوی رشته آهنگ سازی

صبا فتاحی فرزند جهانگیر فتاحی شاغل در واحد گالوانیزه شرکت فولاد مبارکه با کسب رتبه ۱۳ در کنکور سراسری ۱۴۰۲ هم اکنون در رشته آهنگ سازی دانشگاه هنر تهران مشغول به تحصیل است.

برای موفقیت به اهدافم پایبند بودم

درصد زیادی از موفقیتیم را مدیون خانواده ام هستم باید به اهداف خودمان به طور کامل پایبند باشیم، این موضوع کمک می کند تا برنامه های خودمان را در بازه های مشخص انجام دهیم. بی شک درصد بسیار زیادی از موفقیتیم در کنکور را مدیون حمایت خانواده ام هستم. خانواده ام با ایجاد محیط مناسب و آرام برای درس خواندنم، بهترین کمک را به من کردند. از طرفی در بازه هایی از سال مانند تعطیلات عید نوروز که کنکوری ها معمولاً خسته و نا امید می شوند هرگز دست از تلاش نکشیدم و برنامه خودم را ادامه می دادم و به اهداف پایبند بودم. همین موضوع نیز کمک کرد تا از بسیاری از دوستان خودم جلو بیفتم. اتفاقاً بازه های زمانی مانند عید برای من فرصتی بود تا کمبودها و نواقصم را جبران کنم.

برنامه های مهم زندگی را به تاخیر نیندازیم توصیه ام به بچه هایی که می خواهند در کنکور سال های بعد شرکت کنند این است که برنامه های خودشان را به بعد موکول نکنند. در واقع برنامه های شان را به دید وظیفه ببینند، وقتی کارهایمان را به دید وظیفه ببینیم باعث می شه تا به طور خودکار نتیجه مطلوب نیز رقم بخورد. در واقع باید از هدف خودمان کوتاه نیاییم و ایمان داشته باشیم که حتماً نتیجه مطلوب رقم خواهد خورد. فکر می کنم بعد از سال فارغ التحصیلی به دنبال هوش مصنوعی بروم و خیلی علاقه دارم تا این مسیر را ادامه دهم.

یقین داشتم رتبه ام زیر ۵۰ می شود

خانواده ام نقش به سزایی در کسب این نتیجه داشت در درجه اول این را بگویم که خانواده ام نقش به سزایی در کسب این نتیجه در کنکور سراسری داشتند. در واقع حمایت های خانواده مخصوصاً حمایت های عاطفی که در دوران کنکور، خانواده از فرد کنکوری می کند بسیار در ادامه راه و نتیجه کنکور تاثیر گذار است. برای مثال تغییرات و اخبار متناقضی که هر روز از کنکور منتشر می شد باعث ایجاد مشکلات روحی برای من و هم دوره های من شده بود و این خانواده ام بود که با حمایت لازم مشکلات را خنثی کرد.

برای موفقیت در کنکور پشتکار زیادی داشتم و تلاش فراوانی کردم و همین مسئله دومین عامل موثر در کسب رتبه خوب در کنکور بود. هیچ وقت به نتیجه کنکور فکر نکردم و به نظرم داوطلبان کنکور نباید از همان ابتدا خودشان را درگیر نتیجه نهایی کنند بلکه باید تلاش کنند تا بهترین نتیجه برایشان رقم بخورد. فکر کردن به نتیجه نهایی تنها باعث می شود انرژی زیادی را صرف کنید و ممکن است زمان طلایی روز دست بدهید.

۵ سالی می شود که ساز تار می نوازم به واسطه نتایج آزمون ها و تلاش هایم، یقین داشتم که رتبه ام زیر ۵۰ خواهد بود و در نهایت نیز توانستم با دو سال تلاش مداوم در دانشگاه و رشته مورد علاقه ام قبول شوم. رشته من آهنگ سازی است و ۵ سالی می شود که ساز تار می نوازم. بنابراین فکر می کنم ادامه مسیر شغلی من نیز در همین مسیر باشد.

خانواده ام در این موفقیت نقش مهمی داشت

امین خلیلی فرزند داود خلیلی شاغل در تعمیرگاه مرکزی شرکت فولاد مبارکه در کنکور سراسری ۱۴۰۲ موفق به کسب رتبه ۲۲۲ و قبولی در رشته دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز شده است.



روایت پنجم



امین هستم دانشجوی رشته دندان پزشکی



روایت چهارم

محمد شهاب هستم
دانشجوی رشته مهندسی
کامپیوتر

محمد شهاب شرافت فرزند ابوالحسن شرافت شاغل در واحد متالورژی و روش‌های تولید شرکت فولاد مبارکه، توانسته با کسب رتبه ۷۸ کنکور گروه ریاضی سال ۱۴۰۲ در رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه تهران قبول شود.

علاقمند به فعالیت در حوزه هوش مصنوعی هستم

🕒 دو سال تلاش مستمر برای موفقیت در کنکور

از مقطع یازدهم که درس خواندن برای کنکور را شروع کردم میانگین روزی ۳ تا ۴ ساعت درس می‌خواندم که این ساعات در سال آخر به حدود ۸ ساعت رسید و کسب رتبه دورقمی در کنکور نتیجه دو سال تلاش مستمر من بود.

🎯 اصل کنکور، تست زنی است

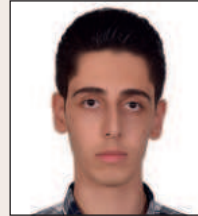
برای اینکه نتیجه دلخواهی در کنکور بدست آوریم لازم است تا برنامه مطالعه دقیق داشته باشیم و صرف هزینه زیاد ملاک قبولی در رشته‌های خوب دانشگاهی نیست. به نظرم اصل کنکور، تست زنی است و هرچه بیشتر و بهتر تست زده شود نتیجه نیز به همان میزان تغییر خواهد کرد. در واقع دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی تنها ۱۰ درصد در نتیجه کنکور تاثیر دارد.

👨👩👦 از خانواده ام تشکر می‌کنم

به نظرم خانواده تاثیر مهمی در زندگی یک فرد کنکوری دارد و اگر شرایط مناسبی برای فرد ایجاد شود قطعاً خروجی کار هم رضای‌کننده خواهد بود. از اعضای خانواده ام به ویژه مادرم متشکرم که همیشه حمایت زیادی از من داشتند و می‌گفتند: نتیجه مهم نیست، چیزی که مهم است فقط تلاش توست. این حرف‌های مثبت به من کمک کرد تا انتظاراتم را پایین بیاورم و در نهایت بتوانم با تمرکز بیشتری درس بخوانم.

🎯 می‌خواهم یک شرکت استارت‌آپی راه اندازی کنم

بعد از فارغ التحصیلی علاقه مند به راه اندازی یک شرکت استارت‌آپی و فعالیت در حوزه هوش مصنوعی هستم.



روایت سوم

متین هستم دانشجوی رشته
مهندسی کامپیوتر

متین باقری فرزند مجید باقری شاغل در واحد استراتژی و اهداف شرکت فولاد مبارکه با کسب رتبه ۳۹ کنکور سراسری در رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف تحصیل می‌کند.

قبولی در این رشته و دانشگاه برایم رؤیا نبود

🕒 مفاهیم درسی را باید اصولی یاد بگیریم

به نظرم نتیجه کنکور یک فرد به خاطر تلاشی هست که در دو سال آخر انجام می‌دهد اما خب این کافی نیست و نیاز است مهارت لازم برای مطالعه هر درس را از سال‌های قبل تر نهادینه کنیم. برای مثال کسی که به رشته پزشکی علاقه مند است باید مفاهیم درس زیست را از دوران راهنمایی دنبال کرده و آن‌ها را اصولی یاد گرفته باشد و به مرور به دانش خودش مفاهیم را اضافه کند.

🕒 بعضی روزها اصلاً درس نمی‌خواندم!

شروع کنکوری خواندن من از تیرماه سال قبل اتفاق افتاد و ساعات مطالعه هم برایم بسیار متفاوت بود. برای مثال بعضی روزها اصلاً درس نمی‌خواندم و بعضی روزها نیز نزدیک به هشت ساعت درس می‌خواندم. ساعات مطالعه کاملاً شخصی است و ممکن است یک نفر با ۵ ساعت درس خواندن خودش را به سطحی برساند که یک فرد با ۸ ساعت مطالعه میتواند به آن برسد. نظر شخصی من این است که اگر یادگیری ما کامل باشد و مطالب را به صورت پایه ای یاد گرفته باشیم، در سال‌های آخر تحصیلی تنها با به کارگیری یک برنامه ریزی مداوم و مشخص به هدف مطلوب خود می‌رسیم.

🕒 خانواده فاکتور اساسی موفقیت در سال‌های کنکور

از نهاد خانواده می‌شود به عنوان فاکتور اساسی موفقیت در سال‌های کنکور یک فرد اشاره کرد. چرا که اگر آرامش ذهنی در فضای خانه وجود داشته باشد، یک فرد کنکوری با تمرکز بیشتری مسیرش را می‌تواند دنبال کند. قبولی در این رشته و دانشگاه چیز غیر قابل دسترسی یا رویا برای من نبود.

خانواده ام در این موفقیت نقش مهمی داشت. به نظرم در دوران کنکور خانواده اصلی ترین قوای حمایتی برای فرد کنکوری است. این حمایت در درجه اول برقراری و ایجاد آرامش در فضای خانه است تا بتوان در کمال آرامش درس خواند چراکه آرامش در مسیر کنکور تاثیر بسزایی در موفقیت دارد. حمایت مالی خانواده نیز در درجه دوم برای شرکت در آزمون، خرید کتاب‌های آموزشی تاثیرگذار است.

🎯 توصیه به داوطلبان کنکور برای موفقیت

توصیه من به دانش آموزانی که امسال وارد مسیر کنکور می‌شوند این است که در انتخاب کتاب، منابع و آزمون دقت کنند و روش درس خواندن صحیح را برگزینند.

🎯 رتبه ام حاصل سه سال درس خواندن است

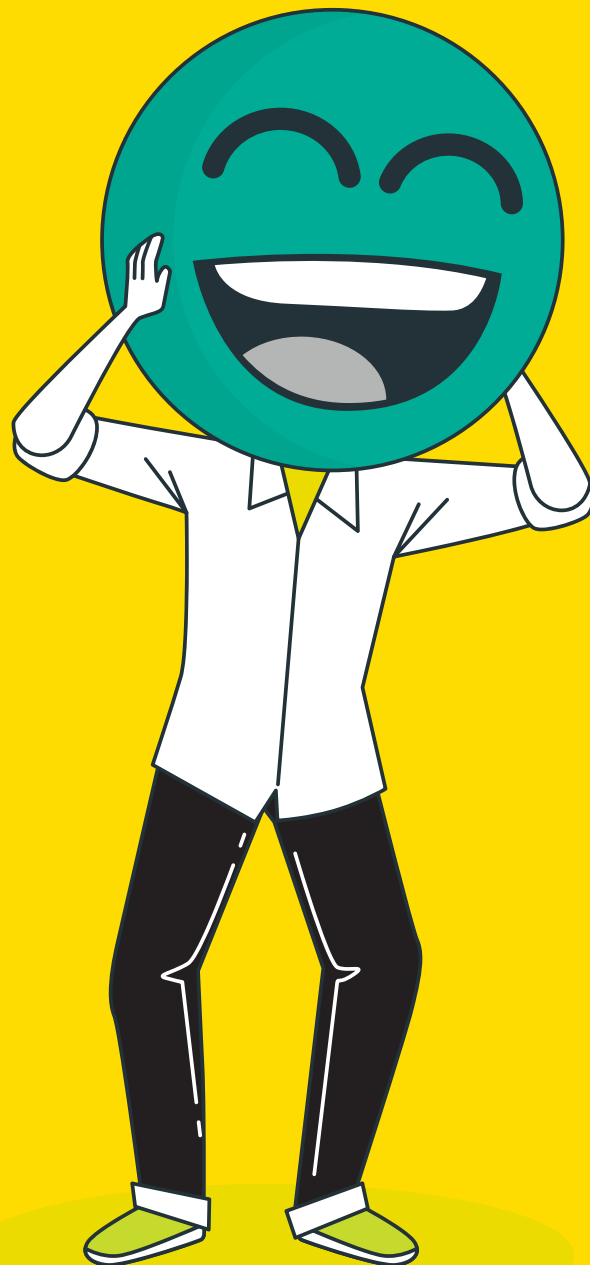
رتبه‌ای که در کنکور سراسری به دست آوردم حاصل سه سال درس خواندن منظم بود. برای قبولی با رتبه خوب در کنکور ساعات مطالعه روزانه من متغیر بود و برخی روزها شش ساعت و روزهایی نیز به ۱۲ ساعت می‌رسید. اصلاً به نتیجه‌ی آزمونم فکر نکردم و موقعی که سر جلسه کنکور نشستم، مطمئن بودم که یک رتبه دورقمی بدست می‌آورم. هرچند رتبه خوبی آوردم اما زمانی که نتایج کنکور آمد و دیدم که رتبه ام دورقمی نشده یک ماه کامل ناراحت بودم!

🎯 نقش خانواده در موفقیت کنکوری‌ها

خانواده خوشبخت فولادی

هم‌خانواده‌های عزیز سلام! حالتون چطوره؟

امیدوارم همگی خوب و سلامت باشین و در کنار خانواده‌تون زندگی شاد و آرامی رو سپری کنین. قراره در این بخش از مجله با هم‌گپ بزنیم. راجع به چی؟ راجع به یک مطلب خیلی مهم! چیزهای مهم و ارزشمند در زندگی زیاد هستند و خب بعضی از اونها خیلی مهم‌ترند. نگران نباشین، چون سعی می‌کنیم به زبان ساده و خودمونی باشه و البته تا حد امکان ملموس و قابل فهم. تازه قرار نیست فقط ما حرف بزنیم و خیلی مشتاقیم که از شما هم بشنویم چون معتقدیم واقعاً می‌تونین به ما کمک کنین. سراسرست بگم، اون مطلب خیلی مهم «خوشبختی» هست. اما ممکنه بپرسین چطور شد که از بین این همه موضوع، خوشبختی رو انتخاب کردیم.



دنیای ما آدم‌ها پر هست از این تخیل‌ها و آرزوهای ریز و درشت. با این همه، ممکنه شخصی یا حتی خودمون سؤال بکنیم که اینها همه رو برای چی می‌خواهیم؟ خونه، ماشین، لوازم ارتباطی، دوستان خوب، شریک زندگی، فرزند و حتی لوازم مصرفی یا تجملاتی به چه دردی می‌خورن؟ این البته سؤال خوب و عاقلانه‌ایه، چون باعث می‌شه فکر کنیم آیا واقعاً برای زندگی ما لازم یا مفید هستند یا نه؟

خوشبختی دقیقاً چیه؟



این یک پرسش مهم فلسفیه که ما آدم‌ها برای چه چیزی آفریده شدیم و راه درست زندگی چیه و در این مورد همیشه در طول تاریخ بین دانشمندان اختلاف نظر وجود داشته. اما خوشبختانه در سال‌های اخیر روان‌شناس‌ها تلاش کردند با استفاده از گنجینه آثار فلسفی و دینی بشر، مطالب ناب و ارزشمندی رو استخراج کنند و مفهومی علمی و ملموس از خوشبختی رو برای ما معرفی کنند. طوری که حتی خودمون بتونیم از طریق پاسخ به یک پرسشنامه تشخیص بدهیم چقدر آدم خوشبختی هستیم. البته باید توجه کنیم که باز هم نمی‌شه انتظار داشت که خوشبختی رو با یک فرمول دقیق بیان کنیم. خوشبختی به نظرم شبیه یک راه، یک راز باشکوه که باید در خود زندگی بهش دست پیدا کنیم و بفهمیمش.

یکی از مدل‌های جدید خوشبختی مدل PERMA است که به پنج عامل تاثیرگذار اشاره می‌کنه:

هیجان‌های مثبت Positive emotions

مشغولیت مثبت positive Engagement

روابط مثبت positive Relations

معنا Meaning

دستاوردها Achievements

هیجان‌های مثبت



زندگی روزمره ما پُر از هیجان‌های مختلفیه که دائم در حال تجربه کردنشون هستیم. هیجان‌ها رو به دو بخش منفی و مثبت تقسیم می‌کنند. از هیجان‌های منفی می‌تونیم به غم و غصه، اضطراب، استرس، ناامیدی، پوچی، تردید، نفرت، حسادت، ترس و وحشت اشاره کنیم. یعنی احساس‌هایی که دوست نداریم تجربه‌شون کنیم و تلاش می‌کنیم ازشون فاصله بگیریم. در مقابل، هیجان‌های مثبت مثل شادی، امید، آرامش، افتخار، عشق، شور و شمع هستند. یعنی احساس‌هایی که علاقه مندییم دائم برامون به وجود بیایند. متخصصان توصیه می‌کنند برای یک زندگی خوشبخت باید سعی کنیم تا حد امکان احساس‌های مثبت رو افزایش بدیم و احساس‌های منفی رو کم کنیم. البته باید یادمون باشه که احساس‌های منفی همیشه وجود دارند ولی باید مدیریتشون کرد. پس از این مطلب یاد می‌گیریم که برای احساس‌هایی مثل شادی، آرامش، امید، مهربانی و شور زندگی اهمیت قائل بشیم و حواسمون باشه که حتماً توی زندگی مون حضور داشته باشند. ضمناً تقویت احساس‌های مثبت و مطلوب باعث می‌شه از اثرات احساس‌های نامطلوب کم بشه.

چرا خوشبختی؟



همین الان یک لحظه با خودتون فکر کنید چه خواسته‌ها یا آرزوهای دارین. مهم نیست چقدر ممکنه بهشون دست پیدا کنید. فقط سعی کنید نسبت به اون‌ها آگاه بشین. حتی تصور کنید که اطرافیان و عزیزانتون چه خواسته‌های و آرزوهای در سر دارند. شاید بخواهین ماشین یا منزل بهتری داشته باشین، عازم فلان سفر بشین، تلفن همراه یا وسیله آشپزخانه خاصی رو بخرین، اگر خدای نکرده - درگیر مشکل یا بیماری خاصی هستین، دعا می‌کنین اون مساله برطرف بشه. اگر به دنیای ساده‌تر بچه‌ها وارد بشیم، اون‌ها ممکنه آرزو کنند فلان اسباب بازی، عروسک یا لباس رو داشته باشن یا حتی شب‌ها رو با این رؤیای شیرین سپری کنند که با خواهر یا برادرشون در یک تخت دو طبقه بخوابند.

به هر حال، دنیای ما آدم‌ها پر هست از این تخیل‌ها و آرزوهای ریز و درشت. با این همه، ممکنه شخصی یا حتی خودمون سؤال کنیم که اینها همه رو برای چی می‌خواهیم؟ خونه، ماشین، لوازم ارتباطی، دوستان خوب، شریک زندگی، فرزند و حتی لوازم مصرفی یا تجملاتی به چه دردی می‌خورن؟ این البته سؤال خوب و عاقلانه‌ایه، چون باعث می‌شه فکر کنیم آیا واقعاً برای زندگی ما لازم یا مفید هستند یا نه.

نکته مهم اینه که ما همه این چیزها رو، چه مفید و لازم باشند چه نباشند، در اصل برای خودشون نمی‌خواهیم، بلکه برای «خوشبختی» می‌خواهیم. مثلاً می‌تونیم از هم بپرسیم چرا امروز می‌خواهی فلان غذا رو درست کنی یا صاحب خونه بشی؟ اما اگر کسی بگه من می‌خوام آدم خوشبختی بشم، معنایی نداره که بپرسیم «واسه چی می‌خوای خوشبخت بشی؟» چون فعالیت‌های مختلف زندگی از جمله تغذیه، کار، روابط خانوادگی و تهیه لوازم زندگی، برای داشتن یک زندگی خوب و در واقع ایجاد حس خوشبختیه.

خب پس متوجه شدیم که همگی - چه بدونیم چه ندونیم - دنبال خوشبختی هستیم. اما مشکلاتی وجود داره. فیلسوفی قرن‌ها پیش به همین نکته اشاره کرده بود. اینکه ما همه در جستجوی خوشبختی هستیم در حالی که نه می‌دونیم خوشبختی چیه، و نه حتی اگر بدونیم چیه، راه دستیابی به اون رو می‌دونیم!

ما همه در جستجوی خوشبختی هستیم در حالی که نه می‌دونیم خوشبختی چیه، و نه حتی اگر بدونیم چیه، راه دستیابی به اون رو می‌دونیم!

معنا



تا حالا شده که در زندگی تون احساس پوچی بهتون دست بده یا در انجام بعضی کارها دچار دلزدگی بشین؟ اینجور جاها - چه آگاهی داشته باشیم چه نداشته باشیم- درگیر عامل معنا شده ایم. بعضی روانشناس ها، مثل ویکتور فرانکل اعتقاد دارند که مهم ترین نیاز ما آدم ها و عامل اصلی انگیزشی ما در زندگی مون «معنا» است. پس طبیعیه که زندگی همراه با معنا ما رو به خوشبختی واقعی نزدیک کنه. منظور از معنا یه فعالیت، هدف، سوده، نتیجه یا ارزش اون فعالیتته. بنابراین وقتی مشغول یه کار بخصوص هستیم، مثل خانه داری، فرزندپروری، تحصیل یا فعالیت های شغلی، برای تأمین معنا باید به این نکته توجه داشته باشیم که اون کار خاص چه ارزش و هدفی برای ما داره. البته نکته آخری اینه که برای احساس معنا داری باید اون هدف و ارزش برای هر کدوم از ما درونی شده باشه. یعنی واقعاً و تا حد امکان از صمیم قلب اون کار برای ما مهم باشه و یه هدف درونی و شخصی محسوب بشه (به همین دلیله که اگر شغل یا رشته تحصیلی مون رو دیگران و بدون لحاظ علایق مون برای ما انتخاب کرده باشن، دچار بی انگیزگی و بی معنایی می شیم).

یه روش کلی برای معنا داری امور ریز و درشت زندگی اینه که آگاه باشیم اونها چطور در جهت تحقق اهداف مهم تر و بلندمدت ما قرار می گیرند و در واقع به تحقق اونها کمک می کنند. در این صورت، ممکنه در کارهای تکراری هم انگیزه و توان بیشتری پیدا کنیم. شبیه کارمندی که می تونه به این فکر کنه که چطور با انجام وظایفش به خوشبختی خانواده اش و پیشرفت وطنش یاری می رسونه. مورد مهم دیگه در ارتباط با معنا اینه که علاوه بر اینکه فعالیت های مختلف زندگی مون باید تا حد امکان ارزشمند و معنا دار باشن، خود جریان زندگی هم باید برامون معنا داشته باشه. یعنی بدونیم برای چی به این دنیا اومدیم و هدف کلی از حیات چیه!

مشغولیت مثبت



گاهی اوقات به کارهایی مشغول می شیم که مورد علاقمون هستن و غرق در این فعالیت ها می شیم؛ جوری که انگار با کارمون یکی شدیم و حتی متوجه گذشت زمان نیستیم. در این جور کارها می تونیم استعداد های خودمون رو شکوفا کنیم، در لحظه حضور داشته باشیم و با اینکه حتی شاید امور دشوار باشن احساس لذت کنیم. به این شرایط به اصطلاح غوطه وری یا مشغولیت مثبت می گن. از نظر دانشمندان برای اینکه زندگی خوب و خوشبختی داشته باشیم باید سعی کنیم اونها رو برای خودمون ایجاد کنیم. شرایط غوطه وری ممکنه در طول ساعت های کاری، انجام کارهای خانه، معاشرت با دوستان یا فعالیت های هنری به وجود بیاین.

البته نباید این واقعیت رو فراموش کنیم که قرار نیست همیشه در طول ۲۴ ساعت در این وضعیت دلخواه قرار داشته باشیم. حتی اگه روزی یک ساعت هم تجربه اش کنیم خوبه، و اگر بیشتر هم بشه چه بهتر! تحقیقات نشون داده اگر بتونیم از بهترین قابلیت هامون استفاده کنیم، غوطه وری بیشتری برامون رخ خواهد داد.

از نظر دانشمندان برای اینکه زندگی خوب و خوشبختی داشته باشیم باید سعی کنیم اونها رو برای خودمون ایجاد کنیم.



دستاوردها



تا حالا توی زندگی تون چه دستاوردهایی داشتین؟ انتظار دارین در آینده دور یا نزدیک به چه چیزهای خوبی دست پیدا کنین؟ درسته نباید ارزش ذاتی آدم‌ها رو به دستاوردهاشون گره بزنین، اما خب زندگی هدفمند معمولاً با نتیجه‌های مثبتی همراهه و اتفاقاً دانشمندان علم خوشبختی هم تأکید می‌کنند که لازمه سعی کنیم دستاوردهایی داشته باشیم و علاوه براون، از دستاوردهایی که تا الان برامون حاصل شده آگاه باشیم. در این حالت از عمر هدفمندی که سپری می‌کنیم احساس افتخار به ما دست می‌دهد و خودمون رو آدم خوشبخت‌تری به حساب میاریم. محققان گفته‌اند دستیابی به اهدافی که جنبهٔ درونی داره (مثل رشد فردی و اخلاقی) نسبت به اهدافی که جنبهٔ بیرونی داره (مثل پول و شهرت) بر خوشبختی و رضایت خاطر ما از زندگی تأثیر مثبت بیشتری می‌گذاره.

لازمه به این مطلب توجه داشته باشیم که دستاوردها می‌تونند مادی یا معنوی (غیرمادی) باشنند. از دستاوردهای مادی میشه به درآمد خوب، خودروی فاخر، منزل مناسب، لوازم خانگی مفید و تلفن همراه جدید اشاره کرد. بعضی دستاوردهای معنوی هم که برای زندگی «خوشبخت» لازمند اینها هستنند: رشد اخلاقی، معنویت، دوستان خوب، نیکنامی و تربیت فرزندان خوب.

خُب امیدواریم این مطالب براتون خوشایند و مفید بوده باشه و در آینده بتونیم پرسشنامه‌ها و تمرین‌های عملی رو هم به اینها اضافه کنیم. فعلاً برای شروع کار پیشنهاد می‌کنیم به چند سؤال مهم در زمینهٔ خوشبختی جواب بدین:

۵۱ خودتون رو با توجه به احساس قلبی تون چقدر خوشبخت می‌دونین؟ (از ۰ تا ۱۰۰)

۵۲ از نظر دیگرانی که شما و زندگی تون رو از بیرون می‌بینند چقدر خوشبخت هستین؟ (از ۰ تا ۱۰۰)

۵۳ اگر اینها تفاوت دارنند، دلیلش چیه؟



نویسنده: آروین آدرگین

واحد تحقیقات نیروی انسانی - سازماندهی و طبقه بندی مشاغل - شرکت فولاد مبارکه

روابط مثبت



یکی از مهم‌ترین عواملی که در کیفیت زندگی و سلامت روانی ما آدم‌ها نقش داره، کیفیت روابط ما با دیگرانه؛ این مطلب این روزها کمابیش به عنوان یک واقعیت مسلم در روانشناسی محسوب میشه. روابط انسانی در زمینه‌های مختلفی وجود داره و تمام اونها اهمیت خودشون رو دارنند: روابط با دوستان، آشنايان، اعضای خانواده، همسر، همکاران، مسئولان و انسان‌های دیگری که ممکنه تنها برای یک‌بار در عمرمون با اونها مواجه بشیم. آدمی‌زاد یک موجود اجتماعیه و اگر از اهمیت روابط اجتماعی غافل بشه، خلاف طبیعتش عمل کرده و این کار تبعات ناخوشایندی داره.

بررسی‌ها حاکی از اینه که هر چقدر از سن ما می‌گذره، برای روابطمون ارزش بیشتری قائل می‌شیم. روابط اجتماعی بهتر در سنین بالا با اختلال‌های مغزی و شناختی (مثل بیماری آلزایمر) رابطهٔ معکوس داره و البته با سلامت جسمی رابطهٔ مستقیم. در ادبیات دینی خودمون هم شنیدیم که «(صَلَّةٌ رَّحِمٍ) باعث طول عمر میشه. علاوه بر این، پژوهش‌ها نشون داده که به اشتراک گذاشتن خبرهای خوب و جشن گرفتن موفقیت‌ها پیوند میان افراد رو بهبود می‌ده. بنابراین بهتره مراقب باشیم در ملاقات‌ها و دوره‌های ما بر موارد خوب و مثبت تمرکز داشته باشیم.



بررسی‌ها حاکی از اینه که هر چقدر از سن ما می‌گذره، برای روابطمون ارزش بیشتری قائل می‌شیم. روابط اجتماعی بهتر در سنین بالا با اختلال‌های مغزی و شناختی (مثل بیماری آلزایمر) رابطهٔ معکوس داره و البته با سلامت جسمی رابطهٔ مستقیم. در ادبیات دینی خودمون هم شنیدیم که «(صَلَّةٌ رَّحِمٍ) باعث طول عمر میشه

فولاد مبارکه خیلی وقته که آستین‌ها را بالا زده و توسعه مهارت‌های نرم میان کارکنانش را دنبال میکنه. برای این کار هم طرح آرامش را تعریف کرده و هر لحظه در حال توسعه دادن این طرح هست. حتماً می‌پرسید مهارت‌های نرم چیه و طرح آرامش چه ماموریتی داره. ما در ماهنامه هم خانواده به معرفی این طرح پرداختیم و به سوالات شما پاسخ دادیم.

طرحی برای رسیدن به مهارت‌های نرم

آموزش آرامش...

این یک موضوع بدیهی است که سازمان‌ها و شرکت‌ها به دوره‌های آموزشی تخصصی و حرفه‌ای، آن هم بصورت مداوم نیاز داشته باشند، می‌پرسید چرا؟ خوب معلومه؛ هر سازمانی برای اینکه به اهداف و شاخص‌های عملکردی خودش دست پیدا کنه و از طرفی بتونه توانمندی کارکنانش را برای انجام وظایف شغلی افزایش بده و سطح دانش و مهارت‌هاشون را با بروز شدن تکنولوژی‌ها بالا بیره؛ میدونه که برگزاری دوره‌های آموزشی یه اتفاق ویژه تو این راهه.

نگاهی امیدوارانه به آینده‌ای بهتر

تقویت و توسعه ابعاد طرح آرامش، کارکنان و شرکت را یاری می‌کنه تا ضمن ارتقای دانش، آگاهی و بصیرت خود، رشد نموده و با نگاهی امیدوارانه به آینده‌ای بهتر برای خود، خانواده‌شان و شرکت فولاد مبارکه، در مسیر دستیابی به موفقیت‌های بیشتر تلاش و مجاهدت کنند.



خبر خوب آموزشی

حالا که با طرح آرامش آشنا شدید، این خبر را هم به شما بدیم که قراره از شماره های بعدی ماهنامه هم خانواده توی ۵ تا محور طرح آرامش مقاله های آموزشی که واحد آموزش فولاد مبارکه تهیه کرده را برای شما منتشر کنیم.

چندتا مهارت نرم را بشناسیم

- مهارت مباحثه و گفتگو
- مهارت انعطاف پذیری
- مهارت تعاملات و کار تیمی
- مهارت مدیریت تعارض
- مهارت حل مساله و تصمیم گیری
- مهارت تفکر کل گرا و سیستمی
- مهارت مسئولیت پذیری
- مهارت نشاط و مهارت های ارتقای انگیزش
- مهارت ادراک و فرهنگ و تغییر باورها

وقتشه سازمان ها دست به کار شوند

حالا که نظام آموزش و پرورش کشور، شاغلین آینده را کمتر به این مهارت ها مجهز میکنه بهتره سازمان ها خودشون دست به کار شوند.

فولاد مبارکه خیلی وقته شروع کرده

این دقیقاً همون کاریه که فولاد مبارکه خیلی وقته داره انجام میده؛ یعنی این مهارت ها و آموزش ها را به کارکنان ارائه کرده و با سطحی از بلوغ، به توسعه مهارت های نرم برای کارکنان خودش پرداخته.

آرامش یعنی؛ آگاهی، رشد، امید، موفقیت، شوق

برای اثربخش تر و نظام مندتر شدن این آموزش ها و یادگیری ها، یک طرح آموزشی با عنوان (طرح آرامش) در واحد آموزش و توسعه سرمایه های انسانی شرکت فولاد مبارکه، تعریف و در حال توسعه هست.

چندتا سوال که باید بهش جواب بدیم

- آیا برای کسب موفقیت سازمان و کارکنان، صرفاً این آموزش های تخصصی، کفایت می کنه؟
- آیا آموزش هایی که در سطح (فردی) به کارکنان ارائه می شوند، نیاز سازمان ها به توسعه یادگیری جمعی، ایجاد ارزش افزوده و... را برآورده می کنه؟

جواب به این سوالات؛

یک نه بزرگه!

به جای یک مدیر موفق، یک تیم موفق بسازیم

- سازمان ها برای اینکه به سازمانی یادگیرنده و سرآمد تبدیل شوند به توسعه مهارت یادگیری در یک سطح دیگر نیازمندند: سطح گروه یا تیم.
- در سطح گروهی، باید افراد قادر باشند به عنوان یک هویت واحد فکر و رفتار کرده، خلق کنند و بیاموزند. برای کسب موفقیت، بجای ساختن یک مدیر موفق، لازمه یک تیم موفق ساخته شود.
- برای اینکه فرد خودش را عضوی از یک تیم یا گروه تلقی کنه و هویت و موفقیتش را در هویت و موفقیت هم تیمی ها و سازمانش ببینه، لازمه که به مهارت ها و نگرش هایی برسه که عموماً به «مهارت های نرم» معروفند.

((بوهم)) فیزیکدان و از پیشگامان نظریه کوانتوم گفته: «فکر، پدیده ای مشارکتی است» نتیجتاً افزایش توانایی افراد هم تا حد زیادی به مشارکت آنها در تفکر و یادگیری گروهی وابسته است.

ابعاد طرح آرامش

شوق

موفقیت

امید

رشد

آگاهی

هم خانواده

مجله خانواده بزرگ

فولاد مبارکه

شانه

ماهنامه هم خانواده در فصل (شانه بر موی سپید) به سراغ خانواده بازنشستگان شرکت فولاد مبارکه می رود و داستان های آن ها را روایت می کند.

شانه بر موی سپید

ر موی سپید

گفت و گو با حسن سروش فر بازنشسته کارآفرین فولاد مبارکه

ما بازنشستگان می‌توانیم بیابان دیگری را فولاد مبارکه کنیم

گفت و گو

فائزه عباس پور
خبرنگار

حسن سروش فر؛ بازنشسته فولاد مبارکه است و با تکیه بر توان و تجربه سال‌ها فعالیت در این شرکت، ۲۶ سال می‌شود شرکت قطعه سازی خود تحت عنوان راه جو صنعت را تاسیس کرده و به چرخه صنعت کشور کمک می‌کند. در شماره اول ماهنامه هم خانواده به سراغ آقای سروش فر رفتیم و با او به گپ و گفت نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

چطور شد که به فکر تاسیس شرکت راه جو صنعت افتادید؟

از گذشته، علاقه‌مند به تولید قطعات صنعتی بودم. برنامه‌ام این بود که پس از بازنشستگی در این حوزه کاری انجام دهم و دانسته‌ها و دیده‌هایم در سال‌های خدمت را عملیاتی کنم. بنابراین از سال ۱۳۷۴ که بازنشسته شدم کار تاسیس شرکت را شروع کردم و پس از دو سال وقفه، در خرداد ۱۳۷۶ شرکت راه جو صنعت تاسیس شد. از ابتدا که به دنبال تاسیس شرکت بودم مکان و ابزاری نداشتم. بنابراین کارگاه کوچکی را در شهرک صنعتی جی انتخاب کردم و با دو نفر که ماشین تراش و دریل داشتند کار را به صورت مشارکتی شروع کردم. با آغاز فعالیت مان در این شهرک صنعتی، کارشناس مجتمع از محل کار ما بازدید کرد و کد سازندگی دریافت کردیم. از آن زمان به بعد نیازها را استعلام می‌گیریم و قطعه سازی می‌کنیم. به این ترتیب ۲۶ سال است که در این شرکت، در عرصه ساخت قطعات و تجهیزات فلزی فعالیت می‌کنیم.

علاقه‌مندی به عرصه صنعت در بازگشت شما به کار پس از بازنشستگی چه تاثیری داشت؟

شرکت فولاد مبارکه یک بستر بزرگ صنعتی است که فعالان آن در دوران کار، مهارت زیادی کسب می‌کنند، من نیز علاقه‌مند بودم که از دانش و تجربه‌ای که طی سال‌ها کار در فولاد مبارکه به دست آورده بودم استفاده کنم. باید تلاش می‌کردم تا فرصتی فراهم کنم که این علاقه عملیاتی شود، در واقع به دنبال این بودم که با تولیدات صنعت به نوعی به اقتصاد و صنعت کشورم ادای دین کنم.

برای شروع، از دوران فعالیت‌تان در فولاد مبارکه بگویید.

فعالیت‌م را در شرکت فولاد مبارکه از انبار شروع کردم. انبار وسیع بود و انواع قطعات و تجهیزات را در اختیار داشتیم. پس از آن مدتی را در روابط عمومی سپری کردم و سپس به بخش نورد گرم منتقل شدم. در این قسمت از ابتدای کارهای انتخاب زمین، خاک برداری، آرماتوربندی، بتون ریزی، نصب تجهیزات تا بهره برداری انجام وظیفه کردم.



از گذشته، علاقه‌مند به تولید قطعات صنعتی بودم. برنامه‌ام این بود که پس از بازنشستگی در این حوزه کاری انجام دهم و دانسته‌ها و دیده‌هایم در سال‌های خدمت را عملیاتی کنم. بنابراین از سال ۱۳۷۴ که بازنشسته شدم کار تاسیس شرکت را شروع کردم و پس از دو سال وقفه، در خرداد ۱۳۷۶ شرکت راه جو صنعت تاسیس شد

شرکت فولاد مبارکه یک بستر بزرگ صنعتی است که فعالان آن در دوران کار، مهارت زیادی کسب می‌کنند

حدود ۲۰ نفر به صورت مستقیم در شرکت مشغول به کار هستند اما بیش از ۱۰ قسمت از فعالیت ما برون سپاری شده است

وقتی یک قطعه آهن را برش می‌دهیم، جوش می‌دهیم، سوراخ می‌کنیم، تراش می‌دهیم، نیروی حرکت به آن می‌دهیم، تابلوی برق را وصل می‌کنیم و شاهد به کار افتادن آن می‌شویم، لذت می‌بریم

به دنبال این بودم که با تولیدات صنعت به نوعی به اقتصاد و صنعت کشورم ادای دین کنم



زمانی که یک قطعه آهن را برش می‌دهیم، جوش می‌دهیم، سوراخ می‌کنیم، تراش می‌دهیم، نیروی حرکت به آن می‌دهیم، تابلوی برق را وصل می‌کنیم و شاهد به کار افتادن آن می‌شویم، لذت می‌بریم. همین صحنه‌ها که نشان دهنده موفقیت در انجام کار است در روحیه ما تاثیر زیادی دارد.

پیشنهاد شما برای نیروی کار که اکنون در فولاد مبارکه در حال فعالیت هستند چیست. چطور می‌توانند راه موفقیت را طی کنند؟

در فولاد مبارکه هر سال تعدادی از کارکنان بازنشسته می‌شوند. این نیروها با کوله‌باری از تجربه و مهارت دوران کاری خود در این شرکت را به پایان می‌رسانند. به نظر بنده با توانایی‌هایی که این افراد بازنشسته دارند می‌توان بیابان دیگری را فولاد مبارکه کرد. پیشنهاد می‌کنم که از طریق فضای مجازی این نیروهای زبده و کاربلد را گرد هم بیاورند. می‌توان پژوهشکده‌ای مجازی در زمینه‌های مختلف شکل داد و افراد در زمینه‌های مختلف مانند مکانیک، هیدرولیک، برق و الکترونیک و... عضو گیری شوند و از توان و تجربه این افراد در برطرف کردن چالش‌های صنعتی بهره برد. این کارکنان بازنشسته بسیار با ارزش، توانمند و دارای مهارت‌های خوبی هستند. در حال حاضر نیروهای جوان زیادی در حوزه صنعت مشغول به کار هستند و به این نیروهای جوان می‌توان در عرصه‌ای که دانش دارند تکیه و از ظرفیت‌های آن‌ها استفاده کرد. در واقع اگر نیروی جوانی با تجربه

چه میزان اشتغال زایی در کسب و کارتان داشته‌اید؟

حدود ۲۰ نفر به صورت مستقیم در شرکت مشغول به کار هستند اما بیش از ۱۰ قسمت از فعالیت ما برون سپاری شده است، کارهایی مانند ریخته‌گری، عملیات حرارتی، کروم کاری که در حیطه فعالیت ما نیست و به این ترتیب از خدمات بیرون استفاده می‌کنیم.

مهارت و تجربه دوران حضور در فولاد مبارکه چه تأثیری در موفقیت کسب و کار کنونی شما داشته است؟

فولاد مبارکه یک بستر بزرگ صنعتی و به بیان دیگر، یک دانشگاه بزرگ است که ده‌ها دانشکده در آن مشغول به فعالیت هستند. افراد می‌توانند در این ظرفیت عظیم صنعتی کار کرده و کسب دانش کنند. ما هم یکی از آن‌ها بودیم.

به نظر شما برای راه اندازی کسب و کار جدید تا چه اندازه سرمایه اهمیت دارد؟

راه اندازی هر کسب و کاری بدون سرمایه امکان پذیر نیست و نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت، اما سرمایه تنها کارساز نیست. در کنار سرمایه مادی، مهارت، پشتکار و دانش فنی باید همراه باشد تا اثربخش واقع شود.

شروع کار جدید در دوران بازنشستگی چقدر در روحیات شما تأثیر گذاشت؟

خدا زمانی که انسان را آفرید گفت: «فتبارک الله احسن الخالقین.» ما هم

فولاد مبارکه یک بستر بزرگ صنعتی و به بیان دیگر، یک دانشگاه بزرگ است



به فولاد مبارکه هستیم. مانند فولاد ارفع، فولاد غدیر، فولاد چهارمجال و بختیاری، هرمزگان، خراسان و.. که همگی نشأت گرفته از فعالیت فولاد مبارکه است. این شرکت در واقع جایگاه بزرگ و ویژه‌ای در صنعت کشور دارد.

🔗 با همدوره‌های خود در فولاد مبارکه که اکنون بازنشسته شده‌اند در ارتباط هستید؟ آن‌ها هم در حوزه صنعت از تجربه سال‌ها حضور در فولاد استفاده می‌کنند؟

بله، گاهی در ارتباط هستیم. آن‌ها هم بعضاً مشغول کارهایی هستند اما از توانایی و تجربه آن‌ها کمتر استفاده شده است. البته برخی از آن‌ها در فولادسازی‌های دیگر مثل چادرملو، اردستان، هرمزگان و.. فعالیت می‌کنند و تجربه خود را در حوزه فنی در اختیار صنعت کشور گذاشته‌اند.

🔗 در پایان صحبتی اگر باقی مانده است می‌شنویم.

پیشنهاد من این است که از تجربه و مهارت بازنشستگان استفاده کنند. همان طور که گفتم می‌توان از آن‌ها در حوزه‌های مختلف مانند مکانیک، هیدرولیک، برق و... بهره برد. خوب است دانشکده‌های مجازی شکل بگیرد و از تجربه این افراد در برطرف کردن چالش‌های حوزه صنعت استفاده شود. بنده نیز هیچ‌گاه خود را از مشاوره دور نمی‌دانم و در سال‌هایی که مشغول به کار قطعه سازی هستم اگر مشکل یا سئوالی داشته باشم از راهنمایی دوستان با تجربه‌ام استفاده می‌کنم.

اگر نیروی جوانی با تجربه سالمندی یکی شود، کوه را هم می‌توان جابجا کرد

سالمندی یکی شود، کوه را هم می‌توان جابجا کرد. نیروهای جوان سرمایه‌های کشور هستند و اگر به خوبی شناخته شوند می‌توان در حوزه علاقه‌مندی‌شان از آن‌ها بهره برد. این موضوع هم برای جوانان توانمند و هم برای صنعت کشور مفید خواهد بود.

🔗 یک خاطره جالب از دوران حضور در فولاد مبارکه برای ما بگویید.

زمانی ایتالیایی‌ها در شرکتی حضور داشتند که کار نصب تجهیزات را انجام می‌دادند. یک روز ایتالیایی‌ها قطعاتی را به اشتباه چپ و راست بسته بودند و کارکنان ایرانی متوجه این موضوع شدند. آن‌ها باورش‌شان نمی‌شد ایرانی‌ها متوجه اشتباه‌شان شده باشند. وقتی ایرانی‌ها موضوع را گفتند قبول نکردند و مقداری فکر کردند و سپس کارگاه را تعطیل کردند. بعد از اینکه رفتیم، از هفت شب تا صبح قطعاتی که اشتباه بسته بودند را باز کرده و از ابتدا نصب کردند. این نشان می‌دهد کارکنان ایرانی هم توانایی و مهارت خوبی دارند و در مسائل صنعت با تجربه و کاردان هستند.

🔗 فولاد مبارکه چقدر توانسته به رشد صنعت استان و کشور و ایجاد اشتغال کمک کند؟

فولاد مبارکه بستر صنعتی بزرگی است که ۳۱ سال پیش آخرین تکنولوژی روز در آن پیاده سازی شد. هم از نظر اقتصادی و هم صنایع جنبی بالا و پایین دستی اثرگذار بوده است. امروز شاهد فعالیت شرکت‌های وابسته بسیاری

۸,۵۰۰

بازنشستگان در فولاد مبارکه اصفهان



میزبان بازنشستگان فولاد مبارکه در کوچه شماره ۱۵

آمدگاه بازنشستگان

کانون بازنشستگان در واقع یک NGO و نهادی غیرانتفاعی است که از سوی وزارت کشور مجوز فعالیت دارد و هدف اصلی آن حمایت از بازنشستگان است. از جمله مشمولان این کانون، بازنشستگان فولاد مبارکه، ذوب‌آهن، فولاد اهواز، معادن کشور و... می‌باشند که طبق آخرین آمار ۸۵ هزار نفر هستند و صرفاً در فولاد مبارکه اصفهان ۸۵۰۰ نفر بازنشسته وجود دارد که حدود ۲۵۰۰ الی ۲۶۰۰ نفر آنان بازنشسته تأمین اجتماعی بوده و مابقی از خود صندوق هستند. هدف اصلی این نهاد حمایت همه جانبه از بازنشستگان و ایجاد تسهیلات و ارائه خدمات رفاهی، حقوقی، درمانی و... است. به منظور سهولت در دریافت خدمات کانون برای بازنشستگان فولاد مبارکه در استان اصفهان، یک شعبه اصلی در خیابان آمدگاه اصفهان و شش شعبه در شهرستان‌های زرین‌شهر، فولادشهر، مبارکه، بهارستان، شهرضا و بروجن احداث شده است.



هم خانواده

مجله خانواده بزرگ

فولاد مبارکه

خان

فصل خانواده فولادی در ماهنامه هم خانواده
به شرکت های زیرمجموعه فولاد مبارکه و
معرفی فعالیت های آنها اختصاص دارد.

خانواده فولادی

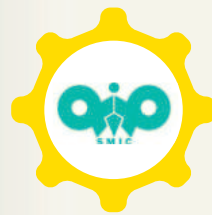
واده فولادی

شرکت ه فولاد مبارک



شرکت فولاد هرمزگان جنوب

شرکت فولاد هرمزگان در منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس واقع شده تا استان هرمزگان به قطب سوم فولاد کشور تبدیل گردد.



شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان خراسان

شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان با هدف تولید پایدار بخشی ازگندله مورد نیاز شرکت فولاد مبارک اصفهان، در نزدیکی معادن سنگ آهن سنگان تاسیس گردیده است.



شرکت فرهنگی ورزشی فولاد مبارک سپاهان

باشگاه فرهنگی ورزشی فولاد مبارک به عنوان یک باشگاه سازمان یافته در اصفهان در حال حاضر در رشته های مختلف ورزشی آقایان و بانوان فعالیت می کند.



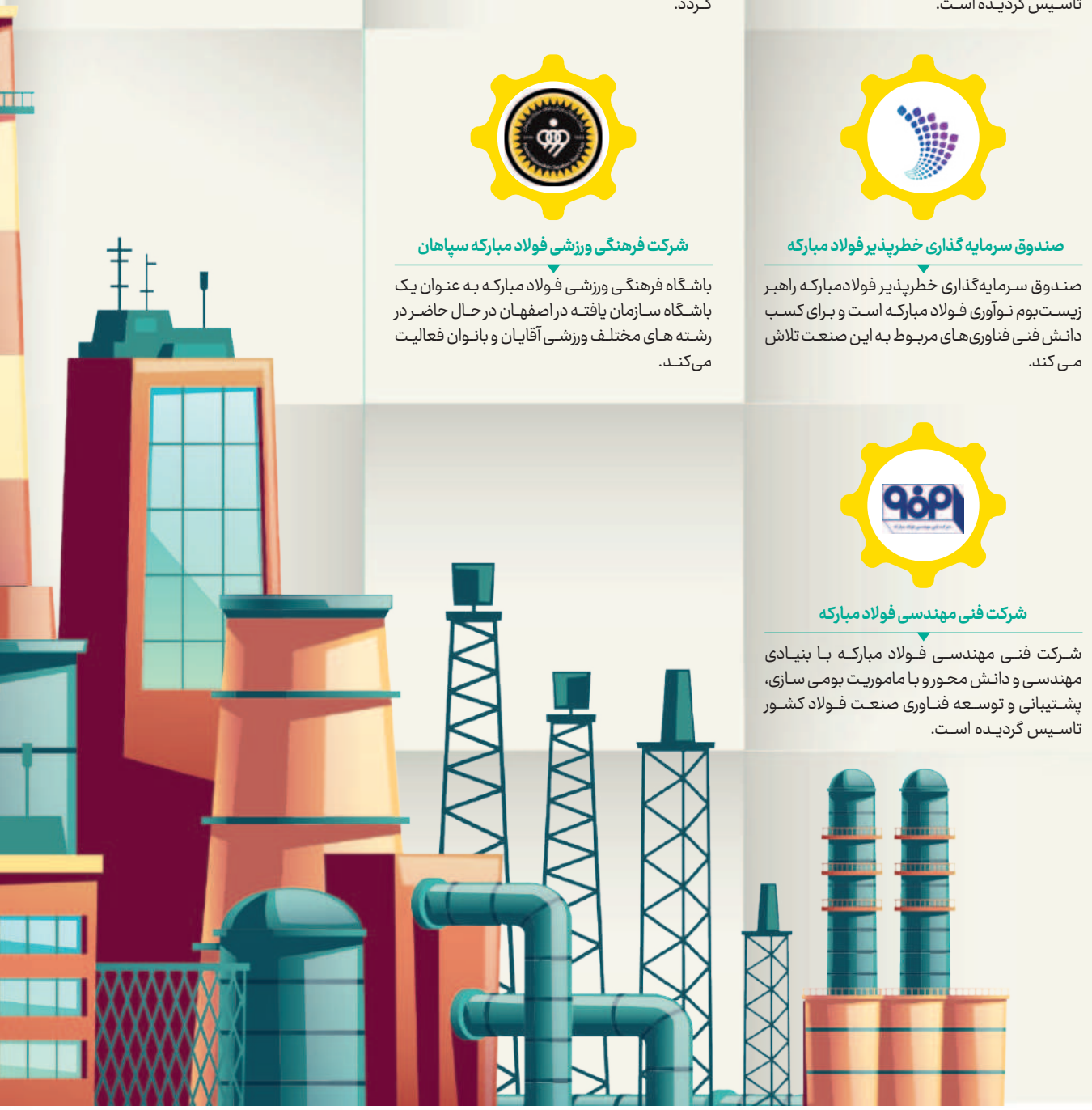
صندوق سرمایه گذاری خطرپذیر فولاد مبارک

صندوق سرمایه گذاری خطرپذیر فولاد مبارک راهبر زیست بوم نوآوری فولاد مبارک است و برای کسب دانش فنی فناوری های مربوط به این صنعت تلاش می کند.



شرکت فنی مهندسی فولاد مبارک

شرکت فنی مهندسی فولاد مبارک با بنیادی مهندسی و دانش محور و با مأموریت بومی سازی، پشتیبانی و توسعه فناوری صنعت فولاد کشور تاسیس گردیده است.





شرکت آتیه فولاد نقش جهان

شرکت آتیه فولاد نقش جهان یکی از هلدینگ های شرکت فولاد مبارکه علاوه بر تأمین، فروش و خدمات محصولات فولادی در سطح کشور، فعالیت خود را در بخش تولید نیز گسترش داده است.



شرکت بین المللی مهندسی سیستم ها و اتوماسیون - ایریسا

شرکت ایریسا با اهداف استراتژیک ملی و به منظور انتقال فناوری اتوماسیون صنعتی و سیستم های اطلاعاتی تشکیل گردیده است.



شرکت سرمایه گذاری توکا فولاد

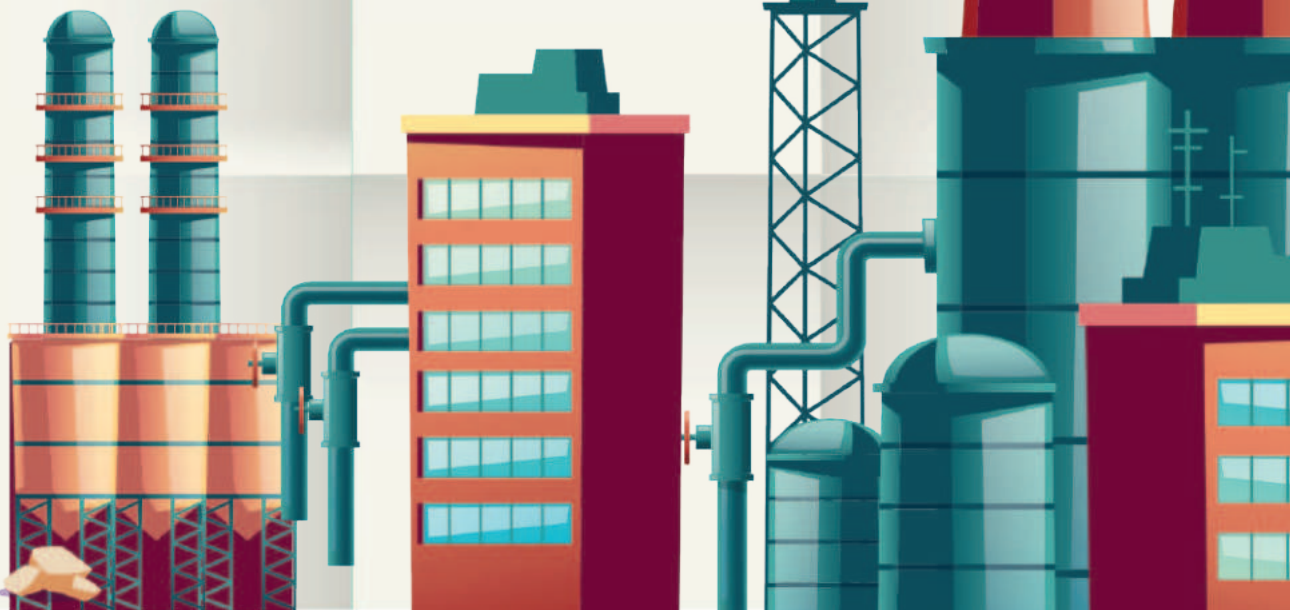
شرکت سرمایه گذاری توکا فولاد به منظور پشتیبانی و ساخت مجتمع فولاد مبارکه تأسیس گردید و در ادامه فعالیت هایش را در برنامه های توسعه، تأمین و تدارک مواد اولیه و تجهیزات و انجام پروژه های تخصصی این شرکت، گسترش داد.



شرکت فولاد متیل

پس از بهره برداری از مجتمع فولاد مبارکه، تأسیس مراکز خدماتی در دستور کار این شرکت قرار گرفت و این مهم، در قالب یک شرکت مادر، به نام شرکت فولاد متیل جامه عمل پوشید. این شرکت زیرمجموعه شرکت آتیه فولاد نقش جهان است.

سای زیرگروه سه در یک نگاه



شرکت های فولاد مبارک



شرکت فولاد تاراز

شرکت فولاد تاراز در استان چهارمحال و بختیاری تنها تولیدکننده ورق های گالوانیزه با پوشش رنگی بنام «گالتاراز» است که محصول زیبا و نوآورانه از توانمندی های منحصر به فرد این شرکت می باشد.



شرکت معدنی و صنعتی فولاد سنگ مبارکه اصفهان

ماموریت شرکت فولاد سنگ خرید، تملک، اکتشاف، استخراج و فراوری، بهره برداری از معادن سنگ آهک، دولومیت و سایر مواد معدنی مورد نیاز صنعت فولاد است.



شرکت ورق خودرو چهارمحال و بختیاری

کارخانه تولید ورق گالوانیزه، ویژه استفاده در صنعت ساخت بدنه خودرو در منطقه سفید دشت احداث شده است.



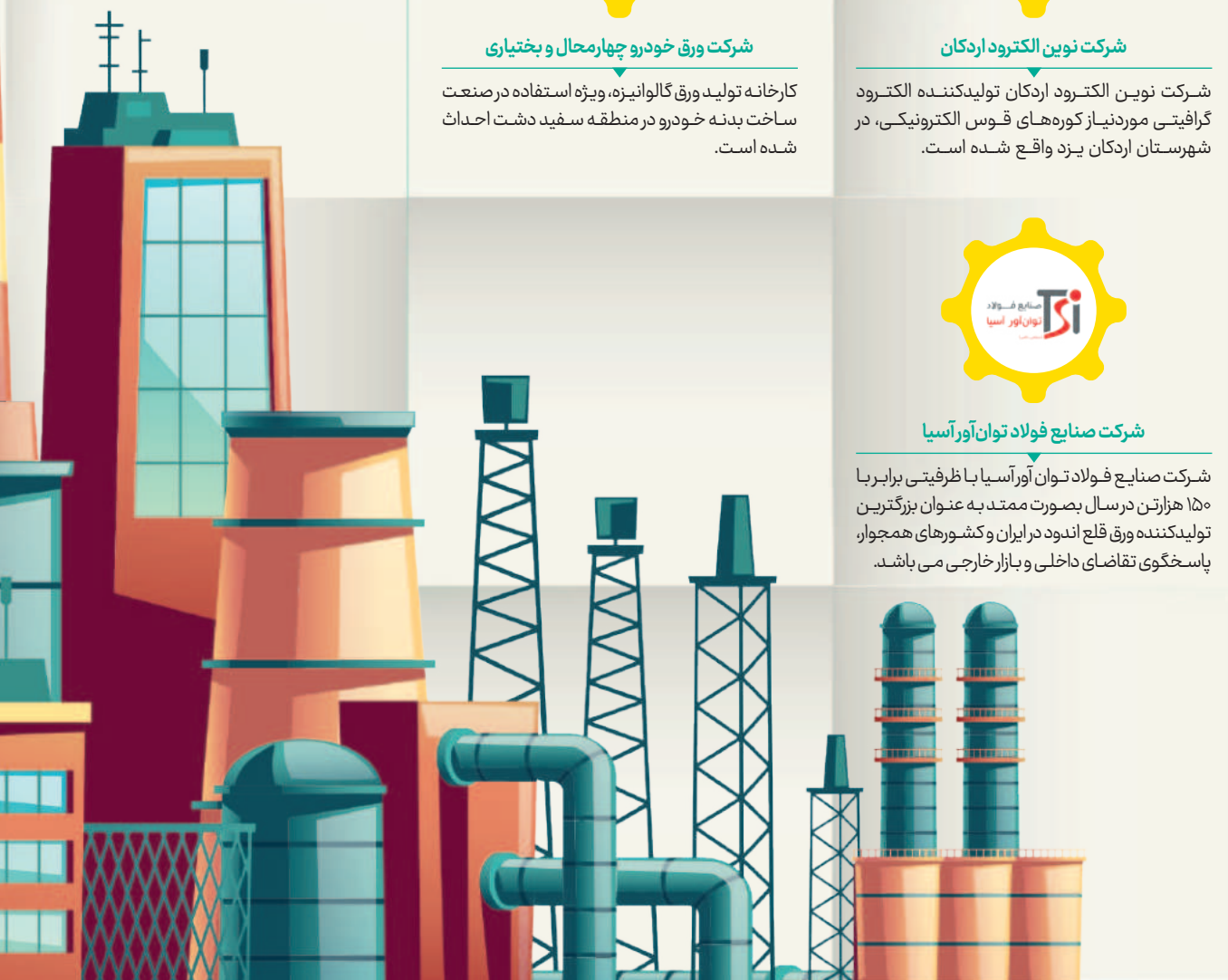
شرکت نوین الکترو اردکان

شرکت نوین الکترو اردکان تولیدکننده الکترو گرافیتی مورد نیاز کوره های قوس الکترونیکی، در شهرستان اردکان یزد واقع شده است.



شرکت صنایع فولاد توان آور آسیا

شرکت صنایع فولاد توان آور آسیا با ظرفیتی برابر با ۱۵۰ هزارتن در سال بصورت ممتد به عنوان بزرگترین تولیدکننده ورق قلع اندود در ایران و کشورهای همجوار، پاسخگوی تقاضای داخلی و بازار خارجی می باشد.





شرکت فلز تدارک فولاد مبارکه اصفهان

شرکت فلز تدارک فولاد مبارکه اصفهان با هدف تهیه و توزیع مواد اولیه و نیز تامین تجهیزات و ماشین آلات وابسته تأسیس گردیده است.



شرکت امین طب سپانو

شرکت امین طب سپانو، شرکت سرمایه‌گذاری در حوزه سلامت می‌باشد که در راستای افزایش سطح سلامت در کشور ایران فعالیت می‌کند.



شرکت صنایع

شرکت صنایع انرژی‌های پاک فولاد (صنایع) در سال ۱۴۰۱ با هدف توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و با سرمایه‌گذاری شرکت فولاد مبارکه اصفهان راه‌اندازی گردید.



شرکت فولاد سفیددشت چهارمحال و بختیاری

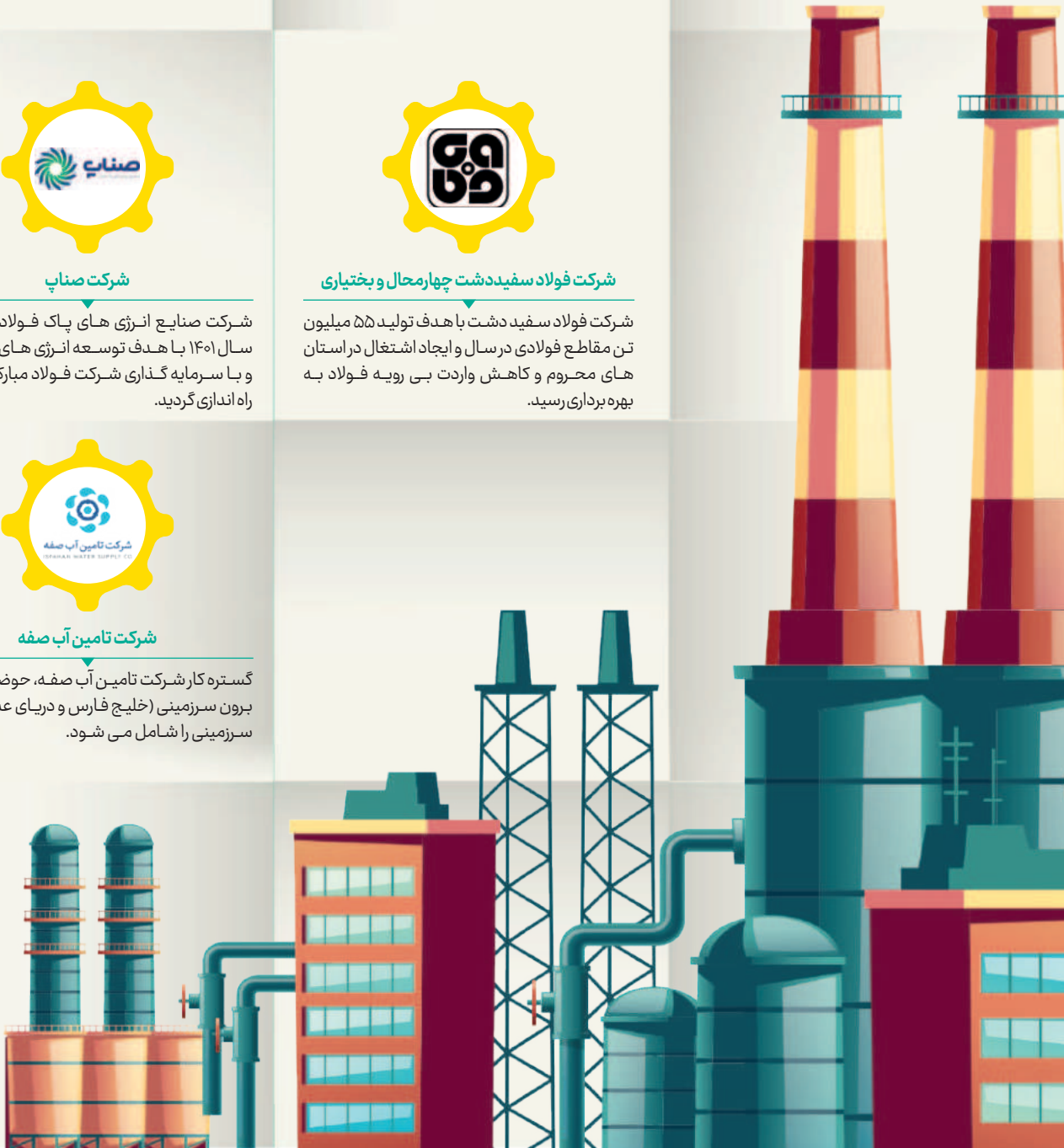
شرکت فولاد سفیددشت با هدف تولید ۵۵ میلیون تن مقاطع فولادی در سال و ایجاد اشتغال در استان‌های محروم و کاهش واردات بی‌رویه فولاد به بهره‌برداری رسید.



شرکت تامین آب صفه

گستره کار شرکت تامین آب صفه، حوضه‌های آبی برون سرزمینی (خلیج فارس و دریای عمان) و درون سرزمینی را شامل می‌شود.

سای زیرگروه سه در یک نگاه





نام شرکت

فولاد متیل (سهامی خاص)

مدیرعامل

محمد تاجمیری ریحی

آدرس شرکت

اصفهان، محور شمال
به جنوب کنار گذر اتوبان
شهید خرازی، جنب کوچه ۸۸،
ساختمان متیل

محصولات

انواع مقاطع فولادی،
سازنده تکرر پنل‌های
خورشیدی-واگن‌های حمل
مواد اولیه-سازه‌های فلزی

خدمات

طراحی و اجرای نیروگاه‌های
خورشیدی- خدمات بازرگانی-
خدمات جانبی محصولات
فولادی

معرفی شرکت فولاد متیل

توزیع و فروش محصولات فولاد مبارکه

در اولین شماره از ماهنامه هم خانواده و در فصل معرفی شرکت های زیرمجموعه فولاد مبارکه به معرفی شرکت فولاد متیل پرداخته ایم.

زمینه فعالیت
شرکت

شرکت فولاد متیل در راستای اهداف تعریف شده خود در بخش های مختلفی از جمله خرده فروشی و خدمات محصولات فولادی فعالیت دارد.

درباره شرکت

پس از بهره‌برداری از مجتمع فولاد مبارکه در چارچوب الگوهای جهانی، تاسیس مراکز خدماتی (service centers) در دستور کار این شرکت قرار گرفت و این مهم، در قالب یک شرکت مادر، به نام «شرکت فولاد متیل» جامه عمل پوشید و در تاریخ دوم مهرماه ۱۳۷۰ این نهال ارزش آفرین جان گرفت و طی ۳ دهه گذشته به درختی تنومند و بارور تبدیل شد.

تعداد کل پرسنل
هلدینگ



۷۰۵ نفر

تعداد پرسنل
شرکت فولاد متیل



۴۳ نفر

شرکتهای گروه فولاد متیل

آهن و فولاد صنایع کاوه تهران، صنایع آهن و فولاد توس، آهن و فولاد اصفهان، فولاد گستر یزد، صنایع آهن و فولاد درخشان اراک، فولاد سدید ماهان، صنایع آهن و فولاد آرتاویل ساخت، فولاد ساخت جنوب، صنایع فولاد سهند آغاز، صنایع آهن و فولاد نور، پردازش فولاد فرآیند البرز، پاسیفیک



ارتباط با فولاد مبارکه

شرکت فولاد متیل به عنوان یکی از زیرمجموعه های شرکت فولاد مبارکه است که با هدف توزیع و فروش محصولات فولاد مبارکه در کشور تاسیس و راه اندازی شد و سالانه بخشی از محصولات این شرکت را به همراه خدمات مورد نیاز آن ها از جمله برش های طولی، عرضی، نواربری و... به صنایع کوچک و متوسط ارائه می کند.

فعالیت های متنوع شرکت فولاد متیل

انجام واردات و صادرات و خرید و فروش و کلیه فعالیت های تجاری و مالی مجاز ارائه خدمات مشاوره ای

۰۴

اخذ نمایندگی و اعطای نمایندگی به آنان، اعطای تسهیلات اعتباری به اشخاص حقوقی، وابسته، تابعه و مشتریان

۰۳

ایجاد مراکز خدماتی فولادی، مشارکت با افراد حقوقی و حقیقی، سرمایه گذاری در شرکت ها و خرید سهام آنها

۰۲

انجام کلیه فعالیت های تولیدی، صنعتی، بازرگانی، فنی و خدماتی، در زمینه صنعت فولاد و مصنوعات فلزی و فولادی

۰۱

مجموع این اقدامات در ایجاد پایگاه توزیع محصولات فولاد مبارکه اصلاح و جدا سازی محصولات انباری فولاد مبارکه و تخصیص آن به صنایع، کارخانجات و کارگاه های تولیدی، تامین نیاز محصولات تخت واحدهای صنعتی خرد و اجرای پروژه های محلی در سراسر کشور، ارائه خدمات انبارداری، انواع برش، تبدیل، قطعه سازی و انجام عملیات صنعتی و فرآوری در راستای افزایش بهره وری و امور حمل و نقل، با تاکید بر حمل و نقل ریلی محصولات فولادی، توسط شرکت های زیرمجموعه هلدینگ فولاد متیل صورت می پذیرد.

۰۵

افتخارات شرکت

دریافت گواهینامه
ISO9001:2015

۰۲

دریافت گواهی تعهد به
خدمت جایزه تعالی سازمانی

۰۱

هم خانواده

مجله خانواده بزرگ

فولاد مبارکه

در گپ تایم ماهنامه هم خانواده با چهره های
مختلفی به گفت و گو پرداخته ایم که از نگاه
می گذرانید.

گپ تایم

گپ تایم

گفت و گو

زینب تاج الدین
خبرنگار

یک عاشقانه آرام!

رودرو با «مریم رخشانی»؛ همسر شهید «محسن خزایی»
و روایت او از شروع تا پایان زندگی مشترکش

آخرین روزهای آبان نود و پنج بود؛ روزی که آخرین گزارش خبری همسرش «محسن خزایی» از سوریه پخش شد؛ همان روزی که گزارشش را ندید اما زیرنویس خبرشهادتش در قاب چشمانش نشست. همان روزی که وقتی خبر شهادتش را شنید، باور نکرد. باور نکرد تا وقتی که شماره‌اش را گرفت اما ارتباطشان مثل همیشه وصل نشد و محسن مثل همیشه روی خطش نیامد... همان روزی که بالاخره پاهایش سست شد اما مقاوم ایستاد. و حالا آخرین روزهای آبان چهارصد و دو است؛ درست هفت سال بعد؛ روزی که ما مهمانش شدیم. در مشهد، کوچه شهید محسن خزایی و خانه‌ای که در چند قدمی حرم امام (رضاع) جا خوش کرده است. تا چشم کار می‌کند اینجا پر از نشانه است؛ نشانه‌هایی که خبر از جای خالی مرد خانه را می‌دهند؛ گوشه به گوشه، و جب به جب! از قاب عکس‌ها بگیر تا مدال‌ها و تندیس‌ها و یادبودهای رنگارنگی که جای خالی خانه را پر کرده است. مجسم‌ترین نشانه اما «زینب» است. دختری که هنگام شهادت بابا فقط سه سال داشت و حالا برای خودش خانمی شده است. همراهی و گفت‌وگو با «مریم رخشانی»؛ همسر خبرنگار شهید محسن خزایی در حالی اتفاق افتاد که او در سفر یک روزه ما از اصفهان به مشهد، ساعاتی میزبان مان شد تا راوی عاشقانه‌ی آرام‌اش باشد؛ از شروع تا پایان!



جهت تماشای نسخه
ویدیویی این گفتگو

QR code را اسکن کنید



دوران عقد آقا محسن تقریباً هر شب می‌آمد منزل ما و گاهی برای شام هم می‌ماند. گاه و بیگاه هم تماس می‌گرفت و خیلی محدود تلفنی صحبت‌هایی با هم داشتیم. البته به خاطر تعصبی که بود، این‌طور نبود که وقتی می‌آمد خانه ما، مستقیماً با هم ارتباط داشته باشیم. من بیشتر در آشپزخانه و یا اتاق دیگری بودم و غیرمستقیم او را می‌دیدم. خاطرم هست حال خانه ما به این صورت بود که یک طرفش، کتابخانه بزرگی قرار داشت و چند قاب عکس از مادر بزرگ‌های مرحوم‌مان روی آن بود. آقا محسن هر وقت می‌آمد خانه ما، روبروی پذیرایی سمت این کتابخانه می‌نشست؛ طوری که عکسش در آن قاب‌ها می‌افتاد و من به این صورت بودم که می‌توانستم چهره آقا محسن را ببینم. گاهی هم که غافلگیرانه می‌آمد، من موقع بازکردن در با ایشان رو به رو می‌شدم اما خب اینقدر از هم خجالت می‌کشیدیم که هیچ کدام به هم نگاه نمی‌کردیم.

• شروع زندگی مشترک‌تان از زاهدان بود؟
بله، بعد از سه ماه عقد از اردیبهشت سال ۷۵ زاهدان.

• خب برویم سراغ فعالیت‌های آقای خزایی. فعالیت آقا محسن در وادی خبر و خبرنگاری از کی و کجا بود؟
از همان ابتدای ازدواج، ایشان در همان صدا و سیما زاهدان مشغول به کار بودند؛ در قسمت رادیو. متصدی صدا بودند.

• فعالیت‌شان در رادیو به چه صورت بود؟
مدتی که از فعالیت‌اش در رادیو گذشت، با توجه به علاقه شدید و وافر ایشان به حوزه شهید و شهادت، آقا محسن به عنوان فرمانده پایگاه (شهید برخوردار) صدا و سیما زاهدان انتخاب و معرفی شد و توانست در طول دو سال فعالیتش در این پایگاه، موفق به کسب رتبه برتر کشوری در جشنواره‌ها شود. همچنین به خاطر مستندهایی که برای شهدای سیستان مخصوصاً شهید میرحسینی ساخت، چندین بار برگزیده شد. برنامه‌های دیگری مثل راست‌قامتان هم از فعالیت‌های دیگرش در این سالها بود.

• اگر اشتباه نکنم، شهید خزایی مدتی را هم در باشگاه خبرنگاران فعالیت داشته‌اند.

بله مدتی که از فعالیت‌اش در صداوسیما زاهدان گذشت به خاطر تولیدات خوبی که برای جوان‌ها داشت و برنامه‌سازی‌هایی که انجام داد، به عنوان مدیریت باشگاه خبرنگاران جوان زاهدان منصوب شد. چهارسالی هم آنجا فعالیت داشت. البته هم پای فعالیت‌شان در باشگاه، رابط شبکه خبر در سیستان و بلوچستان نیز بود و برای شبکه خبر هم برنامه‌سازی و گزارش تهیه می‌کرد. در این چهارسال فعالیت در باشگاه هم، هر سال رتبه برتر کشوری را کسب کرد و فعالیت زیادی در بخش خبر داشت. بعد از باشگاه هم که رفت گیلان و شد مدیر خبر گیلان.

وقتی با آقا محسن ازدواج کردم ۲۰ ساله بودم و او هم ۲۴ سال داشت.

• خانم رخشانی، چطور برای ازدواج به آقا محسن معرفی می‌شود؟

نحوه آشنایی ما از طریق شوهر خاله من بود. شوهر خاله من فرمانده گردان آقا محسن بود و آقا محسن هم فرمانده اطلاعات عملیات و جانشین گردان ایشان؛ گردان ۱۰۲ عاشورا. یک بار اتفاقی آقا محسن در صحبت‌هایش با شوهر خاله من، عنوان می‌کند قصد ازدواج دارد و دنبال همسری با چه معیارهایی است. همین صحبت زمینه‌ای را پیش می‌آورد که شوهر خاله‌ام باب آشنایی ما را بازو من را به آقا محسن معرفی کند. بعد از آن هم، آقا محسن ابتدا به صورت پنهانی با مادرم صحبت کرد. بدون اینکه من متوجه بشوم. البته من تا حدودی حواسم به صحبت‌ها و رفت‌وآمدهای مشکوک خانواده بود. ذهنم هم درگیر و کنجکاو شده بود که بفهمم قضیه چیست. کم‌کم اما بو بردم که سر و کله یک خواستگار پیدا شده است.

• شما آن موقع چند سال‌تان بود؟

من ۲۰ سالم بود و آقا محسن ۲۴ سال. برنامه‌ریزی‌ها انجام شد و قرار خواستگاری گذاشته شد. جلسه اول؛ صرفاً جلسه آشنایی بود که به همراه پدر و مادر و خواهر و برادر بزرگ‌شان آمدند خانه ما. جلسه دوم؛ جلسه خواستگاری بود که با تعدادی از اعضای خانواده‌شان، همراه خواهر و برادرها و عمه‌ها و عموهایشان برگزار و قرار نهایی برای روز عقد و عروسی مشخص شد.

• قبل از اینکه به توافق ازدواج برسید، چه صحبتی با هم داشتید؟

حقیقتاً صحبتی نداشتیم! یک مقداری حساسیت‌های آن زمان زیاد بود و خانواده‌های ما روی برخی مسائل تعصب داشتند. حتی رفت و آمدها هم محدود بود. روی این اصل مستقیماً ما صحبتی با هم نداشتیم. خانواده ما برای این وصلت، بیشتر از طریق شوهر خاله‌ام، نسبت به آقا محسن شناخت پیدا کرده بود. البته خودش هم همان اوایل با یک نامه‌ای خودش و خانواده‌اش را به ما معرفی کرده بود.

• گفتید آن موقع ۲۰ سال‌تون بوده. یک دختر ۲۰ ساله‌ی آن زمان، چه معیارهایی در ذهنش بود؛ در مورد فردی که قرار بود همسرش شود و شما آن معیارها را در آقا محسن دیدید؟

حقیقتاً چون خانواده ما خانواده مذهبی بود، اخلاق و ایمان و رفتار درست جزو مهمترین معیارهای مدنظرم بود. اینکه نمازخوان باشد و مذهبی و در قید و بند دین. از طرف دیگر برایم خیلی مهم بود کسی که قرار است شریک زندگی‌ام باشد، مثل خودم بسیجی و فعال باشد. الحمدلله آقا محسن همه معیارهای مورد نظر من را برای همراهی در زندگی مشترک داشت و برای همین جای هیچ مخالفتی نبود. پدر و مادرم هم کاملاً موافق انتخاب او بودند.

• چقدر نسبت به آقا محسن به شناخت رسیدید؟



حقیقتاً چون خانواده ما خانواده مذهبی بود، اخلاق و ایمان و رفتار درست جزو مهمترین معیارهای مدنظرم بود. اینکه نمازخوان باشد و مذهبی و در قید و بند دین. از طرف دیگر برایم خیلی مهم بود کسی که قرار است شریک زندگی‌ام باشد، مثل خودم بسیجی و فعال باشد. الحمدلله آقا محسن همه معیارهای مورد نظر من را برای همراهی در زندگی مشترک داشت

روزی که من یک سپاهانی
شدم!



راوی: محمد مهدی خزایی؛
فرزند شهید محسن خزایی

تازه رفته بودیم اصفهان. روزهای آخر هفته با پدر برای تفریح می‌رفتیم سمت باغ فردوس. یک روز از اتفاق بچه های تیم نونهالان سپاهان را دیدیم که در حال تمرین بودند. از آنجایی که علاقه زیادی به توپ و فوتبال داشتم از پدرم خواستم با مربی‌شان صحبت کند که من هم با این بچه‌ها بازی کنم. خدارا شکر پدر اجازه‌اش را گرفت و من از آن روز به نوعی توی تمرین‌های بچه‌ها بودم. حتی مربی تیم که متوجه استعدادم شد از پدرم خواست که هر جمعه من را به باغ فردوس ببرد تا در تمرین‌های آنها حضور داشته باشم. دیگر این برنامه هر جمعه ما شده بود؛ خدا خدا می‌کردم که بابا زود بیاید و من را با خودش به باغ فردوس ببرد. البته در کنار فوتبال هواداری هم می‌کردم. از لباس گرفته تا کیف و کفش و ساک و حتی کلاه و شال گردن سپاهان. همه را ردیف کرده بودم.

روزهایی که تیم سپاهان بازی داشت، لباس‌های سپاهان را می‌پوشیدم و خانوادگی همراه بابا می‌نشستیم پای تلویزیون. بساط تخمه هم پهن بود. خیلی شورو هیجان داشتیم. آنقدر غرق بازی می‌شدیم که با هر گل سپاهان، کل ساختمان بهم می‌ریخت. طرفدار دو آتیشه بودم. شیپورم دستم بود و تا جایی که می‌توانستم بچه‌ها را تشویق می‌کردم.



خودش مستقیماً دوربین برمی‌داشت و میکروفون دستش می‌گرفت و برای تهیه گزارش پیشقدم بود. گاهی حتی جلوتر از خبرنگاران، سراغ سوژه‌ها می‌رفت. خودش مونتاژ می‌کرد، خودش به مرحله پخش می‌رساند. شب و روز نداشت. ایامی بود که بمب‌گذاری در منطقه سیستان زیاد شده بود. کافی بود فقط صدای انفجار به گوشش برسد. سریع آماده رفتن می‌شد. هیچ کس هم نمی‌توانست جلودارش باشد. هرچه می‌گفتم آن منطقه الان خطرناک و حساس است، می‌گفت نه من باید بروم و هرچه زودتر این خبر را تهیه کنم و به سمع و نظر مردم برسانم. همیشه فعال و در صحنه بود و از کوچک‌ترین اتفاق ساده نمی‌گذشت. حتی گاهی نیمه‌شب از خواب بلند می‌شد و می‌رفت دنبال سوژه‌اش. می‌توانست بخوابد و بگوید صبح هم روز خداست اما به هیچ وجه این روحیه را نداشت. دغدغه‌مند بود و همیشه تلاش می‌کرد کارش را به بهترین نحو ممکن انجام دهند.

شما چقدر همراه‌شان بودید در این مسیر؟

من هیچ منعی برای آقا محسن و کارش نداشتم. چون عشقش به کارش را می‌دیدم. واقعا علاقه عجیبی داشت آن قدر که از تفریح و استراحتش هم می‌گذشت. سعی می‌کردم بیشتر از اینکه مانعش باشم، همراهش باشم. برای همین بیشتر اوقات بار مسئولیت‌ها و وظایفش در خانه را خودم به عهده می‌گرفتم تا آقا محسن به فعالیت‌های خودش برسد.

آقای خزایی فعالیت چشمگیری در حوزه ایثار و شهادت داشتند و این موضوع مصداقش می‌شود تهیه گزارش‌ها و

فعالیت آقا محسن در حوزه خبر به صورت رسمی از گیلان شروع شد

از گیلان و فعالیت‌های خبری‌شان بگویید.

به نظر من فعالیت آقا محسن در حوزه خبر به صورت رسمی از گیلان شروع شد. رسمی به این معنا که از آنجا به صورت مستقل وارد حوزه خبر و به معاونت اطلاعات اخبار گیلان منصوب شد. اتفاقاً در گیلان هم فعالیت‌های موثری داشت. به عنوان مثال در جریان فتنه ۸۸ به خاطر فعالیت‌هایی که در بخش خبری داشت، حائز چندین رتبه شد و مرکز گیلان هم به عنوان پنج مرکز برتر کشور معرفی گردید. یا مثلاً در انتخابات ریاست جمهوری رتبه اول را کسب کرد. بعد از گیلان هم که منتقل شد اصفهان.

اصفهان و فولاد مبارکه ...!

بله. بعد از آن دو ساله که در گیلان بود، آمد اصفهان و وارد فولاد مبارکه شد و از آنجا بود که عنوان شغلی‌اش از خبر و خبرنگاری تغییر کرد. البته در اصفهان هم کار خبری‌اش را زمین نگذاشت و همچنان در این عرصه فعال بود.

موضوع خبر و خبرنگاری چقدر در زندگی آقا محسن خزایی نقش داشت؟ چقدر زندگی ایشان را تحت تأثیر قرار داد؟ به هر حال کار خبر و خبرنگاری کار زمانبر است و شاید مجبور باشی بیست و چهار ساعته و گاهی شاید بیشتر، در خدمت آن باشی. این موضوع به زندگی مشترک شما خدش‌های وارد نمی‌کرد؟

حقیقتاً چون علاقه عجیبی به کار و فعالیت داشت مخصوصاً در حوزه خبر، به طور کامل زندگی‌شان وقف این موضوع بود. دقیقاً از همان زمانی که وارد باشگاه خبرنگاران شد، ما آقا محسن را خیلی کم می‌دیدیم. مرتب دنبال تهیه خبر و گزارش بود. حتی خاطرم هست

اصفهان و دیداری با مسئولان فولاد مبارکه داشت. بعد هم آمد و به من اطلاع داد که باید برای ادامه کار بروم اصفهان. فکر می‌کنم آخر تابستان بود. شهریور را به صورت کامل اصفهان بود. بعد هم قرار شد شرایط رفتن من و بچه‌ها را فراهم کند.

از فعالیت‌های‌شان در اصفهان و فولاد مبارکه اصفهان بگویید.

در قسمت روابط عمومی فولاد مبارکه، فعالیت‌های متفاوتی داشت. اما من خیلی ریزکارها و برنامه‌هایش را نمی‌دانستم. از لحاظ کاری به قدری شلوغ بود که فرصت کمی پیش می‌آمد، ببینمش یا خودش بخواهد حرفی برای ما بزند. صبح زود می‌رفت و آخر شب می‌آمد. یادم است بعضی اوقات از ما می‌خواست توی مراسمانی که مربوط به ایام محرم یا فاطمیه بود و در فولاد مبارکه برگزار می‌شد، همراهی‌اش کنیم. یا حتی در جشن‌ها و مناسبت‌های خاصی که برنامه داشتند. توی همان برنامه‌ها هم در راس کار و به نوعی محور فعالیت‌ها بود. یکی از فعالیت‌هایش که در جریانش بودم، برگزاری کلاس خبرنگاری در فولاد مبارکه بود. آنجا هم به نوعی ارتباطش را با خبر و فضای رسانه همچنان حفظ کرده بود.

آمدن به اصفهان چقدر برای شما و بچه‌ها متفاوت بود؟

به نظر من حضور در اصفهان یک مقداری تفاوتش بیشتر بود. ما گیلان در مجتمع صدا و سیما ساکن بودیم. همه همسایه‌ها به واسطه همکار بودن، همدیگر را می‌شناختند. خانم‌ها بیشتر وقت‌ها با هم مشغول می‌شدند. بساط برگزاری روضه‌های خانگی و کارهای گروهی، گرم بود. خلاصه آنجا سرگرم بودیم و تنهایی و غربت را کمتر لمس می‌کردیم. ولی اصفهان به معنای تمام کلمه برایمان تنهایی و دوری از خانواده بود. هیچ کسی دوروبرمان نبود. من بودم و بچه‌ها و همسری که دیر به دیر می‌دیدمش. گاهی چندروز اصلاً نبود. روی این اصل، شرایط تنهایی ما در اصفهان بیشتر بود.

حدوداً چه مدت اصفهان ماندید؟ حدود دو سال اصفهان بودیم که بعد از آن هم شرایط رفتن‌شان به سوریه فراهم شد.

سوریه! همان شروع متفاوت در زندگی آقا محسن خزایی!

بعد از اینکه مأموریت‌اش در فولاد مبارکه تمام شد، حدوداً یک ماهی بیکار بود. منتظر بود تصمیمی برایش گرفته شود. تا اینکه یک روز آمد و به من گفت که خیلی دل‌تنگ حرم حضرت زینب(س) است و می‌خواهد برود سوریه، زیارت! خیلی خوشحال شدم و نخواستم با حرف‌هایم مانع رفتنش شوم که مثلاً ما اینجا

تولیداتی که بیشتر با همین موضوع بودند. سوال من این است که واژه شهید و شهادت چقدر در زندگی ایشان ملموس بود؟ چقدر در موردش حرف می‌زدند؟ چقدر به آن فکر می‌کردند؟

شهادت که آرزوی او بود. از همان ابتدای زندگی متوجه این موضوع شدم. مرتب راجع به جبهه و جنگ و شهید و شهادت صحبت می‌کرد. شهید میرحسینی را دوست داشت و همیشه در خانه راجع به او و رشادت‌هایش در میدان جنگ صحبت می‌کرد. همیشه به من می‌گفت برای من سر نماز دعا کن. من لیاقت نداشتم، توفیق نداشتم در جنگ شرکت کنم. این برای من آرزوی خیلی بزرگیه، دعا کن این توفیق نصیب من بشود و من هم بتوانم روزی در میدان جنگ حضور پیدا کنم و دینی که به گردن دارم را ادا کنم. از روی آن عشق و علاقه هم همیشه سعی می‌کرد برای شهدا و خانواده شهدا کار کند. البته این علاقه صرفاً در حوزه کاری ایشان دیده نمی‌شد. او در کنار برنامه‌سازی برای شهدا، در زندگی روزمره‌اش هم واقعا نسبت به شهدا و خانواده شهدا دغدغه‌مند بود. مرتب از آن‌ها سرکشی می‌کرد. در کنار این‌ها، مداحی هم می‌کرد. نوحه می‌خواند. اشک می‌ریخت. مرتب با هم سر مزار شهدا می‌رفتیم. می‌نشست آنجا زیارت عاشورا می‌خواند، و اشک می‌ریخت. از شهدا می‌خواست آرزویش را برآورده کنند. همیشه طلب شفاعت می‌کرد از شهدا.

شعریا نوحه‌ای بود که مورد علاقه‌اش باشد و مرتب آن را زمزمه کند؟

خیلی بود ولی من الان حضور ذهن ندارم. «کجایی ای شهیدان خدایی، بلاجویان دشت کربلایی»، این بیت مرتب ذکر لبش بود. به نوحه‌های آقای کویتی‌پور هم علاقه عجیبی داشت. مدام تکرار می‌کرد. آنقدر می‌خواند که ما هم همراهش می‌خواندیم. دیگه کم کم بابت این علاقه‌ای که داشت شروع کرد به نوحه‌خوانی در مجالس و هیئت‌ها و این کار را با عشق انجام می‌داد.

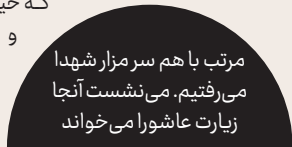
خب می‌رسیم به اصفهان. یک برهه‌ای از زمان آقا محسن به واسطه پیشنهادی که به ایشان می‌شود یا انتخابی که خودشان داشتند راهی اصفهان و در فولاد مبارکه مشغول به کار می‌شوند. از آن دوران و حضورتان در اصفهان بگویید. چقدر آمدن به اصفهان مورد علاقه‌شان بود؟

بعد از دو سال فعالیت در گیلان، سفری به تهران داشتند. آنجا پیشنهاد روابط عمومی شرکت فولاد مبارکه به ایشان داده می‌شود. اینکه چرا و چگونه را الان حضور ذهن ندارم اما خاطرم هست که این پیشنهاد توسط یکی از دوستان‌شان که مسوول دفتر شبکه خبر تهران و اصالتاً همشهری و سیستانی بود، مطرح شد.

و این پیشنهاد را پذیرفتند. بله پذیرفت و از اتفاق استقبال هم کرد. فکر می‌کنم از همان جا مستقیم رفت زیارت عاشورا می‌خواند



شهادت که آرزوی او بود. از همان ابتدای زندگی متوجه این موضوع شدم. مرتب راجع به جبهه و جنگ و شهید و شهادت صحبت می‌کرد. شهید میرحسینی را دوست داشت و همیشه در خانه راجع به او و رشادت‌هایش در میدان جنگ صحبت می‌کرد. همیشه به من می‌گفت برای من سر نماز دعا کن. من لیاقت نداشتم، توفیق نداشتم در جنگ شرکت کنم. این برای من آرزوی خیلی بزرگیه، دعا کن این توفیق نصیب من بشود و من هم بتوانم روزی در میدان جنگ حضور پیدا کنم و دینی که به گردن دارم را ادا کنم





برقرار می‌کرد و تصاویری که ارسال می‌کرد، کم‌کم هم شد؛ خبرنگار واحد مرکزی خبر در سوریه.

📍 اقامت‌شان در خود دمشق بود؟

نه! اقامت‌شان در زینبیه بود و محل کارشان در دمشق در صدا و سیما سوریه.

📍 خانواده در همه ماموریت‌ها کنار آقا محسن بوده است. آیا این اتفاق در سفر سوریه هم می‌افتد؟

ایام نوروز سال ۹۱ بود که با آقا محسن رفتیم سوریه و در زینبیه و خانه‌ای که برایمان اجاره کرده بود، مستقر شدیم. مدت زمانی هم طول کشید تا با منطقه آشنا شدیم. بیشتر ارتباط‌مان هم با دفتر نهاد رهبری بود؛ محل کار آقا محسن. خیلی به آنجا نزدیک بودیم و این برای منی که همیشه از همسر دور بودم، خیلی خوب و بهتر بگویم عالی بود. من هر لحظه امکان دسترسی به آقا محسن را داشتم و این جبران همه این سالها نبودن‌هایشان بود.

📍 این همراهی شما در سوریه تا آخر ادامه داشت؟

نه خیلی به جایی نکشید. شاید حدود ده روز، هفته اولی بود که در سوریه جاگیر شده بودیم. خانه تمیز و وسایلی که برای زندگی برده بودیم، چیدمان شده بود. یکی از همان روزها، آقا محسن قرار بود زودتر بیاید خانه و نهار را با هم بخوریم. چون معمولاً صبح زود می‌رفت و شب می‌آمد. نهار آن روز را آبگوشت سنتی سیستان تدارک دیده بودم. کنارش هم نان محلی‌مان بود. نهار

سفر به سوریه

ایام نوروز سال ۹۱ بود که با آقا محسن رفتیم سوریه و در زینبیه و خانه‌ای که برایمان اجاره کرده بود، مستقر شدیم. بیشتر ارتباط‌مان با دفتر نهاد رهبری بود؛ محل کار آقا محسن.

تنهاییم، بچه‌ها مدرسه دارند و نرو. نه! اتفاقاً استقبال هم کردم و گفتم شاید برود حال و هوایی عوض کند و برگردد.

📍 خوب تا اینجا که یک سفر معمولی است مثل خیلی از سفرهای دیگر. چطور می‌شود که کوچ می‌کنند برای کار و زندگی به سوریه؟

بعد از اینکه از آن سفر برگشت، گفتم: «می‌خواهم برای کار بروم سوریه. بروم کمک آقای حسینی؛ مسئول دفتر نهاد رهبری در سوریه.» گفتم: «آنجا بیش از حد کمبود کار فرهنگی دارند. باید برویم و فعالیت کنیم.»

📍 پس تصمیمش را برای رفتن گرفته بود. واکنش شما...؟!

استقبال کردم و گفتم چی بهتر از این. هم آنجا فعالیت می‌کنی و هم کنار حرم حضرت زینب(س) هستی و به نوعی می‌توانی خادم حرم خانم باشی. شاید توفیقی برای ما هم بشود، زود به زود بیاییم زیارت.

📍 فضای کاری‌شان در سوریه به چه شکل بود؟

شروع کارش با مسئولیت امور اداری و مسئول امور فرهنگی دفتر نهاد رهبری در سوریه بود. در کنار آن کارهای خبری هم انجام می‌داد و حتی دفتر شبکه خبر زد. با صدا و سیما سوریه هم همکاری داشت؛ به طوری که کار خبری و برنامه‌ها و گزارش‌های تولیدی‌اش را از طریق همان صدا و سیما سوریه انجام می‌داد. ارتباط‌های زنده‌ای که

روایت دوم

۷۰ میلیون بمب اتم داریم
توی ایران!



راوی: محمد مهدی خرابی؛
فرزند شهید محسن خرابی

بعضی روزها بابا از سوریه اطلاع می داد که من فلان روز، فلان تایم گزارش دارم. حتما نگاه کنید. خاطرم هست آن موقع‌ها از مدرسه که می‌آمدم خانه، کلاً همه حواسم به این بود که برنامه و فیلم و حتی مهمانی‌ها را تعطیل کنم و بنشینم پای تلویزیون. خیلی ذوق داشتم بابا را ببینم. حس قدرتمندی داشتم و از دیدن پدرم لذت می‌بردم. مثلاً توی مدرسه که می‌رفتم حس خیلی خوبی داشتم که فرزند این پدرم، درست است که بابا بالای سرم نبود و در نقطه‌های طلایی زندگی‌ام نداشتمش، اما همین که آدم متفاوتی بود، برای من قوت قلب بود.

بابا کلاً از سوریه که بر می‌گشت و می‌آمد ایران یه تایمی رو تهران بود درگیر کارهای اداری اش و یه تایمی رو می‌آمد پیش ما خونه که زاهدان بودیم و بعد از اون سمت می‌آمد مشهد یعنی می‌رفت زیارت امام رضا. یکی از این سفرهایی که بابا رفت مشهد منو با خودش برد، یعنی خیلی اتفاقی، ما دو تا، دو نفری با هم رفتیم مسافرت و خیلی لذت بخش و عالی بود. چیزی که یادمه، بابا با یه خبرنگار خارجی مصاحبه می‌کرد. خبرنگار خارجی از پدرم سؤال می‌پرسه که آیا راسته که ایران بمب اتم داره؟ پدرم میگه بله راسته که ما بمب اتم داریم. بعد خبرنگار شوکه میشه و میگه شما دارید صحبت‌های مسئولین کشور رو نقض می‌کنید؟ پدرم میگه نه، ما ۷۰ میلیون بمب اتم داریم توی ایران. هر کدام از این جوان‌های ما یک بمب اتم هستند و ما نیازی به بمب اتمی که شما فکر می‌کنید نداریم. این حرف‌شون توی ذهنم موند و این خیلی جمله زیبایی بود که صحبت کردند پدرم.



در حین این که آقا محسن آمد از خانه خارج شود، مسئول ساختمان جلوی ایشان را گرفت و گفت: «کجا میری؟ وضعیت بیرون خیلی خطرناکه! اصلاً نمیشه در را باز کرد. بری ممکنه تیر بخوری.» خیلی هیجان زده زده گفت: «نه من باید برم، دفتر نهاد در خطر است و حاج آقا حسینی آنجا تنهاست.» خلاصه هر کاری کرد نتوانست مانعش شود.

را دور هم خوردیم، ناهاری که برای آقا محسن خیلی دلچسب بود. بعد از ناهار آقا محسن رفت استراحت کند ولی چیزی طول نکشید صدای مهیبی بلند شد. بچه‌ها با هیجان خاصی دویدند داخل اتاق و شروع کردند به داد زدن و پدرشان را صدا کردند. صدا مربوط به انفجاری بود که نزدیک خانه ما رخ داده بود. بچه‌ها از پنجره دیده بودند که از ساختمان مقابل ما فردی قوی هیکل با آرمیجی به سمت دفتر نهاد رهبری نشانه گرفته و شلیک کرده بود. آقا محسن خیلی سریع آماده شد تا خودش را به دفتر برساند و سروگوشی آب بدهد. در همان حین صدای تیراندازی‌ها زیاد و مهیب‌تر شد. واقعا نمی‌دانستیم چه اتفاقی افتاده. آقا محسن به ما گفت سریع بروید پایین ساختمان داخل پناهگاه. چون خانه ما هم دقیقاً روبروی دفتر نهاد رهبری و کاملاً در تیررس بود. از اتفاق پنجره هم زیاد داشت. شدت تیراندازی لحظه به لحظه بیشتر می‌شد به صورتی که به طور کامل تمام برق‌های ساختمان قطع شد و تاریکی عجیبی همه جا را فراگرفت. در حین این که آقا محسن آمد از خانه خارج شود، مسئول ساختمان جلوی ایشان را گرفت و گفت: «کجا میری؟ وضعیت بیرون خیلی خطرناکه! اصلاً نمیشه در را باز کرد. بری ممکنه تیر بخوری.» خیلی هیجان زده زده گفت: «نه من باید برم، دفتر نهاد در خطر است و حاج آقا حسینی آنجا تنهاست.» خلاصه هر کاری کرد نتوانست مانعش شود.

آقا محسن رفت، شما با چه وضعیتی آنجا ماندید؟

ما در زیرزمین خانه ماندیم. شرایط خیلی سخت و سنگین شد و مرتب صدای تیراندازی بیشتر می‌شد. انگار خمپاره می‌زدند. صداهای مهیبی به گوش می‌رسید طوری که زمین می‌لرزید. بچه‌ها هم هیجان زده و وحشت زده بودند. دلداری‌شان می‌دادم و می‌گفتم نگران نباشید. چیزی نیست. زود تمام میشه. دوباره آقا محسن برگشت و از ما خواست همراهش برویم خانه یکی از همکارانش که امن‌تر بود. گفت: «اونجا تلفن هست و من راحت‌تر می‌تونم با شما ارتباط بگیرم و دسترسی بهتون داشته باشم. ضمن اینکه اینجا اصلاً امن نیست.» به هرصورتی که بود رفتیم خانه همکارشان ولی من هنوز حاج و واج بودم که چرا یکدفعه همه چیز خراب شد. چه اتفاقی افتاد. بیشتر هم نگران آقا محسن بودم.

و این نگرانی تا کی ادامه داشت؟

ما همچنان در خانه همکار آقا محسن بودیم که تماس گرفتند و گفتند آماده باشید هر زمان که آتش بس شد، باید منطقه را ترک کنید. مثل اینکه دستور سفیر بود. گفتند همه مدارک و وسایل‌تان را هم جمع کنید و با خودتان ببرید. مجبورا دوباره خودمان را به خانه‌مان رساندیم. برق نبود، آسانسور قطع بود. توی همان تاریکی و به هر سختی بود خودمان را از پله‌ها رساندیم بالا. تاریکی مطلق همه جا را گرفته بود، اجازه روشن کردن



چراغ قوه گوشی‌هایمان را هم نداشتیم. خمیده و دولا دولا، وسایل مان را جمع کردیم. تاکید کرده بودند جلوی پنجره‌ها هم نروید. کارمان که تمام شد رفتیم انتهای خانه و توی تاریکی‌ها منتظر ماندیم تا بیایند دنبال مان. هنوز صدای شلیک‌ها به گوش می‌رسید. درگیری‌ها هنوز آرام نشده بود. گفتند باید منتظر بمانید که صبح شود و ماشین‌ها بیایند دنبال تان. قرار بود ما را به سمت فرودگاه انتقال بدهند. آن شب را با هر انتظار و استرس و نگرانی بود گذرانیدیم.

آقای خزایی در مجموع چقدر سوریه بودند؟
تقریباً پنج سال و نیم.

ارتباط تان آن روزها به چه صورت بود؟
بیشتر از طریق تلفن. حداقل روزی، یکی دو بار به هم زنگ می‌زدیم. گاهی هم از طریق شبکه‌های مجازی. اوایل وایبر بود. بعد شد واتس‌آپ و بعد تلگرام. آمدنشان به ایران هم سالی یکی دو بار بیشتر نبود. آن هم برای مدت خیلی کوتاهی. خیلی می‌ماند یک هفته تا ده روز بود. آنقدر به آن فضا وابسته شده بود که می‌گفت دوری از آنجا برایم خیلی سخت است. می‌گفت دلتنگ حرم حضرت زینبم و دوست دارم زودتر برگردم. می‌گفت اگر شما نبودید، هیچ وقت از آنجا دل نمی‌کندم. چند سالی که از رفتنش به سوریه گذشته بود، خانواده، فامیل، خواهر و برادرهایشان مرتب می‌گفتند برگرد دیگه. تو زیاد بودی. فعالیت زیاد کردی. اگر بنا به حسب و وظیفه است، وظیفه‌ات را انجام دادی. برگرد و کنار زن و بچه‌ها باش. آقا محسن اما می‌گفت نه! ما زندگی مان، مال خودمان نیست، مال جهان اسلام است. حتی می‌گفت اگر من را به زور برگردانند، مرخصی بدون حقوق می‌گیرم، می‌مانم، اسلحه بر میدارم و کنار رزمندگان می‌جنگم.

حمله داعش

در همان روزهای اول حضورمان، گرفتار اولین حمله شهری داعش شده بودیم. لحظه آخر که قرار بود برویم پایین و سوار ماشین‌ها بشویم، رفته دم پنجره. نگاه کردم ببینم چه نگاه کردم ببینم چه خبر است. صحنه خیلی عجیبی بود. از یک طرف دود بلند می‌شد، از یک طرف شعله آتش. زمین پوشیده شده بود از پوکه‌های فشنگ. مثل برگ‌های پاییزی که روی زمین می‌ریزد، تا چشم کار می‌کرد پوکه‌های فشنگ روی زمین ریخته بود. اصلاً کف زمین دیده نمی‌شد. از هر گوشه‌ای یکی در حال دویدن بود. یکی بچه به بغل، یکی پا برهنه، یکی بقچه‌ای زیر بغلش گرفته بود. با یادآوری این صحنه‌ها هنوز بدنم می‌لرزد.

صحنه‌ای به یادتان مانده از آن اوضاع، که خیلی آزارتان دهد؟
ما متأسفانه در همان روزهای اول حضورمان، گرفتار اولین حمله شهری داعش شده بودیم. لحظه آخر که قرار بود برویم پایین و سوار ماشین‌ها بشویم، رفته دم پنجره. نگاه کردم ببینم چه خبر است. صحنه خیلی عجیبی بود. از یک طرف دود بلند می‌شد، از یک طرف شعله آتش. زمین پوشیده شده بود از پوکه‌های فشنگ. مثل برگ‌های پاییزی که روی زمین می‌ریزد، تا چشم کار می‌کرد پوکه‌های فشنگ روی زمین ریخته بود. اصلاً کف زمین دیده نمی‌شد. از هر گوشه‌ای یکی در حال دویدن بود. یکی بچه به بغل، یکی پا برهنه، یکی بقچه‌ای زیر بغلش گرفته بود. با یادآوری این صحنه‌ها هنوز بدنم می‌لرزد.

آقای خزایی ماند سوریه و شما رفتید!

آقا محسن ماند ولی کیس کامپیوترش را داد به من و گفتم: «هرطور هست با خودتان ببریدش، اطلاعات مهمی داخل آن است.» ما هم با چند ون که برای انتقال



گزارش زنده

هر وقت برایش مقدور بود ساعت پخش گزارش‌ها و ارتباط‌های زنده‌اش را به من اطلاع می‌داد. مثلاً می‌گفت فلان ساعت بنشین پای تلویزیون و گزارش من را ببین.

خبرنگار

تقریباً یک ماه قبل از شهادتش بود که خبرنگار واحد مرکزی خبر در سوریه شد. در آن ایام به خاطر فعالیت‌ها و مشغله زیادش، تماس‌هایم کمتر شده بود.

آخرین بار کی آقا محسن را دیدید؟

سال ۹۵ بود، به اتفاق زینب دوتایی رفتم سوریه. پسرها درس داشتند... حدود چهل و پنج روز سفرمان طول کشید. قرار بود آقا محسن هم با ما برگردد ایران اما به خاطر شرایط کاری‌اش نتوانست. گفت: «شما بروید من خودم می‌آیم». اما نیامد. نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده بود. خودش می‌گفت درگیری‌هایی پیش آمده که باید بمانم و تصویربرداری کنم.

بالاخره آمدند ایران؟

فکر می‌کنم توی ماه رمضان بود که آمد. نزدیک ایام شب قدر، طبق معمول با خودش یک سری بیرق‌هایی از حرم‌ها برای زیارت مردم آورده بود. می‌رفت توی مجالس و در رابطه با جنگ سوریه صحبت می‌کرد، نوحه‌خوانی می‌کرد و بیرق‌ها را هم برای تبرک در اختیار مردم می‌گذاشت. این دفعه اما حال و هوایش خیلی عجیب بود. اصلاً آرام و قرار نداشت. انگار توی این دنیا نبود. بهتر می‌گویم آن محسن همیشگی نبود. مرتب این پا و آن پا می‌کرد که زودتر برگردد سوریه. به یک هفته نکشید که برگشت. موقع رفتن به من گفت: «برای کاری باید بروم تهران. سر نمازهایت دعا کن اتفاقی که دلم می‌خواهد بیفتد، بیفتد.»

شما از آن اتفاق خبر داشتید؟

بله قرار بود مسئولیت واحد مرکزی خبر را به او بدهند. خودش خیلی دوست داشت این اتفاق بیفتد. میگفت دعا کن من بتوانم بروم خط مقدم و توی حلب گزارش تهیه کنم. که خدا را شکر دعاها مستجاب شد. شد خبرنگار واحد مرکزی خبر.

چقدر قبل از شهادتش این اتفاق افتاد؟

تقریباً یک ماه قبل از شهادتش بود که خبرنگار واحد مرکزی خبر در سوریه شد. در آن ایام به خاطر فعالیت‌ها و مشغله زیادش، تماس‌هایم کمتر شده بود و سعی می‌کرد بیشتر به کارهایش رسیدگی کند. هر وقت هم برایش مقدور بود ساعت پخش گزارش‌ها و ارتباط‌های زنده‌اش را به من اطلاع می‌داد. مثلاً می‌گفت فلان ساعت بنشین پای تلویزیون و گزارش من را ببین. حتی از من می‌خواست نظرم را نسبت به برنامه‌ها و گزارش‌هایش بگویم. دوست داشت نقدش کنیم. می‌گفت این کار باعث می‌شود خروجی کار من بهتر شود.

اینکه آقا محسن پایش به خط مقدم باز شده بود، شما را نگران‌تر نکرده بود؟

همان روزهای آخر، یک جمعه‌ای بود که آقا محسن طرف‌های ظهر با من تماس گرفت و البته تماس به سختی برقرار شد. چندباری قطع شد تا بالاخره روی خط آمد. خیلی با انرژی شروع به صحبت کرد. صدای توپ و تانک و گلوله هم به گوش می‌رسید. هاج و واج مانده بودم که

چطور توی این اوضاع جنگ، با این انرژی صحبت می‌کند. از طرف دیگر با شنیدن صدای انفجارها، اضطراب و نگرانی عجیبی به دلم افتاد. نگرانی‌ام را که بروز دادم، گفت: «نگاه کن شکوه و عظمت و اقتدار این مدافعین و رزمندگان رو. ببین که چه جور با رشادت مبارزه می‌کنند. دعا کن که موفق و پیروز شوند.» گفت: «من توی خط مقدم هستم، توی حلب.» گفتم که مراقب خودت باش. خندید و گفت: «بادمجون بم آفت نداره.» مجدد از من طلب دعا و عافیت برای رزمندگان کرد و گفت: «دعا کن این بچه‌ها به پیروزی دست پیدا کنند و با ظهور امام زمان در امنیت و آرامش کامل به خانه‌هایشان برگردند.»

از خبر شهادت‌شان بگویند که به شما رسید.

بیست و دوم آبان ۹۵ بود. مدتی بود احساس می‌کرد که آقا محسن قرار است برگردد. حس عجیبی داشتم. بر همین اساس و فکر و خیالی که داشتم، آن روز شروع کردم به مرتب کردن خانه و آماده کردن شرایط. از طرف دیگر قرار بود گزارش‌شان هم آن روز از تلویزیون پخش شود. از قبل اطلاع داده بودند که حواسمان باشد. طبق معمول آماده شدیم و رفتم جلوی تلویزیون. البته هنوز نیم ساعت مانده بود به ساعت پخش گزارش. در همین حین، زینب شروع کرد به بی‌قراری و بهانه گرفتن و اینکه می‌خواست برنامه کودک ببیند. نگاه کردم به ساعت دیدم زمان داریم تا پخش گزارش. همین شد که زدم روی کانال برنامه کودک تا زینب آرام شود. نمی‌دانم اما بعدش چه شد. یک لحظه احساس کردم که انگار در فضا معلقم. متوجه هیچ چیز از دور و اطرافم نبودم. تا به خودم آمدم دیدم زمان پخش گذشته و من نتوانستم گزارش را ببینم. خیلی از این اتفاق ناراحت شدم اما خب کاری نمی‌توانستم بکنم. ذهنم اما عجیب درگیر شده بود. اتفاقاً آن روز به خاطر کسالتی که داشتم نوبت دکتر گرفته بودم و به خواهرم سپرده بودم بیا باید پیش زینب تا من به کارم برسم. توی مطب دکتر بودم که متوجه تماس‌های مکرری از دوستانم قدیمی‌ام شدم. پشت سر هم تماس می‌گرفت و من نمی‌توانستم پاسخگوی او باشم. اما اول کن ماجرا نبود. نگران شدم که این همه تماس برای چه موضوعی می‌تواند باشد و آیا چه اتفاقی افتاده که تماس‌ها پشت سر هم ادامه دارد؟ رد تماس دادم و پیام دادم که بعداً با شما تماس می‌گیرم. دیدم دوباره زنگ زد و همچنان سمج. مجبور شدم از اتاق دکتر بزنم بیرون. زنگش زدم. با هیجان و ناراحت پرسید: «کجایی؟ تلویزیون روشن است؟» گفتم نه من خانه نیستم. چطور؟ گفت: «خبرداری چه اتفاقی افتاده؟» گفتم نه! چه اتفاقی؟ گفت: «تلویزیون زیرنویس کرده که خبرنگار واحد مرکزی خبر، محسن خزایی به شهادت رسید.» شنیدن این خبر برایم عجیب بود. اصلاً باور نکردم. خنده‌ام گرفت. گفتم شوخی می‌کنی. گفت: «نه به خدا! داره تصاویرشون پخش میشه. مرتب هم زیرنویس میشه.» گفتم بابا من دیشب با آقا محسن صحبت کردم. حالش خوب بود. حتماً اشتباهی شده. با خودم کلنجار می‌رفتم که این خبر را جدی بگیرم. اما

خدا را شکر دعاها مستجاب شد و او خبرنگار واحد مرکزی خبر شد



تابوت را گذاشتند کنار ما. روی صورتشان را باز کردند. من پایین پایشان نشسته بودم. نمیدانستم چطور به استقبال همسرم بروم. سرم را گذاشتم روی تابوت و شروع کردن قربان صدقه رفتن و تبریک شهادتش. گفتم خدا را شکر که به خواسته قلبی‌ات رسیدی. یک لحظه به خودم آمدم و گفتم بلند شو برو جلوتر ببینش. فرصت را از دست نده. رفتم بالای سرش و خودم را بین جمعیت جا دادم کنارش. چهره سرد و بی‌روحش در قاب چشمانم جا گرفت. آرام آرام، خوابیده بود و ظاهرش مثل قبل همان طور آراسته و مرتب بود؛ فقط یک زخم کوچک کنار ابرویش بود.



می‌کرد. یک دری بود توی معراج که نمایی از در خانه حضرت زهرا(س) بود. برای اینکه حواس زینب را پرت کنم، گفتم بابا قراره از این در بیاد. دوید سمت در و شروع کرد به هل دادن در و صدا کردن بابایش. در همین حین، تابوت آقا محسن با نوحه خوانی وارد معراج شد. تابوت را گذاشتند کنار ما. روی صورتشان را باز کردند. من پایین پایشان نشسته بودم. نمیدانستم چطور به استقبال همسرم بروم. سرم را گذاشتم روی تابوت و شروع کردم قربان صدقه رفتن و تبریک شهادتش. گفتم خدا را شکر که به خواسته قلبی‌ات رسیدی. یک لحظه به خودم آمدم و گفتم بلند شو برو جلوتر ببینش. فرصت را از دست نده. رفتم بالای سرش و خودم را بین جمعیت جا دادم کنارش. چهره سرد و بی‌روحش در قاب چشمانم جا گرفت. آرام آرام، خوابیده بود و ظاهرش مثل قبل همان طور آراسته و مرتب بود؛ فقط یک زخم کوچک کنار ابرویش بود. البته سرش هم ترکش خورده بود که من خبر نداشتم. خم شدم روی صورتش و با او خداحافظی کردم. سعی کردم بر خودم مسلط باشم. گفتم اینجا جای گریه و بی‌تابی نیست. بچه‌ها اما خیلی بی‌تابی و بی‌قراری می‌کردند. سعی کردم آنها را دل‌داری بدهم. به زینب گفتم بابا رفته پیش خدا و از آن بالا ما را می‌بیند. بابا نمی‌تواند بیاید پیش ما ولی ما یک روزی می‌رویم پیش او. گهگاهی بعد از آن روز می‌دیدم کنج اتاق گوشی را برمی‌دارد و تصاویر معراج شهدا را نگاه می‌کند و با خودش حرف می‌زند و بی‌قراری می‌کند، «بابایی کجایی، چرا نمی‌ای، بابایی دوستت دارم، دلم برات تنگ شده.»

اولین دیدار با آقا محسن
بعد از شهادتش در معراج
شهادی تهران

نمیدانم چه شد که یکهو لرزه به تنم افتاد. یک ندایی مرتب توی مغزم تکرار می‌شد که اگر این اتفاق افتاده باشه، من باید چکار کنم؟ حیران و سرگردان بودم اما سریع با اولین تاکسی توی خیابان خودم را به خانه رساندم. بدو بدو رفتم بالا و در را باز کردم. دیدم که خواهرم بهت زده جلوی تلویزیون ایستاده و دارد اشک می‌ریزد. یک آن چشمم به تلویزیون افتاد و تصاویر آقا محسن و زیرنویسی که خبر از شهادت می‌داد. با این حال باز هم نخواستم ببینم. سریع شروع کردم به شماره گرفتن آقا محسن. هرچه زنگ زدم، خط وصل نمی‌شد و بوق مشغولی می‌خورد یا عربی صحبت می‌کرد. انگار یک سطل آب سرد ریختند روی سرم. از آنجا دیگه پاهایم سست شد و به یقین رسیدم که همسرم به شهادت رسیده است. همین طور که بی‌تاب بودم، به خودم نهیب زدم که گریه و زاری پس است. شهادت آرزوی آقا محسن بود و برای رسیدن به آن همیشه تلاش می‌کرد. او از عمق وجودش دنبال شهادت بود. سعی کردم بر احوالم مسلط باشم و خودم را جمع و جور کنم.

اولین دیدار بعد از شهادت آقا محسن، کی و کجا بود؟
یک روز بعد از شهادت در معراج شهادی تهران.

روایت آخر روایت شما از روز وداع...

وقتی رسیدیم معراج، هنوز پیکر آقا محسن را نیاورده بودند. حال و هوای عجیبی بود. به زینب از قبل گفته بودیم می‌خواهیم برویم پیش بابا. برای همین تا رسیدیم آنجا، مرتب دنبال پدرش می‌گشت. همین‌طور یک ریز بابا بابا

پای صحبت غلامرضا سلیمی

از کوره‌های قوس الکتریکی تا معاونت بهره برداری

استادم می‌گفت «استیل، استیل نامبروان»



از جهات مختلف که به فولاد مبارکه نگاه کنید می‌بینید که هم یک کارخانه صنعت سازو است، هم انسان سازو کارشناس سازو در واقع یک دانشگاه به تمام معناست. اگرچه به خود انسان‌ها هم بستگی دارد اما زمینه برای یادگیری و خدمت در اینجا فراهم است

حضورش در فولاد مبارکه ۲۲ ساله شده است. جشن ۳۱ سالگی فولاد را دیده و خاطره خوشی از آن دارد. می‌گوید ۳۰ سالگی سن ورود به پختگی است، برای فولاد هم. فرازو فرودهای کار، او را خسته نکرده و همچنان با انگیزه و انرژی در اداره امور مشغول به کار است. با تجربه ۲۲ ساله از حضور در فولاد مبارکه، آینده روشنی برای این صنعت سازو و انسان ساز در ذهن دارد و امیدوار است که به زودی نام آن جهانی شود. غلامرضا سلیمی که اکنون معاون بهره برداری شرکت فولاد مبارکه است با ماهنامه هم خانواده گپ و گفتی صمیمانه داشته است که در ادامه می‌خوانید.

گفت و گو

مریم قمریان
خبرنگار



🕒 برای شروع، لطفا بفرمایید چه سالی وارد فولاد مبارکه شدید و تا امروز در چه بخش‌هایی مشغول به فعالیت بودید؟

سال ۱۳۸۰ طی فرآیند جذب نیرو در فولاد مبارکه، آزمون استخدامی را پشت سر گذاشتم و وارد شرکت شدم. ابتدا به عنوان کارشناس کارآموز در ناحیه فولادسازی و ریخته‌گری مداوم فعالیت کردم و پس از چندماه که دوره‌های آموزشی را طی کردم به عنوان کارشناس تولید کوره‌های قوس الکتریکی مشغول به خدمت شدم. نزدیک به ۱۰ سال کارشناس تولید و پس از آن حدود ۸ سال مسئول کوره‌های قوس الکتریکی بودم. سپس در واحد فولادسازی به عنوان مدیر تولید انتخاب شدم و بعد از آن به سمت مدیر ناحیه فولادسازی منصوب شدم. حدود ۲ سال و چند ماه نیز در این سمت مشغول به کار بودم و پس از آن مدیر ارشد فولادسازی شدم. در نهایت از اواسط سال گذشته نیز مسئولیت معاونت بهره برداری را برعهده دارم. احساس غرور می‌کنم و به نظرم همه کارکنان همین طور هستند. از جهات مختلف که به فولاد مبارکه نگاه کنید می‌بینید که هم یک کارخانه صنعت سازو است، هم انسان سازو کارشناس سازو در واقع یک دانشگاه به تمام معناست. اگرچه به خود انسان‌ها هم بستگی دارد اما زمینه برای یادگیری و فرهیختگی و خدمت در اینجا فراهم است. فکر می‌کنم همه کارکنان همین حس را داشته باشند. امیدوارم در مدتی که از خدمتم باقی مانده آنچنان که شایسته است به این کارخانه و کشورم خدمت کنم.

🕒 روز کاری یک مدیر فولاد مبارکه مانند خودتان را برابیمان روایت کنید.

به صورت کلی اگر بخواهم بگویم، باید به تصمیمات کلان اشاره کنم. تصمیمات کلان مربوط به آینده و حال فولاد مبارکه که در حوزه‌های مختلف تولید وجود دارد. این موارد باید بحث و در جمعی پخته شود و در نهایت روی میز مدیرعامل و هیات مدیره برای تایید نهایی قرار گیرد. عمده کار ما همین است. اما گستردگی کاری معاونت بهره برداری بالاست و تعداد نیروی انسانی زیادی دارد. دغدغه‌های زیادی در بحث نیروی انسانی، تولید و توسعه وجود دارد. اما فکر می‌کنم عمده بحث من این است که مسیر را برای نیروهای بهره‌بردار تسهیل کنم تا بتوانند از دانش و آموخته‌های خود بهتر استفاده کنند تا از دل آن تولید و ارزش خلق شود. اما اگر قصه‌اش را بخواهیم بگوییم همه چیز در آن هست. همین امروز (روز مصاحبه) که کار را شروع کردم، نخستین کارم با مواد اولیه بود. اینکه مواد اولیه با چه سمت و جهتی می‌آید و در چند روز گذشته وضعیت چطور بوده است؟ برای تابستان و زمستان امسال به چه شکل مواد اولیه باید وارد و ذخیره سازی شود و از این فرصت ماه‌های بدون محدودیت در حوزه گاز و برق، به چه شکل استفاده کنیم. در مرحله بعد روند تولید نواحی مختلف طی

کردیم و آن هم چنین پیامی به جامعه صنعتی کشور می‌دهد که می‌توانیم بخشی از واردات را خودمان پوشش دهیم و جلوی خروج ارز از کشور را بگیریم. خبر خوب در واحد بهره‌برداری زیاد بوده و به جامعه نشاط و امید داده است. فکر می‌کنم همین فولاد زنگ‌نزن بهترین آن بوده است.

🔗 اگر فولاد مبارکه را یک شهر تصور کنیم، این شهر را چگونه توصیف می‌کنید؟ ارکان این شهر چه چیزهایی هستند؟

دو نکته باید بگویم. مقداری وسیع‌تر نگاه کنیم. یک کشور را ببینید، در آن چه چیزهایی مهم است؟ به نظر من مردم مهم هستند. یک کشور منافع ملی را در اولویت قرار می‌دهد، تا مردم در رفاه باشند. هم کار باشد، هم رفاه و هم یک سری شاخص‌های مهم. فکر می‌کنم فولاد مبارکه این سمت و سو را دارد. اگر آن را فراتر از یک شهر ببینیم، یک ابرسازمان آن را تصور کنیم، در چشم انداز می‌گوییم یک شهروند مسئولیت‌پذیر هستیم. پس فولاد مبارکه یک ابرشهر یا ابرسازمانی است که خود را مسئول می‌داند. اگر قرار است این پارامترها در این ابرسازمان لحاظ شود چند نکته در آن مهم است. بحث اول، خود انسان‌ها هستند. سلامت جسمی و روانی آدم‌ها باید برای ما مهم باشد و برای آن برنامه داشته باشیم. همچنین برای آن‌ها آموزش بگذاریم، به فکر خانواده‌هایشان باشیم و آن‌ها را در موفقیت‌های سازمان سهیم کنیم.

در بحث دوم باید به یک سری مسائل بنیادین پرداخته شود. الان خوشبختانه در کشور ما مقداری توجه به مباحث محیط زیستی بیشتر شده اما هنوز پرزنگ نیست. در فولاد مبارکه به این موضوع به خوبی می‌پردازیم. پراکنش غبار و آلاینده‌گی خاک و هوا، بازیافت، اقتصاد چرخشی و آنچه با تولید همراه است مواردی است که سال‌ها درباره آن برنامه نبوده و حالا برای آن برنامه داریم.

همچنین به تامین منابع انرژی با کمترین خسارت به محیط زیست پرداخته شده است. می‌دانید که ما در تامین برق در کشور مشکل داریم، رسماً هم اعلام شده و از فولادسازان و صنایع خواسته شده تا خودتامینی را در دستور کار قرار دهند. فولاد مبارکه الان این کار را شروع کرده و پیش‌تاز است. افتتاح اولین نیروگاه سیکل ترکیبی این مسئله را به خوبی نشان می‌دهد. این نیروگاه نسبت به نیروگاه‌های موجود در کشور یک شش‌صدم، کمتر گاز CO₂ تولید و یک دویست و پنجاهم آب کمتری مصرف می‌کند. در کلاس اف قرار دارد و ۹۱۴ مگاوات برق با حداقل مصرف آب و حداقل تولید کربن تولید می‌کنند. آنچه در دنیا مورد بحث است و روی آن کار می‌شود گرین استیل است.

در بحث انرژی‌های پاک، استفاده از انرژی باد را در دستور

چند روز گذشته را بررسی کرده‌ام. همچنین از وقتی وارد اتاق کارم شدم چندین ارباب رجوع در زمینه پیمانکاری و غیر از آن داشته‌ام. به رغم اینکه خیلی از آن‌ها از قبل هماهنگ نشده بود اما درب اتاق من به روی پرسنل باز است. دوستان می‌توانند ببینند و موارد را مطرح کنند و اگر لازم باشد بعد از وقت، می‌مانم و بقیه کارها را انجام می‌دهم. فکر می‌کنم می‌شود قصه کار را روایت کرد اما عمده بحث مربوط به موضوعات کلان سازمان است.

🔗 مهمترین خبری که تا به حال در دوران کاری خود در فولاد مبارکه شنیدید، چه بوده است؟

باور بفرمایید! در این چند ساله از نام‌گذاری سال خیلی خوشحال شدم. سه یا چهار سال است که به نام تولید نام گذاری می‌شود. در ارگان‌های مختلف از استانداری تا وزارتخانه که برای پیگیری مباحث تامین مواد اولیه، انرژی و... می‌رویم می‌بینم که وقتی سال به عنوان تولید نام گذاری می‌شود جهت‌گیری کسانی که قرار است برای سازمان تصمیم بگیرند مطابق با این موضوع هست. به نوعی جهت‌گیری به صورتی است که به تولید کمک شود اگرچه خیلی اوقات نمی‌شود، بعضی هم آگاهانه کمک نمی‌کنند اما همین که سمت و سوی آن هست چند گام جلوتر هستیم.

🔗 و بهترین خبری که از طریق رسانه‌ها به مردم اعلام کردید چه بوده است؟

الحمدلله خبر خوب، زیاد به جامعه داده‌ایم که آخرین آن فکر می‌کنم تولید فولاد زنگ‌نزن بود. خود من واقعا از این اتفاقی که در فولاد مبارکه افتاد از صمیم قلب خوشحال هستم. این خبر خیلی معنی خوبی دارد. ببینید، تجهیزات ما برای تولید فولاد زنگ‌نزن نیست، خطوط ریخته‌گری ما، خطوط تولید فولاد منطبق با این موضوع نیست و از اول دیده نشده، اکنون در دنیا موضوع نیست و از اول دیده نشده، البته در دنیا هم اولین بار این محصول را با همین خطوط تولید کردند و سپس بر اساس آنچه تولید شد دیدند که این نیازها هست و خطوط را ارتقا دادند. ما اولین بار خودمان این مسیر را رفتیم، بدون کمک فنی و تجهیزاتی و مشاوره آن‌ها مسیر را رفتیم. این اتفاق دو معنی پرمغز دارد. یکی اینکه به تکنولوژی این تیپ فولادها دست پیدا کردیم و در واقع تکنولوگ شدیم. بحث دوم این است که دیگر می‌توانیم طیف وسیعی از فولادهای پرایاز را تولید کنیم. خیلی از گریدهای فولادی اکنون وارد کشور می‌شود اما می‌توانیم ادعا کنیم که توانایی تولید آن‌ها را داریم. من برای این کار یک تیم تشکیل داده‌ام. به نظرم آخرین خبر همین تولید فولاد زنگ‌نزن بود اگر چه در طول سال گذشته شاید هفت یا هشت مورد از این دست خبرهای تولید جدید را به جامعه عرضه کردیم. امسال نیز همین برنامه را داریم. زمانی که مدیر فولادسازی بودم، تختال ۳۰۰ را تولید

فولاد زنگ‌نزن

الحمدلله خبر خوب، زیاد به جامعه داده‌ایم که آخرین آن فکر می‌کنم تولید فولاد زنگ‌نزن بود. خود من واقعا از این اتفاقی که در فولاد مبارکه افتاد از صمیم قلب خوشحال هستم. این خبر خیلی معنی خوبی دارد

عمل نشد، اما تصمیم درست بود. باید به یک عددی به عنوان نیاز کشور در فولاد دست پیدا می‌کردیم. به جرأت می‌توانم بگویم تمام صنایع فولادی که بعد از فولاد مبارکه در کشور راه اندازی شد را بچه‌های فولاد مبارکه راه اندازی کردند.

اگر فولاد مبارکه نبود، این صنایع هم نبودند یا با هزینه بالای خارجی ایجاد می‌شدند. خود فولاد مبارکه وقتی که آغاز به کار کرد، تعدادی از پرسنل به مکزیک و ایتالیا رفتند و آموزش دیدند، پس از چند ماه آموزش به ایران آمدند و پس از چند ماه محصولات تولید کردند. فولاد مبارکه روندی طولانی را طی کرد. یادم هست که جشن یازده ذوب در روز را در هتل عباسی برگزار کردیم. ما هشت کوره داشتیم و به ۱۱ ذوب رسیدیم. صنایع فولادی که اکنون در کشور راه اندازی می‌شوند وقتی نصب و تجهیزا نشان تمام شد، آغاز به کار می‌کنند. اگر فولاد مبارکه نبود همه اینها نبودند.

فولاد مبارکه سراسر خیر و برکت برای کشور بود، گرچه همه سازمان‌ها یک سری تبعاتی دارند که می‌توان آن را مدیریت کرد یا از کنارش گذشت، فکر می‌کنم فولاد مبارکه آن را مدیریت کرد. به عنوان مثال در بحث زیست محیطی و پراکنش غبارها، زمانی که تکنولوژیک ما که ایتالیایی بود و اینجا را طراحی کرد، برنامه‌ای برای این موضوع نداشت چون آن موقع اصلاً مباحث زیست محیطی مهم نبود. اما در اولین فاز توسعه، فولاد مبارکه فن‌های مکش غبار را دو برابر کرد و در توسعه بعدی هودهای صنعتی بالاسر منبع تولید این غبارات ایجاد کرد و سال به سال آن را تکمیل‌تر می‌کند. امسال نیز یک پروژه سنگین ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد تومانی در بحث کنترل غبارها دارد. بنابراین این مسائل پیرامونی در حال مدیریت است.

در حوزه آب، در زمان استارت برای بهره‌برداری ۴۰ میلیون متر مکعب آب در سال حقایق داشتیم، تولید ما ۲۰۴ میلیون تن بود. امسال تولید ما ۷۰۲ میلیون تن یعنی سه برابر شده است اما برداشت آب ۱۴ میلیون متر مکعب است. یعنی تولید سه برابر شده و برداشت ما یک سوم شده است. در واقع ما مسائل پیرامونی را نیز مدیریت می‌کنیم. به هر حال فولاد مبارکه اگر اولین بنگاه اقتصادی بزرگ کشور نباشد، پس از نفتی‌ها که سرمایه ملی هستند دوم است. در واقع بنگاهی متعالی است و در تراز جهانی مطرح است.

فولاد مبارکه توانسته کشور را در رده دهم تولیدکنندگان فولاد قرار دهد. یعنی یک کارخانه فولاد مبارکه حدود ۳۵، ۳۴ درصد تولید کشور را صورت می‌دهد. اگر فولاد مبارکه را از این چرخه خارج کنیم در این رده‌ها قرار نخواهیم گرفت.

ظرفیت‌هایی که در کشور دارند شاید نزدیک به ۹۰ تا ۱۰۰ میلیون

کار داریم. در مرحله آغازین و تهیه اسناد این طرح هستیم. در مسئله آب نیز فولاد مبارکه زیاد کار کرده و چیزی حدود ۳۰ درصد از آب موردنیاز را از پساب‌های صنعتی تامین می‌کند و با خریداری پساب شهری آن را تصفیه می‌کند. به همین میزان درصد، نیاز خود را از بازچرخانی تامین می‌کند و برداشت خود را از رودخانه کاهش می‌دهد، تا دو سه سال آینده این برداشت به صفر خواهد رسید.

انتقال آب از دریای عمان به فلات مرکزی ایران به همت فولاد مبارکه در حال انجام است. اگرچه شرکت انجام دهنده، سهام‌داران دیگری دارد اما لیدر آن فولاد مبارکه است. این کار باید سال‌های پیش انجام می‌شد تا متضرر نشویم اما دغدغه مردم را نسبت به بحث آب حل می‌کند.

در یک شهر نیز همین است. رفاه مردم، زیرساخت‌ها، دسترسی‌ها، تامین نیازهای اولیه مثل آب و برق و گاز و تلفن و تفریح مهم است. در همان شهر بحث درآمدزایی و ایمنی نیز مهم است و اینجا نیز همین طور است. اگر فولاد مبارکه را با شهر مقایسه کنیم، این شرکت در مباحث مدیریت پایدار از جمله منابع انرژی، تولید، زیرساخت و منابع انسانی فراتر از یک شهر عمل کرده و می‌کند و حتی می‌توان گفت از کلانشهر هم شاید فراتر است.

🎯 اگر تصور کنیم که فولاد مبارکه نبود، چه اتفاقی برای کشور و صنعت آن رخ می‌داد؟ اصلاً می‌توان تصور کرد؟

بشر عصرهای مختلف را پشت سر گذاشته است. از کشاورزی و صنعت، امروز به انقلاب صنعتی چهارم و پنجم رسیده‌ایم. در حوزه ارتباطی، اکنون بحث ۴G و 5G نیز پشت سر گذاشته شده و به 6G رسیده‌ایم. اگر اینها نبود ما در همان دوران گذشته می‌ماندیم. فولاد مبارکه هم یک زمانی نبود، خیلی از صنایع پایین دستی فولاد مبارکه هم نبود. مثلاً خودروسازی یا نبود و اگر بود بیش از حد وابسته بود. شهرک‌های صنعتی اطراف هیچ کدام نبودند. خیلی از زیرساخت‌هایی که در جامعه می‌بینیم نبود. فولاد مبارکه در مباحث مسئولیت اجتماعی آن را تقبل کرده و منتی هم نیست.

فولاد مبارکه یک کارخانه صنعت ساز و انسان ساز است. اگر نبود خیلی از صنایع هم نبودند. صنایع خانگی، پروفیل و... می‌توانست وارداتی باشد یا اصلاً نباشد. در یکی از دولت‌ها تصمیم گرفتند صنایع فولادی هفت‌گانه را استارت بزنند و نصب و راه اندازی را در دستور کار قرار دهند که اکنون یکی یکی در حال به ثمر نشستن است. چند مورد آن به ثمر نشسته است. این یک سیاست در کشور برای افزایش تولید فولاد بود.

فولاد یک صنعت مادر است و به درستی تصمیم گرفته شد که افزایش پیدا کند، اگرچه در مسیر آن به نظرم خیلی خوب



در بحث انرژی‌های پاک، استفاده از انرژی باد را در دستور کار داریم. در مرحله آغازین و تهیه اسناد این طرح هستیم. در مسئله آب نیز فولاد مبارکه زیاد کار کرده و چیزی حدود ۳۰ درصد از آب موردنیاز را از پساب‌های صنعتی تامین می‌کند و با خریداری پساب شهری آن را تصفیه می‌کند

فولاد مبارکه توانسته کشور را در رده دهم تولیدکنندگان فولاد قرار دهد

درخشش جهانی

معتقدیم هر جا صحبت از فولاد مبارکه می‌شود ایران در ذهن همه تداعی شود. اکنون در دنیا چنین برندهایی داریم. برخی خودروسازها هستند که نام آن‌ها آنقدر برای مردم جهان شناخته شده است که شاید نام خود آن کشور شناخته شده نباشد. امیدواریم فولاد مبارکه در حد نام ایران در جهان بدرخشد. باید برون مرزی فکر کنیم. به صادرات و تولید گریدهای جدید فکر کنیم تا جهانی شویم



بودید چه اسمی برای این کتاب می‌گذاشتید؟
شاید کلمه فولاد بهترین کلمه باشد. اما شاید اسم آن را شکوه تولید فولاد می‌گذاشتم. یا افتخار تولید فولاد. یادم هست دانشجو که بودیم، می‌گفتند کامپوزیت‌هایی آمده که کم کم می‌خواهد جای فولاد را بگیرد. استاد ما می‌گفت «استیل، استیل نامبروان»، یعنی فولاد شماره یک است. به نظر من هنوز هم شماره یک است. اگرچه فولادی که آن زمان تولید می‌شد با اکنون متفاوت است. سعی شده در صنعت فولاد، در کنار بالا رفتن استحکام وزن پایین بیاید تا مقرون به صرفه باشد. بنابراین کلمه فولاد به نظر من باید در نام این کتاب باشد. شکوه تولید فولاد می‌تواند اسم خوبی باشد. یا روایت افتخارآفرینی فولاد مردان. اعتقاد من این است که آدم‌ها این کار را می‌کنند. شاید باید اشاره ای هم به آدم‌ها در این اسم کنیم.

فکر می‌کنید این کتاب چند صفحه شود؟

زمانی که در کوره‌های قوس، کارشناس تولید بودم شروع کردم به نوشتن یک کتاب. البته در عرصه کار خودم. ۲۰ صفحه هم نوشتم اما زمانی که رئیس قسمت شدم به علت حجم کار نتوانستم ادامه بدهم. اما این از آرزوهایی هست که دوست دارم یک روز آن را انجام بدهم. بستگی دارد چطور نوشته شود، می‌شود چند جلد

تن است که عموماً پلنت‌هایی که الان تولید و به بهره‌برداری رسیده با ۵۰ الی ۶۰ درصد ظرفیت فعالیت می‌کنند در حالی که فولاد مبارکه با ۱۰۰ درصد ظرفیت کار می‌کند و این، متوسط را بالا کشیده است.

اقدام فولاد مبارکه در واقع یک الگو است که عقبه‌ای داشته است. خیلی از کسانی که صنعت کشور به خصوص فولاد را می‌شناسند برای آن‌ها جایگاه این صنعت واضح است اما خود ما به این قانع نیستیم. معتقدیم هر جا صحبت از فولاد مبارکه می‌شود ایران در ذهن همه تداعی شود. اکنون در دنیا چنین برندهایی داریم.

برخی خودروسازها هستند که نام آن‌ها آنقدر برای مردم جهان شناخته شده است که شاید نام خود آن کشور شناخته شده نباشد. امیدواریم فولاد مبارکه در حد نام ایران در جهان بدرخشد. باید برون مرزی فکر کنیم. به صادرات و تولید گریدهای جدید فکر کنیم تا جهانی شویم.

اگر به شما بگویند فولاد مبارکه را در یک جمله تعریف کنید چه می‌گویید.

خیلی سخت است. در یک خط نمی‌گنجد. واقعا نمی‌شود.

اگر نویسنده کتاب فولاد مبارکه

امیدواریم فولاد مبارکه در حد نام ایران در جهان بدرخشد



کتاب ۳۰۰ تا ۴۰۰ صفحه‌ای برای فولاد مبارکه نوشت.

🎯 از جشن ۳۱ سالگی و دهه چهارم فعالیت فولاد مبارکه بگویید.

ما به فولاد مبارکه به عنوان یک موجود زنده نگاه می‌کنیم که یک مرحله از عمرش را طی کرده است. انسان یا هر موجود زنده مراحل خاصی در زندگی‌اش دارد و در هر سنی به یک بلوغ و پختگی خاصی می‌رسد. به نظر من سن‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ سالگی سن‌های مهمی هستند. ۳۰ سالگی سنی است که انسان وارد پختگی می‌شود، یعنی دیگر تصمیم‌های احساسی نمی‌گیرد، فولاد مبارکه از این سن گذر کرده و جشن ۳۱ سالگی خود را هم گرفته است، ۴۰ سالگی سنی است که آدم‌ها برای فرد مهم نیستند، از تشخیص خود مطمئن است. ۵۰ سالگی سنی است که باید یک سری چیزها را کنترل و مسیری را خلق کند و بیشتر مراقب خود باشد. موجود زنده‌ای مانند فولاد این سن‌ها برایش مهم است.

اکنون در بهترین دوران فولاد هستیم و چند سال دیگر به قله رشد می‌رسیم. اکنون با کوله‌باری از تجربه و دانش فراوان یک سازمان متعالی و مترقی شده‌ایم، دیگر احساسی تصمیم نمی‌گیریم، جای خود را در صنعت کشور و جهان باز کرده‌ایم. امیدوارم جشن ۴۰ سالگی را هم بگیریم. پیامی که گذشت سه دهه فعالیت به ما می‌دهد این است که از عزیزانی که از ابتدای راه اندازی بودند و در یک بیابان چنین سازمانی را به اینجا رساندند و به دست ما دادند، یادی شد. سخت بود از آن طرف دنیا یک سری تجهیزات را به یک بیابان بیاورند و تولید را شروع کنند.

🎯 اگر خاطره‌ای از دوران کاری خود دارید برای ما تعریف کنید.

مثل خیلی از بچه‌هایی که متأسفانه قصد رفتن دارند من هم در همین فضا بودم. حتی دانشگاه را هم پیدا کرده بودم تا بروم. دانشگاه کوئینزلند استرالیا. رفتن آن زمان برای کسانی که در فضای دانشگاهی بودند باب بود. با خودم کلنجار رفتم و نتوانستم خودم را به رفتن متقاعد کنم. گفتم اگر همه برویم چه کسی می‌ماند. خاطرات کاری هم زیاد است. حوادث داشتیم و تصمیم‌گیری‌ها. اما تختال ۳۰۰ برای من خاطره خوبی شد. همچنین پروژه گوره به جاسک خاطره خوبی شد. خود من مدیر پروژه بودم.

🎯 اگر بخواهید از واحد بهره‌برداری درجایی دیگر از فولاد مبارکه خدمت کنید، چه بخشی را انتخاب می‌کنید؟

در سطح معاونت نمی‌توان فقط درگیر خود شویم، درگیر همه مباحث می‌شویم. فرقی نمی‌کند، هر جایی باشم مشکلی ندارم. اما برخی قسمت‌ها تخصص خود را می‌خواهد،



منحنی رشد

سازمان‌ها همه یک منحنی رشد دارند که این منحنی یک جایی متوقف می‌شود. آنجا باید بازنگری کنند تا منحنی رشد جدید تعریف کنند و اجازه ندهند منحنی رشد سازمان سرازیر شود

۳۱ سالگی

پیامی که این ۳۱ سالگی به ما می‌دهد این است که عزیزانی که از ابتدای راه اندازی بودند و در یک بیابان چنین سازمانی را به اینجا رساندند و به دست ما دادند، یادی شد

مانند نیروی انسانی و مالی. اما در هر کدام از معاونت‌ها اگر قرار است جابجایی صورت گیرد می‌تواند موفقیت به دنبال داشته باشد. فکر می‌کنم معاونت خرید با معاونت بهره‌برداری نزدیک و آشناست. همچنین در حوزه نیروی انسانی می‌توان رفت. حوزه تکنولوژی نیز همین طور. مباحث تکنولوژی مانند تضمین کیفیت و چنین تیپ کارهایی هم شدنی است. در واقع همه معاونت‌ها را همه می‌توانند پوشش بدهند، اما به روحیه انسان‌ها هم وابسته است. البته من خودم از ابتدا سایت‌رو بودم، مرتب به سایت‌ها سر می‌زدم و با افراد ارتباط می‌گرفتم. در واقع آدمی تولیدی هستم. همیشه در جلسات می‌گویم، خط قرمز من تولید است. تولید در رأس امور است و هیچ چیز نمی‌تواند مانع تولید شود. همه چیز را باید فدای تولید کنیم.

🎯 صحبت شما با خانواده فولاد مبارکه چیست؟

باید قدر نیروی انسانی فولاد مبارکه را بدانیم. همیشه در جلسات بحث چالش‌های سازمان را مطرح می‌کنیم و می‌گوییم آینده چه می‌خواهد بشود و برای زیرساخت‌ها چه برنامه‌های داریم. معتقدم تمام برنامه‌های

باید قدر نیروی انسانی فولاد مبارکه را بدانیم



زمانی فولاد مبارکه در کشور رقیب نداشت اما اکنون رقبایی هستند که عمر خطوط پایینی دارند و تکنولوژی به روز دارند. اینها رقبای جدی ما هستند. باید برنامه داشته باشیم که با این رقبا چه کنیم. قیمت تمام شده محصولات را باید پایین بیاوریم، توسعه تکنولوژی باید صورت گیرد، باید چابک باشیم و سریع تصمیم بگیریم



خط به مشکل برمی خورد باید آن را حل می کردیم، نمی شد بگوییم برویم و صبح بیایم، شب باید می ماندیم، پنجشنبه و جمعه، عید و عاشورا برای ما فرقی نداشت. الان در خط تولید و تعمیرات همین طور است. حتی قسمت های ستادی نیز همین طور است، باید پیگیری کنند و وقت بگذارند. وقتی فرد از خانواده دور است، خانواده هم باید حامی او باشد. همین جا از خانواده کارکنان فولاد مبارکه تشکر می کنم که حامی کارکنان هستند. بنابراین دست همه همکاران خود را به خاطر کار بزرگی که انجام می دهند می بوسم، امیدوارم قدر این حمایت را بدانیم و برای خانواده ها و شادی و توسعه و رفاه آن ها برنامه داشته باشیم.

🎯 و صحبت پایانی

فولاد مبارکه امانتی در دست ماست که امیدواریم امانت دار خوبی باشیم و تحویل بعدی ها بدهیم. این سازمان متعالی است و امیدواریم متعالی بماند و در سطح جهان بدرخشد. این رسالت ماست و باید با کار گروهی آن را محقق کنیم. این شعار نیست و باید آن را انجام بدهیم.

آینده ما را قرار است همین آدم ها انجام بدهند. اگر اسمش را چالش بگذاریم، بزرگ ترین چالش ما نیروی انسانی است. چه برنامه ای برای آن ها داریم؟ چه آموزش هایی داریم؟ برای نگهداشت و انگیزش و توسعه آن ها باید برنامه داشته باشیم. به واقع سرمایه انسانی را در عمل به سرمایه تبدیل کنیم. آن وقت اینها چالش ها را حل می کنند، در حوزه منابع انرژی، زیرساخت ها، آینده فولاد، رقبا و... مهم است که برای آدم ها برنامه داشته باشیم. درست است که این رسالت واحد آموزش است اما یک کار گروهی به شمار می رود.

زمانی فولاد مبارکه در کشور رقیب نداشت اما اکنون رقبایی هستند که عمر خطوط پایینی دارند و تکنولوژی به روز دارند. اینها رقبای جدی ما هستند. باید برنامه داشته باشیم که با این رقبا چه کنیم. قیمت تمام شده محصولات را باید پایین بیاوریم، توسعه تکنولوژی باید صورت گیرد، باید چابک باشیم و سریع تصمیم بگیریم. من این چابکی را در مجموعه نمی بینم و به همکاران توصیه می کنم.

خانواده ها حامی ما در اینجا هستند. خود من از کف کارگاه آمده ام. زمانی بوده که چند شبانه روز اینجا بوده ام. وقتی

فولاد مبارکه امانتی در دست ماست که امیدواریم امانت دار خوبی باشیم

به من میگن اسطوره

کلید آقا مسعود هر قفلی را باز می‌کند!

مسعود نصحی از اواخر دهه ۷۰ تا به امروز در فولاد مبارکه رفت و آمد می‌کند برای انجام یک کار خاص؛ قفل‌سازی. خودش می‌گوید اوایل که به این شرکت آمده کارش چیز دیگری بوده و قفل‌سازی را همین‌جا در فولاد مبارکه یاد گرفته است. آقای نصحی که دوستانش او را اسطوره صدا می‌زنند حالا قفل‌سازی تخصص اصلی اش به حساب می‌آید و هر قفلی را باز می‌کند حتی اگر قرار باشد آن را خرد کند! او که خود را همسایه فولاد مبارکه معرفی می‌کند و با موتور سیکلت همیشه پارک شده اش دم درب شرکت به محل حادثه می‌رود با ماهنامه هم خانواده گفت و گویی داشته است که در ادامه می‌خوانید.

گفت و گو

مینا عباسپور
خبرنگار

🗨 در باره سختی‌های کارتان صحبت کنید.

من از صبح زود تا آخر وقت در فولاد مبارکه هستم و در مواقع اضطراری باید خودم را سریع برسانم چون قطعاً کسی پشت درب مانده یا مواردی مانند این، که باید حل شود. به ویژه در ساختمان‌های اداری از این موارد اضطراری زیاد پیش می‌آید، به خاطر همین است که تا تماس می‌گیرند باید خودم را زود برسانم، همسایه فولاد مبارکه شده‌ام و حتی یک موتورسیکلت جلوی درب مجموعه گذاشته‌ام و زمانی که با ماشین به سمت محل کار حرکت می‌کنم، خودم را ۵ دقیقه‌ای می‌رسانم و از آنجا سوار موتور می‌شوم که هرچه زودتر در محل مورد نیاز حاضر شوم.

🗨 آیا به شما لقب خاصی هم در فولاد مبارکه داده‌اند؟

نه واقعاً لقب خاصی ندارم، اما گاهی دوستان به من می‌گویند اسطوره (با خنده)

🗨 حساب قفل‌هایی که در فولاد مبارکه باز کرده‌اید، دستتان هست؟

در این مدتی که در فولاد مبارکه کار کرده‌ام باید بگویم بی‌نهایت قفل باز کرده و ساخته‌ام. راستش را بخواهید حساب کتاب دقیقش را ندارم؛ اما این را می‌توانم بگویم که هر قفلی را به من داده‌اند باز کرده‌ام و اگر هم زورم نرسیده آن را خرد کرده‌ام چون نمی‌شود بگذارم کسی پشت درب بماند و باید مشکل را حل کنم.

🗨 قفل‌ها را چگونه باز می‌کنید، رازی دارد؟

مثل دزدها در فیلم‌های سینمایی! (با خنده). برای این کار سیم مخصوصی دارم که با استفاده از آن قفل را باز می‌کنم البته نتیجه کار من فرق می‌کند و وقتی قفلی را باز می‌کنم خودم احساس رضایت و خوشنودی دارم چون گره یک مشکل باز می‌شود.

🗨 از دوران فعالیت‌تان در فولاد مبارکه بگویید.

سال ۷۸ بود که به صورت پیمانکاری در شرکت فولاد مبارکه مشغول به فعالیت شدم. ماجرا این‌جور بود که به صورت شرکتی و پیمانکاری برای نصب درب و پنجره آلومینیومی به اینجا می‌آمدم و کم‌کم در یکی از شرکت‌ها دستم بند کار شد و تاکنون در حال فعالیت هستم.

🗨 شما دقیقاً در فولاد مبارکه چه کاری انجام می‌دهید؟

کار من قفل‌سازی، شیشه‌بری و تزئینات است که شامل پرده‌های عمودی، کرکره، زبرا و پارچه‌ای و غیره می‌شود. اوایل که وارد فولاد مبارکه شدم کارم آلومینیوم‌سازی و ساختن سقف کاذب بود. من قفل‌سازی را در خود فولاد مبارکه یاد گرفتم و حالا بیشترین کاری که انجام می‌دهم مربوط به باز و بسته کردن قفل‌هاست و تخصص اصلی من محسوب می‌شود.

🗨 کار شما بیشتر با کدام قسمت‌های فولاد مبارکه مرتبط است؟

کار من از اتاق مدیرعامل شروع می‌شود و تا پایین‌ترین بخش‌های مجموعه ادامه دارد و بیشتر محدود به ساختمان‌های اداری است، در واقع هر جا قفلی باشد که خراب شده است من آنجا هستم و مشکل را حل می‌کنم.



هر قفلی را به من داده‌اند باز کرده‌ام و اگر هم زورم نرسیده آن را خرد کرده‌ام چون نمی‌شود بگذارم کسی پشت درب بماند و باید مشکل را حل کنم



الگوریتم فرا ابتکاری و کمک به حل مسائل دنیای صنعت

ابداع الگوریتم طلا

کامران زلفی کارشناس امور کارکنان شرکت فولاد مبارکه که سابقه ۱۰ سال حضور در فولاد مبارکه را دارد با مدرک تحصیلی کارشناسی کامپیوتر و کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، موفق به چاپ مقاله علمی پژوهشی خود در ژورنالی از کشور لهستان شده است. او که پیش از این نیز دو مقاله ISI دیگر در ژورنال‌های خارج از کشور از جمله کانادا و بریتانیا ثبت کرده، در گفت و گو با ماهنامه هم خانواده از مقاله جدیدش برای ما گفته است. این گفتگو را در ادامه می‌خوانید.



الگوریتم من از واقعه تاریخی هجوم برای کشف طلا گرفته شده است و به تلاش مردم برای یافتن طلا در زمان‌های بسیار دور اشاره دارد

برای ثابت کردن اینکه الگوریتم من بهتر است آن را در کنار ۲۹ مسئله ریاضی که بقیه از آن استفاده می‌کردند قرار دادم و با ۱۲ الگوریتم دنیا مقایسه کردم. با تحلیل داده‌های آماری مشخص شد الگوریتم من پاسخ‌های بهتری تولید می‌کند. خارج از مسائل تئوریک و در دنیای واقعی نیز الگوریتم خود را با ۳ مسئله برتر دنیا مقایسه کردم، باز هم در نتیجه الگوریتم من پاسخ بهتری تولید کرد.

از سختی‌های دوران نوشتن مقاله برایمان بگویید.

این مقاله را از صفر تا صد به تنهایی نوشتم و شاید اگر دست تنها نبودم می‌توانستم مدت‌زمانی کمتری آن را تهیه و چاپ کنم؛ اما مجبور بودم از ساعات تفریح کم کنم و پس از بازگشتن از کارخانه تا نیمه‌های شب مشغول به کار روی مقاله باشم. به عنوان مثال در زمانی که داده‌های آماری مسئله‌ها امتحان و بررسی می‌کردم به مدت دو ماه لپ‌تاپم را خاموش نکردم. تمام این زحمات را به جان خریدم چرا که دوست داشتم مقاله در سطح بالاتر و با کیفیت بهتری انجام شود.

درباره مقاله جدیدی که به چاپ رسانده اید صحبت کنید.

مقاله ای که اخیراً موفق به چاپ آن در ژورنالی از کشور لهستان شده ام در واقع سومین مقاله ISI من هست و پیش از این نیز دو مقاله دیگر در ژورنال‌های خارجی ثبت کرده بودم. مقاله سوم من با عنوان بهینه‌سازی تب طلا (به اختصار GRO) با الهام از واقعه تاریخی تب طلا به الگوریتم‌های فرا ابتکاری دست یافته است که برای یافتن یک راه‌حل مناسب در حل مسائل مهندسی و مدل‌های ریاضی پیچیده به کار می‌روند.

چه ارتباطی میان الگوریتم‌های فرا ابتکاری و دنیای صنعت وجود دارد؟

این الگوریتم‌ها معمولاً از پدیده‌های طبیعی، قوانین فیزیک، شیمی یا رخداد‌های تاریخی الهام گرفته شده‌اند و استفاده از آن کمک می‌کند تا در دنیای صنعت مسائل را با کمترین هزینه و بیشترین سود حل کنیم. چرا که پیچیدگی متغیرهای زندگی امروز گاهی با ابرکامپیوترها نیز قابل حل نیست؛ اما الگوریتم‌های فرا ابتکاری یا فرا اکتشافی جواب مسئله را پیدا کرده و تا حد ممکن به پاسخ بهینه نزدیک است.

الگوریتم فرا ابتکاری را چگونه توصیف می‌کنید؟

الگوریتم من از واقعه تاریخی هجوم برای کشف طلا گرفته شده است و به تلاش مردم برای یافتن طلا در زمان‌های بسیار دور اشاره دارد؛ در واقع مشابه با این موضوع است که مردم تمایل زیادی برای کشف میزان بالاتری از طلای داشتند که همان به دست آوردن سود بیشتر را مطرح می‌کند. تعمیم آن به مسائل مهندسی و استفاده از روابط ریاضی برای من منجر به ابداع الگوریتم جدیدی شد که آن را در این مقاله ارائه دادم.

ابداع جدید شما چه ویژگی‌های دارد؟



روایت محسن ستاری از فعالیت های محیط زیستی در فولاد مبارکه

فعالیت های محیط زیستی فولاد مبارکه یک رسالت اجتماعی است

محسن ستاری با سابقه ۱۵ سال فعالیت در بخش محیط زیست فولاد مبارکه و همچنین خدمت در واحدهای انرژی و سیالات و بخش آب و پساب این شرکت، فعالیت های محیط زیستی فولاد مبارکه را از گذشته تا به امروز روایت کرده است که در این بخش از ماهنامه هم خانواده می خوانید.



نگاه مدیران گذشته و کنونی فولاد مبارکه همواره به روندهای جهانی بوده است، بنابراین با همین نگاه و رویکرد برای پنج سال و ده سال آینده شرکت فکر می کنند. یکی از این موارد توجه به تغییرات اقلیمی و کاهش منابع آبی در دسترس است.



مبارکه در سالیان اخیر پیرامون همین شرایط و بررسی فرصت ها و تهدیدها و آینده نگری در حوزه آب بوده است.

نگاه مدیران گذشته و کنونی فولاد مبارکه همواره به روندهای جهانی بوده است، بنابراین با همین نگاه و رویکرد برای

فولاد مبارکه و بررسی فرصت ها و تهدیدها و آینده نگری در حوزه آب

نگاه مدیران فولاد مبارکه به روندهای جهانی در سال های اخیر، آب و استفاده مجدد از پساب نسبت به گذشته مورد تاکید بوده و اهمیت مصرف بهینه و کاهش برداشت آب از منابع خام در دسترس و بازیافت پساب بیش از گذشته اهمیت دارد. بنابراین یکی از سیاست های فولاد

اقدام فولاد مبارکه در زمینه راه اندازی سیستم پساب شهری یک بازی برد-برد برای جامعه و صنعت بود

۱۳۹۰

حدود سال ۱۳۹۰، شرکت فولاد مبارکه با وزارت نیرو وارد مذاکره شد. شهرهای اطراف فولاد مبارکه فاقد سیستم هدایت فاضلاب بودند که شرکت، احداث این شبکه فاضلاب و تقویت سیستم تصفیه پساب شهری را برعهده گرفت

۱۳۹۳

در سال ۹۳ تا ۹۶ تصفیه خانه‌های واحد نورد سرد احداث شد و بخشی از پساب به بخش تصفیه مجدد وارد شد

۱۳۷۶

فولاد مبارکه اولین نظام مدیریت زیست محیطی یا ایزو ۱۴۰۰۰ را در سال ۱۳۷۶ مستقر کرد و تمام رفتارهایی که این شرکت در حوزه محیط زیست انجام می‌دهد بر همین اساس است

هزار متر مکعب بر ساعت سیستم آلترافیلتریشن را داریم و ۳ هزار متر مکعب بر ساعت سیستم ریورس اسموز را داریم که از سیستم‌های مدرن است. در همین راستا با حمایت دانش بنیان‌ها سیستم آلترافیلتریشن در حال توسعه است. حمایت مالی از دانشگاه‌ها و موسسات دانش بنیان کردیم تا این دانش را بومی سازی کرده و وابستگی خود را کم کنیم و حتی زمینه ساز صادرات خدمات مهندسی شویم.

فولاد مبارکه الگویی برای سایر شرکت‌ها

در بخش بازیابی و استفاده مجدد از پساب، فولاد مبارکه الگویی برای سایر شرکت‌ها شده است. پس از آن ذوب‌آهن و پالایشگاه با همین سبک وارد مذاکره با وزارت نیرو شدند و اقدامات مشابه در استان مرکزی و برخی استان‌های جنوبی در حال انجام است.

اولین نظام مدیریت زیست محیطی در فولاد مبارکه

فولاد مبارکه اولین نظام مدیریت زیست محیطی یا ایزو ۱۴۰۰۰ را در سال ۱۳۷۶ مستقر کرد و تمام رفتارهایی که این شرکت در حوزه محیط زیست انجام می‌دهد بر همین اساس است. این سیستم سالانه یک گزارش مدیریت تحت عنوان نظام مدیریت زیست محیطی به مدیریت ارشد سازمان ارائه می‌کند که در آن چالش‌ها، موفقیت‌ها، روندها و مسائل زیست محیطی جهان ارائه می‌شود.

شاه کلید فولاد مبارکه؛ افزایش تولید، کاهش مصرف آب

شاخص مصرف ویژه آب به معنی مصرف بر حسب متر مکعب به ازای یک تن تولید فولاد است. در ابتدای راه اندازی فولاد مبارکه بنا بر این بود که ۴۰ میلیون متر مکعب آب برای ۲۰۴ میلیون تن ورق فولادی مصرف شود. اگر تقسیم شود یعنی به ازای یک تن فولاد ۱۶.۵ متر مکعب آب نیاز داشتیم. الان ۷.۵ میلیون تن تولید داریم و ۲۰ میلیون متر مکعب کل مصرف آب فولاد مبارکه در طول سال است. با تقسیم این عدد به ۲۰۲ متر مکعب می‌رسیم. یعنی شاخص مصرف ویژه آب در ابتدای راه اندازی از ۱۶.۵ به ۲۰۲ متر مکعب رسیده و این شاه کلید فولاد مبارکه بوده که توانسته با سیستم‌های بازچرخابی، تصفیه مجدد و به خدمت گیری پساب شهری، به رغم افزایش تولید کاهش مصرف آب داشته باشد.

فولاد مبارکه و انرژی‌های پاک

با توجه به کلان‌روندها یکی از مباحث مطرح در دنیا تولید فولادهای کم کربن است. یعنی بتوانیم از سوخت فسیلی کمتری برای تامین انرژی استفاده

پنج سال و ده سال آینده شرکت فکر می‌کنند. یکی از این موارد توجه به تغییرات اقلیمی و کاهش منابع آبی در دسترس است. ما در گذشته می‌توانستیم به سراغ منابعی برویم که خیلی قابل استفاده نبودند تا آن را جایگزین منابع آبی کنونی کنیم، پساب شهری از جمله این منابع بود.

یکی از مدرن‌ترین سیستم‌های پساب شهری

حدود سال ۱۳۹۰، شرکت فولاد مبارکه با وزارت نیرو وارد مذاکره شد. شهرهای اطراف فولاد مبارکه فاقد سیستم هدایت فاضلاب بودند که شرکت، احداث این شبکه فاضلاب و تقویت سیستم تصفیه پساب شهری را برعهده گرفت. همچنین سیستم‌های تصفیه پساب فولاد مبارکه که قبلاً با هدف کاهش و کنترل آلودگی طراحی شده بودند بهینه شدند و تصفیه خانه‌ها نیز از نظر کیفی و کمی توسعه یافتند. براساس این سیستم پسابی که تصفیه اولیه یا بیولوژیک می‌شود به فولاد می‌آید و آنجا تصفیه فیزیکی شیمیایی تکمیل می‌شود و فرآیند فیلتراسیون روی آن صورت می‌گیرد و به حد کیفیتی می‌رسد که برای مصارف صنعتی قابل استفاده خواهد بود. اکنون به جرأت می‌توان گفت یکی از مدرن‌ترین سیستم‌های پساب شهری را فولاد مبارکه احداث کرده و اگر این اقدام صورت نمی‌گرفت، با توجه به خشکسالی‌های اخیر، تولید فولاد مبارکه متوقف می‌شد یا کاهش پیدا می‌کرد.

بازی برد-برد برای جامعه و صنعت

این مسئله، نیاز فولاد مبارکه نبود بلکه یک رسالت اجتماعی بود که برای مردم منطقه منفعت داشت، زیرا وزارت نیرو امکان مالی انجام این اقدام را نداشت و مردم منطقه از مضرات وضعیت گذشته، رنج می‌بردند، دچار بیماری‌های انگلی بودند و آلودگی بهداشتی در زنجیره غذایی آن‌ها وارد می‌شد. فولاد مبارکه در این زمینه اقدام کرد که نتیجه آن یک بازی برد-برد برای جامعه و صنعت بود. از زمان راه اندازی این شبکه ما به ازای این پساب، از آب خامی که فولاد مبارکه قبلاً استفاده می‌کرده کاهش یافته و این موضوع سبب پایداری آب برای بخش شرب و کشاورزی شده است.

کیفی سازی فرآیند تصفیه پذیری

در سال ۹۳ تا ۹۶ تصفیه خانه‌های واحد نورد سرد احداث شد و بخشی از پساب به بخش تصفیه مجدد وارد شد. ظرفیت تصفیه خانه صنعتی و تصفیه خانه کارکنان دو برابر شد و با توسعه کمی لازم، از سال ۹۶ به بعد فرآیند تصفیه‌پذیری به سمت کیفی سازی رفت. بر این مبنا سیستم‌های غشایی تهیه و راه اندازی شدند و امروز در پساب بهداشتی حدود یک



شاه‌کلید

در بخش باغبانی و استفاده مجدد از پساب، فولاد مبارکه الگویی برای سایر شرکت‌ها شده است

۲۰٪

فولاد مبارکه بر مبنای حرکت به سمت تولید فولاد کم‌کربن استراتژی خاصی دارد بر این اساس که باید بتواند تا ۲۰ درصد از انرژی الکتریکی خود را از طریق انرژی خورشیدی دنبال کند

با ارتقا نیروگاه‌ها با سیکل ترکیبی بهبود پیدا می‌کند و هم سهم انرژی‌های پاک به سمت پیشرفت می‌رود.

توجه به چالش‌های زمستانی

در بخش گاز با توجه به چالش‌هایی که در زمستان داریم، در مذاکره‌ای با وزارت نفت، قرار هست در استحصال گاز از میادین گازی مشارکت مالی داشته باشیم تا بخش گاز مورد نیاز خود را تامین کنیم. در بخش تولید کیفی و آب‌های صنعتی نیز متناسب با نیازهای واحدهای فرآیندی گام برمی‌داریم.

خوداظهاری در خصوص انتشار گاز گلخانه‌ای

از سال ۲۰۱۵ با انجمن جهانی فولاد وارد مذاکره شدیم و خوداظهاری را در خصوص انتشار گاز گلخانه‌ای اعلام کردیم. اندازه

یکی از مباحث مطرح در دنیا تولید فولادهای کم‌کربن است

کنیم، از انرژی‌های پاک مانند باد و خورشید استفاده کنیم. کشور ما ظرفیت خوبی برای استفاده از این نوع انرژی دارد. فولاد بر مبنای حرکت به سمت تولید فولاد کم‌کربن استراتژی خاصی دارد بر این اساس که باید بتواند تا ۲۰ درصد از انرژی الکتریکی خود را از طریق انرژی خورشیدی دنبال کند.

در همین راستا شرکت، اقدام به مکان‌یابی سایت‌های مناسب برای احداث مدل‌های خورشیدی کرده و با شرکت‌های متعددی وارد مذاکره شده است. شرکتی ایجاد شده که مدیریت این بخش از قصبه را برعهده بگیرد و در نظر هست در اولین گام ۵۰۰ مگاوات و در گام دوم تا ۱۰۰۰ مگاوات انرژی مورد نیاز خود را از طریق خورشید تامین کند. علاوه بر این نیروگاه سیکل ترکیبی داریم یعنی نیروگاه‌های قدیمی در حال ارتقا به نسل جدید هستند و به همین ترتیب هم سهم انرژی خورشیدی



اکنون صحبت می‌شود که فولاد مبارکه را به جای دیگر منتقل کنیم که کاری غیرممکن، غیرعلمی و غیرواقع بینانه است.

چندین هزار تن فونداسیون در محل زیرساخت شده، خطوط زیرزمینی، خطوط مواصلاتی، تامین یوتیلیتی، منابع برق و آب و گاز چیزی نیست که به راحتی بُن‌کن شده و در جای دیگر نصب شود

بوده با این طرح ادغام می‌شود و برای جلوگیری از تخریب و انفجار ناشی از حملات هوایی دشمن تصمیم گرفته می‌شود این طرح در اصفهان اجرا شود. دسترسی به منابع انسانی ماهر و با تفکر صنعتی، فرهنگ کار صنعتی در منطقه، دسترسی به خطوط ارتباطی و مواصلاتی استاندارد، دسترسی به مواد اولیه و بازارهای محصول با توجه به جایگاه اصفهان در مرکز کشور، حضور در یک حاشیه امن نسبت به مرزها برای محافظت از کارخانه و ملاحظات اکولوژیکی از مهمترین شاخص‌هایی است که براساس آن فولاد مبارکه در منطقه اصفهان ایجاد شده است. در زمان احداث، با توجه به جمع این ملاحظات، ایجاد کارخانه در این منطقه اقدام نادرستی نبوده است. در آن زمان جریان دائمی آب برقرار بوده، کشاورزی سهم خود را داشته، آب شرب همین طور و نگرانی روی کمبود منابع آبی وجود نداشته است.

خوداظهاری فولاد مبارکه
در خصوص انتشار گازهای
گلخانه‌ای



گیری در این زمینه را انجام داده و گزارش را به انجمن ارائه دادیم تا جایگاه ما نسبت به دیگر فولادسازها سنجیده شود. اکنون بین ۳۲ شرکت فولادسازی در نیمه‌های راه هستیم.

پاسخ به یک صحبت غیرواقع بینانه

اکنون صحبت می‌شود که فولاد مبارکه را به جای دیگر منتقل کنیم که کاری غیرممکن، غیرعلمی و غیرواقع بینانه است. چندین هزار تن فونداسیون در محل زیرساخت شده، خطوط زیرزمینی، خطوط مواصلاتی، تامین یوتیلیتی، منابع برق و آب و گاز چیزی نیست که به راحتی بُن‌کن شده و در جای دیگر نصب شود. برای تاسیس یک کارخانه عوامل مختلفی مدنظر بوده است. هنگام ساخت فولاد مبارکه، کارخانه بریتیش استیل یا فولاد بریتانیا در این منطقه مطرح بوده و پس از شروع جنگ تحمیلی، طرحی که در بندرعباس

هم خانواده

مجله خانواده بزرگ

فولاد مبارکه

دقیقه

ماهنامه هم خانواده در دقیقه نود به
اتفاقات و رخدادهای مهم ورزشی شرکت
فولاد مبارکه می پردازد.

دقیقه ۹۰

۹۰ دقیقه

گپ و گفت با فنی‌ترین بازیکن رقابت‌های کاراته استان اصفهان

می‌خواهم با فولاد مبارکه در سطح بین‌المللی بدرخشم

در عملکرد آنها تأثیر زیادی دارد.

جایگاه فولاد مبارکه در رقابت‌های کاراته کارگری کشور کجاست؟

من پیش از این نیز با تیم فولاد مبارکه به مقام دوم و سوم مسابقات کاراته کشور دست یافته‌ام و معتقدم با تمامی سختی‌ها و چالش‌های موجود، کاراته‌کاران حوزه ورزش کارگری توانسته‌اند در این رقابت‌ها نابرابر نتیجه قابل‌توجهی کسب کنند. باید به حمایت فولاد مبارکه و تغییرات مثبتی که چند سال اخیر در کادر فنی ایجاد شد اشاره داشته باشم که باعث شد نسل کاراته‌کاران فولاد مبارکه نیز تغییر کند و سال گذشته موفق به کسب مقام سوم کشور شدیم. اکنون نیز اگر سه‌الی چهار ماه فرصت مناسب برای تمرین داشته باشیم حتماً می‌توانیم به جایگاه مناسبی در کاراته کارگری کشور دست یابیم.

از سابقه حضورتان در تیم کاراته فولاد مبارکه بگویید.

به دلیل فعالیت پدرم در فولاد مبارکه، از سال‌ها پیش به عنوان اعضای خانواده پرسنل در تیم کاراته فولاد مبارکه حضور داشتم و اکنون که ۱۲ سال از فعالیت خودم در این مجموعه می‌گذرد با وجود مشغله زیاد و سختی‌های کارم در بخش تعمیرات ناحیه آهن‌سازی، همچنان آن را ادامه می‌دهم. اگرچه کاراته را خارج از حوزه ورزش کارگری و در سطوح بین‌المللی نیز دنبال کرده‌ام اما اکنون می‌خواهم در سایه حمایت فولاد مبارکه از تیم کاراته این مجموعه برای کسب مقام‌های برتر کشوری و بین‌المللی تلاش کنم.

هم‌خانواده



ایمان مرکباتی که همراه با تیم کاراته فولاد مبارکه در مسابقات کارگری قهرمانی استان به مقام قهرمانی دست یافته و با کسب مدال نقره، عنوان فنی‌ترین بازیکن بخش کمیته مسابقات را از آن خود کرده است، از چهره‌های ویژه فولاد مبارکه در این مسابقات شناخته می‌شود. در ادامه گپ و گفت ماهنامه هم‌خانواده را با این قهرمان ورزشی می‌خوانید.

راضی‌کننده بود؟

از سختی‌های رقابت در مسابقات کارگری می‌توان به نداشتن رده سنی و نیز حضور بازیکنان حرفه‌ای در آن اشاره داشت، چرا که افراد صرفاً با داشتن دفترچه بیمه می‌توانند به رقابت بپردازند اما شرایط تمرینی یک بازیکن در بخش کارگری با بازیکنی که به صورت حرفه‌ای به رقابت می‌پردازد، بسیار متفاوت است. از جمله اینکه نظم خواب، تغذیه ویژه، زمان تمرین و به‌طور کلی تفاوت سبک زندگی یک ورزشکار حرفه‌ای با کسی که در فضای غیرورزشی اشتغال دارد

کاراته‌کاران کارگری دست کمی از ورزشکاران حرفه‌ای ندارند

سطح کیفی مسابقات کاراته کارگری استان را چطور دیدید؟

اگرچه در این مسابقات امکان حضور بازیکنان حرفه‌ای و ملی‌پوشان کاراته کشور نیز وجود دارد اما کاراته‌کاران کارگری دست کمی از این بازیکنان قدرتمند ندارند و تاکنون توانسته‌اند در رقابت‌ها نتایج خوبی کسب کنند. این مسابقات به مناسبت هفته کارگر و در سطح استان اصفهان برگزار شده بود.

شرایط برگزاری مسابقات از نظر شما

شرایط برگزاری مسابقات از نظر شما

فولاد مبارکه قهرمان مسابقات فوتسال کشوری ایمیدرو

همون همیشگی...

هم خانواده



تیم فوتسال فولاد مبارکه در آخرین روزهای سال ۱۴۰۱ موفق شد برای پنجمین دوره متوالی قهرمان مسابقات فوتسال ایمیدرو و شرکت‌های تابعه شود. به دنبال این موفقیت ماهنامه هم خانواده با محسن باقری مربی این تیم گفتگویی داشته است که در ادامه می‌خوانید.

از مسابقات فوتسال ایمیدرو و قهرمانی فولاد مبارکه در آن بگویید.

سیزدهمین دوره مسابقات فوتسال ایمیدرو و شرکت‌های تابعه، سال گذشته در دو مرحله برگزار شد. ما به عنوان مدعی قهرمانی در این مسابقات شرکت می‌کردیم چرا که پیش از این ۴ بار پیاپی قهرمان شده بودیم و می‌خواستیم پنجمین جام قهرمانی را هم برای فولاد مبارکه بدست آوریم. مرحله اول این مسابقات مردادماه ۱۴۰۱ به صورت دو حذفی برگزار شد و ما موفق شدیم به مرحله نهایی رقابت‌ها صعود کنیم. در این مرحله از رقابت‌ها هم که اسفندماه در کیش برگزار شد با نمایشی شایسته توانستیم به مقام قهرمانی دست پیدا کنیم. به این ترتیب پنجمین جام قهرمانی کارگری (همون همیشگی!) را به خانه آوردیم و از عنوان قهرمانی خود در سال‌های قبل دفاع کردیم.

در مورد نحوه برگزار مسابقات صحبت کنید.

در جام فوتسال ایمیدرو رقابت بین تیم‌های صنایع و معادن کشور است و در دو رده بزرگسالان و پیشکسوتان برگزار

ترکیب بازیکنان و کادرفنی تیم فولاد مبارکه در این مسابقات را چه کسانی تشکیل می‌دادند؟

مهدی انتظاری، هادی حاتمی، مجتبی قنبری، مهرداد سلحشوری، محمد جباری، محمد اسماعیل‌زاده، داوود کاظمی، علی جعفری، بهروز محمدی، مهدی کریمی و محمد سلحشوری بازیکنان تیم فولاد مبارکه در این رقابت‌ها بودند که به سرمربیگری بنده و سرپرستی رسول خدادادی پای به میدان مسابقات گذاشتند.

همچنین در این رقابت‌ها کیانوش قشلاقی آنالیزور، سید حسین حسینی مربی دروازه‌بان‌ها، محمد رضا رحیمی پزشک‌یار و سعید بهادران در ترکیب کادرفنی تیم حضور داشتند.

می‌شود. تیم بزرگسالان فولاد مبارکه بعد از اینکه در مرحله دو حذفی رقابت‌ها که به مدت ۱۰ روز در تبریز برگزار شد، توانست از میان ۲۹ تیم جواز حضور در مرحله نهایی را بدست آورد، در مرحله نهایی رقابت‌ها به مدت ۵ روز در جزیره کیش با ۸ تیم حاضر در این مسابقات در قالب لیگ به رقابت پرداخت و قهرمان شد. همچنین تیم پیشکسوتان ما نیز امسال برای نخستین بار حضور داشت که موفق به کسب مقام نایب‌قهرمانی شد.

سطح کیفی این مسابقات را چطور دیدید؟

رفته‌رفته کیفیت مسابقات ارتقا پیدا کرد و اکنون به سطح بسیار بالایی رسیده است بطوریکه از قالب کارگری به حرفه‌ای تغییر پیدا کرده است. به عنوان مثال پیش از این هر تیم ۱۲ بازیکن و یک مربی و یک سرپرست داشت اما اکنون تیم‌ها آنالیزور، کمک‌مربی، مربی دروازه‌بان‌ها، تدارک و غیره دارند و ترکیب کادرفنی تیم‌ها حرفه‌ای‌تر شده است طبعاً به همین میزان سطح مسابقات نیز بالا رفته و رقابت سخت‌تر شده است.

پنجمین جام قهرمانی کارگری را به خانه آوردیم و از عنوان قهرمانی خود دفاع کردیم



معرفی سامانه اتوماسیون ورزش فولاد مبارکه

فُلك خانواده شما چند امتیاز دارد؟

فولاد مبارکه با راه‌اندازی سامانه اتوماسیون ورزش به دنبال گسترش نشاط و پویایی میان کارکنان شاغل و بازنشسته و پیمانکاران این مجموعه است. با استفاده از این سامانه امکانات ورزشی موجود در دو استان اصفهان و چهارمحال و بختیاری (بیش از ۵۰۰ نقطه) در میان کارکنان شرکت فولاد مبارکه و همچنین کارکنان و پیمانکاران بعضی از شرکت‌های تابعه و خانواده آنها تقسیم می‌شود. ماهنامه هم خانواده در این مطلب به معرفی جامع این سامانه پرداخته است.

أصل ماجرا اینجاست

رزرو تاسیسات اصلی‌ترین قسمت سامانه

در پایان روزهم اطلاعات موجود در امکان ورزشی برای شرکت فولاد مبارکه ارسال می‌گردد.

۰۴

سپس شخص در زمان مراجعه به تاسیسات ابتدا توسط دستگاه‌ها شناسایی شده و در صورت مجاز بودن از امکانات استفاده می‌نماید.

۰۳

پس از آن اطلاعات رزرو کارکنان از طریق بسترهای مخابراتی روی تجهیزات شناسایی موجود در امکان ورزشی ارسال می‌گردد.

۰۲

به کمک این بخش امکانات ورزشی معرفی شده در سامانه از طریق اینترنت توسط پرسنل رزرو می‌شوند.

۰۱

منظور رشته‌هایی است که به صورت جلسات آموزشی پس از رزرو و پس از تامین امکانات توسط مسئول باشگاه با هماهنگی زمان و تعداد جلسات با باشگاه برگزار می‌شود.

آموزشی دوره ای

به رشته‌هایی گفته می‌شود که در صورت رزرو، کاربر تا آخر سال در هفته ۲ یا ۳ جلسه می‌تواند از امکانات انتخاب شده استفاده کند.

آموزشی سالانه

به امکانات موجود در سانس‌های مختلف استخرهای شنای طرف قرارداد شرکت فولاد مبارکه اطلاق می‌گردد. طول دوره استفاده از این امکانات ۱۱ ماه و در هر ماه ۴ هفته می‌باشد. البته معمولاً طول دوره‌ها ۴۸ جلسه است.

شنای تفریحی

سه گانه انتخاب

امتیاز خانواده شما

۱۲۰ امتیاز مال من؛ ۸۰ امتیاز مال خانواده

منظور از امتیاز خانواده در این سامانه عددی است که برای هر یک از کارکنان شاغل و بازنشسته و افراد تحت تکفل تعلق می‌گیرد. کل امتیاز یک خانواده در قلک خانواده قرار می‌گیرد و سرپرست خانواده با توجه به امتیاز هر رشته امکان رزرو آنها را برای خود و اعضای خانواده خواهد داشت. با توجه به این موضوع در خانواده هر شخص یک امتیاز کلی دارد که قسمتی از آن غیر قابل انتقال بوده و قسمتی دیگر قابل اشتراک بین اعضای خانواده می‌باشد که در قلک خانواده قرار می‌گیرد و با توجه به مدیریت سرپرست خانواده می‌تواند بین اعضای خانواده توزیع گردد.

آموزشی دوره ای
(فوتبال، اسکیت
و ...)

۱۶۰

آموزشی سالانه
(بدنسازی، کاراته،
ایروبیک و ...)

۱۲۰ یا ۱۶۰

تفریحی (شنا)

۴۰

نحوه‌ی تقسیم امتیازات بدین صورت است که برای هر شخص که مجاز به رزرو تاسیسات باشد ۲۰۰ امتیاز در نظر گرفته شده است. از این ۲۰۰ امتیاز ۱۲۰ امتیاز غیر قابل انتقال می‌باشد و ۸۰ امتیاز آن بین اعضای خانواده به اشتراک گذاشته می‌شود. رشته‌های ورزشی به سه دسته تقسیم می‌شوند که هر کدام امتیاز بندی خود را دارند.

چگونه تاسیسات ورزشی را رزرو کنیم؟

WWW.SPORT.MSC.IR

- ۰۱** به سایت اتوماسیون امور ورزش به آدرس SPORT.MSC.IR مراجعه کنید.
- ۰۲** شخص سرپرست خانواده با استفاده از کلمه عبور رمز که باید قبلاً دریافت کرده باشد میتواند به سایت امور ورزش وارد شود.
- ۰۳** با استفاده از گزینه رزرو امکانات ورزشی به فرم مربوطه وارد شوید.
- ۰۴** در فرم مربوطه اطلاعات شخص پرسنل و خانواده تحت تکفل نمایش داده می‌شود.
- ۰۵** در کنار اطلاعات فوق، اطلاعات مربوط به میزان امتیاز خانواده شخص نمایش داده می‌شود.
- ۰۶** کاربر به کمک گزینه انتخاب رشته های آموزشی سالانه و دوره ای و شنای تفریحی لیست امکانات آموزشی را فراخوانی می‌کند.
- ۰۷** کاربر می‌تواند باشگاه مورد نظر را بر اساس نام باشگاه و شهر جستجو و سپس آن را انتخاب کند.
- ۰۸** سیستم، لیستی از امکانات (بسته به نوع دسته بندی امکانات) به شخص نمایش می‌دهد که در آن علاوه بر مشخصات رشته مذکور امتیاز هر رشته نیز نمایش داده شده است.

رزرو تاسیسات آموزشی سالانه

- ۰۱** انتخاب امکانات ورزشی بدنسازی بصورت ماهانه بوده و شخص مجاز است هر ماه محل باشگاه ماه آینده خود را بسته به ظرفیت های موجود تغییر دهد.
- ۰۲** پس از انتخاب گزینه لیست تاسیسات آموزشی سالانه، سیستم لیستی از تاسیسات آموزشی سالانه (معمولاً باشگاه های بدنسازی و ایروبیک) را در اختیار شخص قرار می‌دهد.
- ۰۳** شخص یکی از رشته های مورد نظر را انتخاب و در صورت داشتن امتیاز مورد نیاز و وجود ظرفیت در باشگاه، سیستم امکان مورد نظر را به شخص تخصیص می‌دهد.
- ۰۴** پس از انتخاب رشته مورد نظر سیستم لیستی از ماه های سال (شروع از اردیبهشت الی اسفند) به شخص نمایش می‌دهد که بصورت پیش فرض نام باشگاه انتخابی در تمامی آنها ثبت شده. همچنین امتیاز مربوطه از مجموع امتیاز خانوار کسر خواهد شد.
- ۰۵** توجه شود که در صورت انصراف تا پایان همان روز رزرو، انصراف در لحظه انجام می‌شود ولی بعد از آن انصراف منوط به تبادل اطلاعات باشگاه و بررسی عدم استفاده از رزرو خواهد بود.
- ۰۶** پس از آن شخص مجاز می‌باشد برای ماه بعدی خود تصمیم گرفته و باشگاه بدنسازی دیگری را رزرو نماید.
- ۰۷** همچنین شخص مجاز است که برخی از ماه های سال رزرو انجام ندهد، و امتیاز آن را برای خود محفوظ نگه دارد. این امتیاز بسته به درجه باشگاه در تعداد ماه های استفاده نشده محاسبه می‌گردد.

رزرو تاسیسات آموزشی دوره ای

در صورتیکه شخص با توجه به امتیاز موجود، این رشته ها را انتخاب نماید و در باشگاه مورد نظر ثبت نام نماید دیگر امکان تغییر این رشته را نخواهد داشت. پس از انتخاب گزینه رزرو آموزشی دوره ای، سیستم لیستی از تاسیسات آموزشی را در اختیار شخص قرار می‌دهد.

شخص یکی از رشته های مورد نظر را انتخاب و در صورت داشتن امتیاز مورد نیاز سیستم و ظرفیت باشگاه، سیستم امکان مورد نظر را به شخص تخصیص می‌دهد.

توجه شود که در صورت انصراف تا پایان همان روز رزرو، انصراف در لحظه انجام می‌شود ولی بعد از آن انصراف منوط به تبادل اطلاعات باشگاه و بررسی عدم استفاده از رزرو خواهد بود.

رزو شنای تفریحی

پس از انتخاب گزینه لیست شنای تفریحی، سیستم لیستی از استخرها و سانس‌های آن را در اختیار شخص قرار می‌دهد و شخص یکی از سانس‌های ارائه شده را انتخاب و ثبت می‌نماید.

۰۲

در خصوص استخرها شخص می‌تواند امکانات شنای خود را بصورت هفتگی انتخاب نماید. بدین ترتیب شخص در هر هفته می‌تواند برای هفته آینده خود تصمیم گرفته یکی از استخرهای شنا را انتخاب نماید.

۰۱

پس از آن سیستم سانس مربوطه را برای شخص (از هفته جاری تا انتهای سال) به صورت هفتگی در صورتیکه ظرفیت کافی در آن سانس وجود داشته باشد ثبت و امتیاز شنا را از مجموع امتیاز خانوار کسر می‌نماید. در صورتیکه برای هر یک از هفته‌های سال ظرفیت تکمیل شده باشد آن هفته خالی مانده و برای آن هفته خاص تخصیص رزرو انجام نمی‌گیرد. کاربر می‌تواند برای آن هفته خاص اقدام به رزرو استخر دیگری نماید.

۰۳

در صورتیکه شخص در یک هفته خاص هیچ استخری را انتخاب نکند هیچ امتیازی برای شخص محفوظ نخواهد ماند.

۰۵

در این فرم کاربر می‌تواند بصورت هفتگی (به جز هفته جاری و هفته‌های گذشته) سانس استخر خود را در صورت داشتن ظرفیت در استخر انتخابی تغییر دهد.

۰۴

مراقب رزروت باش!

بازه مجاز رزرو: در تمام روزهای سال از زمانی که دسترسی وب سایت جهت رزرو باز شده باشد.

۰۱

بازه لغو رزرو: برای شنای تفریحی یک هفته قبل، برای آموزشی دوره ای تا پایان روز رزرو و بعد از آن تا زمان قبل از ارسال اولین گزارش مصرف و برای آموزشی سالانه تا پایان روز رزرو و بعد از آن تا ۴۸ ساعت قبل از اولین روز هر ماه است.

۰۲

قوانین در سامانه اتوماسیون ورزش

و چند نکته مهم...

کلیه کارکنان شاغل و بازنشسته و اشخاص تحت تکفل آنها باید کارت RFID امور ورزش دریافت کرده باشند.

همکاران پیمانکار در صورت داشتن هرگونه مشکل در ورود به سایت امور ورزش، به خدمات پرسنلی پیمانکاران نواحی خود مراجعه کنند.

کلیه همکاران در فولاد مبارکه باید نام کاربری و رمز ورود به سامانه را دریافت و دسترسی به سامانه داشته باشند.

هم‌خانواده

گزارش تصویری

ورزش با خانواده در باغ ابریشم

همایش بزرگ ورزش صبحگاهی خانواده بزرگ فولاد مبارکه با حضور جمعی از معاونان، مدیران، کارکنان و خانواده‌هایشان با شعار «ورزش، سلامت، بهره‌وری» در مجموعه فرهنگی ورزشی باغ ابریشم برگزار شد. در این همایش بیش از ۶۸۰۰ نفر از کارکنان و خانواده‌هایشان حضور داشتند.



ورزش با خانواده در باغ ابریشم



ورزش با خانواده در باغ ابریشم



ورزش صبحگاهی با آقای مدیرعامل

هم‌خانواده

گزارش تصویری

**ورزش صبحگاهی با آقای
مدیرعامل**

همایش ورزش صبحگاهی
در شرکت فولاد مبارکه با
حضور مدیرعامل، معاونین،
مدیران و صدها نفر از پرسنل
این شرکت



ورزش صبحگاهی با آقای مدیرعامل

هم خانواده

مجله خانواده بزرگ

فولاد مبارکه

مسئولین



مسئولیت‌های اجتماعی

ماهنامه هم خانواده در این فصل به اقدامات شرکت فولاد مبارکه در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی پرداخته است.

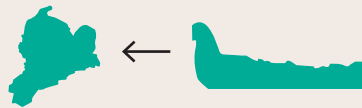
مسئولیت‌های اجتماعی

مسئولیت پذیری به سبک فولاد مبارکه

نگاهی به اقدامات انجام شده در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی



محیط زیست



مشارکت در طرح انتقال آب دریای عمان به استان اصفهان به منظور انتقال ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب

سرمایه‌گذاری در احداث شبکه جمع‌آوری و تصفیه پساب‌های شهری شهرستان‌های مبارکه و لنجان (تصفیه پساب ۹ شهر اطراف خود و احداث شبکه جمع‌آوری و تصفیه پساب ۶ شهر جدید با اعتبار هزار میلیارد تومان)

نصب سامانه‌های پایش و برخط سنجش آلاینده‌های هوا

نصب سامانه‌های پایش و برخط سنجش آلاینده‌های هوا طی ۱۲ سال گذشته جهت اطلاع شهروندان از میزان آلاینده‌های زیست‌محیطی شرکت فولاد مبارکه (براساس اعلام محیط زیست استان اصفهان همه آلاینده‌های شرکت فولاد مبارکه زیر حد مجاز و در رنج استاندارد است.)

۱۲ سال گذشته



۲,۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در حوزه محیط زیست در سه دهه گذشته



۲,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰

سلامت

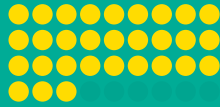
بازسازی و احیای ۶۶ دستگاه آمبولانس دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با کمک ۱۰ میلیارد تومانی فولاد مبارکه



اهدای ۲۵ هزار و ۷۰۰ تن اکسیژن رایگان به مراکز درمانی کشور از ابتدای شیوع کرونا (بونکرهای حمل اکسیژن در زمان کرونا اکسیژن‌های تولیدی فولاد مبارکه را به ۱۶ استان کشور حمل کردند)



حمایت از ۳ هزار ورزشکار دختر و پسر در ۷۴ رشته ورزشی در قالب تیم‌های پایه و حرفه‌ای باشگاه فولاد مبارکه سپاهان



ورزشکار دختر و پسر
۳,۰۰۰

ورزش

ایجاد زیرساخت‌های مناسب در اکثر رشته‌های ورزشی



سرمایه‌گذاری به منظور ارتقای ورزش استان اصفهان



تخصیص اعتبار به منظور توسعه امکان ورزشی، فرهنگی و آموزشی شهرستان مبارکه



۶۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

پروژه ورزشگاه نقش جهان با سرمایه‌گذاری ۶۹ میلیارد تومانی فولاد مبارکه در آبان‌ماه سال ۱۳۹۵ و پس از حدود ۳ دهه فراز و فرود به‌عنوان یکی از مدرن‌ترین ورزشگاه‌های استاندارد ایران با گنجایش ۷۵ هزار نفر جمعیت، افتتاح شد.

شرکت فولاد مبارکه در ادامه نیز اقدام به سرمایه‌گذاری ۷۰ میلیارد تومانی برای تجهیز بیشتر این ورزشگاه نمود.



مساعدت جهت همایش ملیونی پیاده‌روی اربعین

بطری آب معدنی

۵,۰۰۰,۰۰۰

(توزیع بیش از ۵ میلیون بطری آب معدنی و اعزام هزار و ۱۰۰ دستگاه اتوبوس جهت انتقال زائران حسینی)

توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل و ایمن‌سازی راه‌های منطقه پیرامونی فولاد مبارکه



فرهنگی مذهبی، عمرانی

سرمایه‌گذاری ۹ میلیارد تومانی برای تکمیل پروژه احداث مصلاي امام خمینی اصفهان (با این سرمایه‌گذاری یکی از بزرگ‌ترین مصلاهای ایران پس از بیش از ۲۰ سال بلا تکلیفی به سرانجام رسید)



آزادسازی زندانیان جرایم غیر عمد



۲,۰۰۰

مشارکت فولاد مبارکه در آزادی زندانیان جرایم غیر عمد (آزادی بیش از ۲ هزار زندانی طی ۹ سال گذشته و حمایت ۵۲ میلیارد ریالی در این زمینه در سال ۱۴۰۱)

خانواده

امدادسانی به زلزله زدگان خوی و محاصره شدگان در برف منطقه کوهرنگ



مشارکت در تامین ۱۰۰ واحد مسکونی، تامین ۲۰۰ سری جهیزیه و ۵۰۰ سری لوازم خانگی برای مددجویان کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره)



اشتغال و سرمایه انسانی

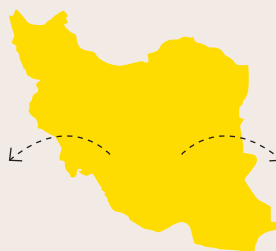
اشتغال مستقیم

نفر ۳۵,۱۲۶

اشتغال غیرمستقیم

نفر ۳۴۵,۰۰۰

سرمایه انسانی به وسعت ایران (متولدین ۲۷۲ شهر ایران از ۳۱ استان ایران در این کارخانه گردهم آمده اند)



تدوین و اجرای الگوی جامع پیشرفت و آبادانی مناطق محروم با تمرکز بر اشتغال و بهبود معیشت

بزرگترین آزمون استخدامی بخش صنعت کشور

برگزاری آزمون استخدامی برای جذب ۱۱۰۳ نیروی کار توسط فولاد مبارکه

نفر

۳۸۰,۰۰۰

مجموع اشتغال مستقیم و غیرمستقیم



نگاه آماری به پروژه انتقال آب دریای عمان به فلات مرکزی

آب زدیم راه را...

میانگین جهانی
مصرف آب در
صنعت فولاد ۳,۳
مترمکعب برتن است

۳,۳

آمار و ارقام می‌گویند فولاد مبارکه در مصرف آب خام رژیم گرفته است. این شرکت در سال‌های اخیر برداشت خود از حوضه آبریز زاینده رود را به کمتر از یک درصد کاهش داده و در حالی که میانگین جهانی مصرف آب در صنعت فولاد ۳,۳ مترمکعب برتن است، این میزان را به ۲,۲۸ مترمکعب برتن رسانده است. شواهد حاکی از شکل گرفتن یک الگوی جهانی در فولاد مبارکه است که در اینجا به آن پرداخته ایم.

کاهش ۸۶
درصدی میزان
برداشت آب خام
فولاد مبارکه

۸۶%

این پروژه در بیست
نقطه مختلف و چند
صدکیومتر
لوله گذاری در حال
انجام است

۲۰

فولاد مبارکه تا امروز بیش
از سهم خود در این پروژه
سرمایه گذاری کرده است.

۲,۳
میلیارد دلارمیزان
سرمایه گذاری فولاد
مبارکه برای کاهش
مصرف انرژی و تغییر
الگوی مصرف آب

۲,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰

برداشت آب خام فولاد مبارکه از **حوضه آبریز زاینده رود** به عنوان یک الگوی جهانی به **کمتر از یک درصد** کاهش یافته است.

۱٪

۱۲۱

۱٫۳ میلیارد یورو میزان سرمایه‌گذاری در دست اقدام در پروژه اصلاحی و توسعه ای برای تغییر الگوی مصرف آب

۱,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰

با اجرای این پروژه، مشکل آب کل صنعت استان اصفهان حل خواهد شد

میزان مصرف ویژه آب تعیین شده در سال ۱۴۰۱ علیرغم افزایش تولید و رسیدن به **۷٫۲ میلیون تن محصول ۲٫۲۸ مترمکعب برتن** بوده است.

میزان مصرف ویژه آب تعیین شده در سال ۱۳۷۰ برای تولید **۲٫۴ میلیون تن فولاد در فولاد مبارکه ۱۶٫۶ مترمکعب برتن** بوده است

پروژه انتقال ۲۰۰ میلیون متر مکعب آب از دریای عمان به فلات مرکزی یکی از طرح‌هایی است که فولاد مبارکه با نگاه ملی در آن سرمایه‌گذاری و از ابتدا پیگیر آن بوده است.

۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰

در حال حاضر فولاد مبارکه بخش قابل ملاحظه ای از آب مورد نیاز خود را از طریق پساب تصفیه شده صنعتی و شهری تامین می‌کند.

پروژه انتقال آب از دریای عمان به فلات مرکزی صرفاً برای رفع مشکل فولاد مبارکه نیست

هدف‌گذاری فولاد مبارکه در **سه سال آینده** این است که برداشت آب مورد نیاز خود را از رودخانه زاینده رود به **صفر** برساند.

هم خانواده

مجله خانواده بزرگ

فولاد مبارکه

پاخان

در این فصل از ماهنامه هم خانواده یک بسته فرهنگی تفریحی برای شما آماده کرده ایم که می توانید اوقات فراغت خود را با آن پشت سر بگذارید.

با خانواده

با خانواده

بسته فرهنگی تفریحی «با خانواده»

آخر هفته آبنباتی در عمق ۱۸ متری زمین!

بسته فرهنگی تفریحی «با خانواده» در شماره اول ماهنامه هم خانواده چند پیشنهاد ویژه در زمینه های کتابخوانی، بازی، فیلم سینمایی، آشپزی، گردشگری، ورزش، وب گردی و فناوری برای اوقات فراغت شما دارد.

سفر در زمان با طعم آب نبات

محسن قهرمان داستان آبنبات پسته‌ای نوجوانی بازیگوش، سرزبان دار و اهل بجنورد است. خواهر محسن ملیحه نام دارد و خواستگارهای مختلفی دارد که محسن ماجراهای جالبی را با آن‌ها پشت سر می‌گذارد. مهرداد صدقی نویسنده در کتاب آبنبات پسته‌ای رویدادهای مهم تاریخی بین سال‌های ۷۰ و ۷۲ را روایت می‌کند. این اتفاقات که در کوچه «سیدی» شهر بجنورد رخ می‌دهند، تاثیر بسزایی بر زندگی محسن، خانواده وی و همسایگانش می‌گذارند.

آبنبات پسته‌ای یک رمان برای نوجوانان است که به خوبی مخاطب را درگیر داستان‌هایش می‌کند. این کتاب نمونه بی نظیری از طنز شیرین است که شما را با خود همراه می‌کند و لبخند بر لبانتان می‌نشانند. این کتاب را می‌توانید از تمام کتاب‌فروشی‌ها بخرید و بخوانید یا اگر به نسخه دیجیتال کتاب علاقه مند هستید آن را از اپلیکیشن‌های فیدیبو و طاقچه تهیه کنید.



معرفی کتاب

قصه همراهی عشق تا اندوه فراق

اگر به دنبال فیلمی ساده، دیدنی در مذهب روشنفکرانه‌ای دروغین می‌گردید ما به شما جنگل پرتقال را معرفی می‌کنیم. این فیلم نخستین بار در چهل و یکمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر نمایش داده شد.

در خلاصه داستان این فیلم آمده: سهراب بهاریان نماینده نویسنده ناموفق بعد از سال‌ها بیکاری معلم دبیرستان شده، او برای حفظ شغل تازه‌اش ناگزیر به ارائه اصل مدرک تحصیلی است. سهراب بعد از ۱۵ سال به شهر دانشجویی‌اش بازمی‌گردد اما این سفر آنطور که او فکر می‌کرده پیش نمی‌رود... بازیگران: سارا بهرامی، میرسعید مولویان، رضا بهبودی، رضا عموزاد، فراس سربانی، داوود فتحعلی بیگی، فرشته مرعشی، ارشیا نیک‌بین، حمیدرضا عباسی، زینب شعبانی و حسام نورانی

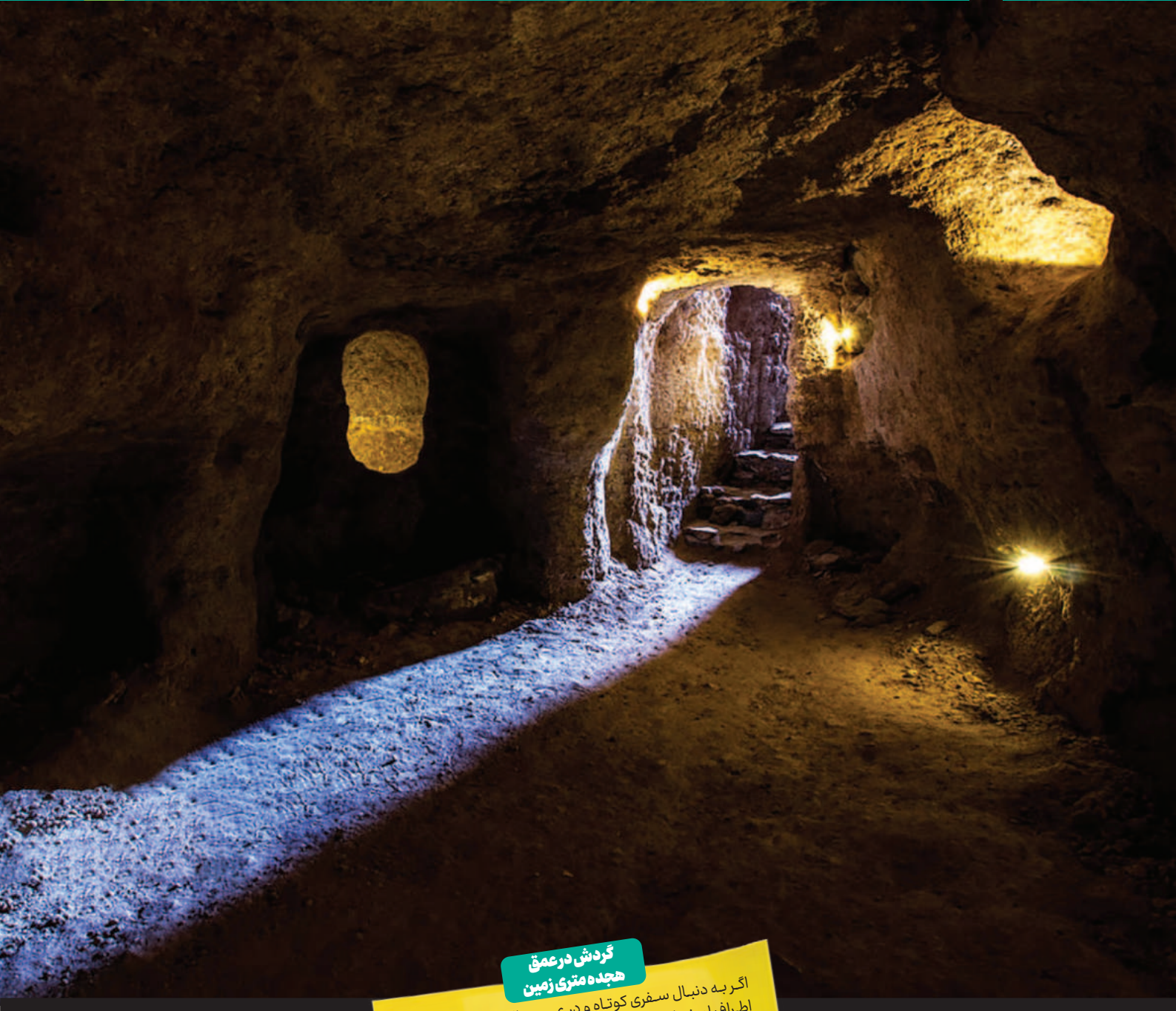
کارگردان
آرمان خوانساریان

«جنگل پرتقال»

معرفی فیلم



The Orange Forest



گردش در عمق هجده متری زمین

اگر به دنبال سفری کوتاه و در عین حال عجیب و غریب در اطراف اصفهان هستید باید بگوییم که شهر زمینی کرد علیا یکی از بهترین مقصدها برای شماست. این شهر زیرزمینی مربوط به دوره اشکانیان است که در زیر روستای کرد علیا از توابع بخش کرون شهرستان تیران و کرون استان اصفهان واقع شده است. این شهر زیرزمینی در سال ۱۳۹۵ کشف شده و کاربری این مکان تاریخی نیز نظامی امنیتی بوده است. این شهر در عمق هجده متری از سطح زمین بنا شده و نکته جالب آن این است که در زیر هشتاد خانه روستایی قرار دارد و تخمین زده می‌شود مساحتی در حدود ۲۰ هزار متر مربع داشته باشد.

پیشنهاد گردشگری

«شهر
زیرزمینی
کرد علیا»

این شهر زیرزمینی مربوط به دوره اشکانیان است که در زیر روستای کرد علیا از توابع بخش کرون شهرستان تیران و کرون استان اصفهان واقع شده است

جلوی تبلیغات مزاحم را بگیرید!

تبلیغات زیادش هم خوب نیست. حال آدم را خراب می‌کند. سه خط مطلب می‌خواهید بخوانید اما آنقدر پنجره تبلیغاتی باز می‌شود که باعث می‌شود قید آن مطلب را بزنید. خب Adblock را دانلود و نصب کنید تا علاوه بر آن که از تجربه وب‌گردی حرفه ای لذت می‌برید، به این پروسه خسته کننده ی مژمن خاتمه بدهید.

ابزار (Adblock Plus)



پیشنهاد وب‌گردی

پرواز نفس گیر

فریژی یکی رشته جذاب و مفرح است که از پنج سبک مختلف تشکیل شده است. انجام این رشته ورزشی باعث تقویت هردو سیستم غیر هواری و هواری ورزشکاران میشه و علاوه بر تقویت دستگاه قلبی و عروقی باعث بالا رفتن آمادگی جسمانی شده و در بعد روانی هم تاثیرات شگرفی رو روی افراد میگذارد. این ورزش همچنین باعث تخلیه هیجانی می‌شود. فریژی یک صفحه مدور لبه دار به قطر ۲۰ الی ۲۵ سانتی‌متر و جرم ۱۷۰ گرم است. جنس این صفحه معمولاً از پلاستیک و با وزن بین ۱۱۰ تا ۲۰۰ گرم است. از این وسیله برای تفریح و ورزش رقابتی استفاده می‌شود. بازی فریژی را در هر محیط باز و وسیعی مثل پارک، پارکینگ، صحرا و... با حضور حداقل دو نفر می‌توان انجام داد.

«فریژی»



معرفی ورزشی

بفرمایید فسنجون تفرشی

خورش فسنجان و کشک یکی از غذاهای محلی تفرش است. خورش فسوجن کشک (فسنجان) تفرشی همان خورش فسنجان است که در واقع به جای رب انار از ماست یا کشک استفاده می‌شود.

سینه مرغ را خرد کنید و به همراه چند حبه سیر خرد شده و پیاز رنده شده و مقداری نمک، فلفل و زردچوبه داخل روغن تفت دهید، تا زمانی که آب پیاز و مرغ کشیده شود. مغز گردوی پودر شده را هم به مرغ تفت داده شده اضافه کنید و بعد از کمی هم زدن ۴ لیوان آب به آنها اضافه کنید تا گوشت مرغ پخته شود. بعد از یک ساعت پخت مرغ و گردو، کشک را به آنها اضافه کنید و حرارت را ملایم کنید تا گردو به روغن بیفتد و بافت مرغ از هم باز شود.

«خورش فسنجان و کشک»



معرفی غذا

معرفی فناوری



اپلیکیشن Praktika

معلم زبان مصنوعی!

امروزه، فناوری هوش مصنوعی به طور فزاینده‌ای وارد حوزه‌های مختلف زندگی ما شده است و آموزش زبان نیز از این پیشرفت‌ها بهره می‌برد. یکی از اپلیکیشن‌های معروف در زمینه یادگیری زبان با استفاده از هوش مصنوعی، اپلیکیشن Praktika است. این اپلیکیشن از الگوریتم‌ها و مدل‌های هوش مصنوعی برای ارائه درس‌های تعاملی و سفارشی شده برای هر زبان آموز استفاده می‌کند. با استفاده از هوش مصنوعی، Praktika قادر است به صورت دقیق سطح زبان هر زبان آموز را تشخیص دهد. یکی از اهمیت‌های استفاده از هوش مصنوعی در یادگیری زبان، دریافت بازخورد فوری است.

پیشنهاد بازی



پیشگوی جدید شهر قصه‌ها باشید

سرزمین «استوژیت» منتظر پیشگو و خواب‌گزار بعدی خودش است و شما مامور پیدا کردن جایگزینی شایسته برای پادشاه سرزمین قصه‌ها هستید. پیش روی شما، تصویری است که بهترین نقاشان این سرزمین بر اساس خواب‌های اسرارآمیز پادشاه نقاشی کرده‌اند و این شما باید که باید با داستان‌ها و روایت‌های خودتان، خلاقیت و قدرت ذهن خوانی حریفانتان را به چالش بکشید.

استوژیت، یک دورهمی جذاب و سرگرم کننده و ترکیبی از قدرت خلاقیت و ذهن خوانی است. در هر دور از بازی یک بازیکن به عنوان راوی انتخاب خواهد شد. او باید یکی از کارت‌های دستش را توصیف کند. بقیه بازیکن‌ها باید از بین کارت‌های خود یک کارت که مفاهیم مشترکی با کارت راوی دارد را بازی کنند. در مرحله بعدی بازیکنان دیگر باید با قدرت ذهن خوانی خود، کارت راوی را از میان کارت‌های دیگر پیدا کنند.

درجه سنی بالای ۸ سال

مدت زمان بازی ۳۰ دقیقه

تعداد نفرات ۲ تا ۸ نفر

نام بازی استوژیت

حجاب

یک تفکر است.



فولاد مبارکه
سیری مادرکار
بازی نقش آیدای ستر

موباره
www.msc.ir
mobarakehsteel.co
روزنامه صنعت و معدن
دفتر هماهنگی تبلیغات اسلامی
حوزه مقاومت بسیج شهید سوحیدیان

شرکت فولاد مبارکه در فضای مجازی



www.msc.ir



@mobarakehsteel_co



@mobarakehsteel_co



@msc_co.ir



www.aparat.com/msc.ir



سامانه پیامک: ۳۰۰۰۳۲۲۲



@mobarakehsteel_co



@mobarakehsteel_co

هم‌خانواده

مجله خانواده بزرگ فولاد مبارکه

مجله هم خانواده، محصولی جدید از تولیدات رسانه‌ای روابط عمومی شرکت فولاد مبارکه است که خانواده بزرگ فولاد مبارکه محور اصلی آن به شمار می‌رود. در این مجله سعی بر آن داشته ایم تا از نگاه متفاوت به اتفاقات فولاد مبارکه بپردازیم و موفقیت‌ها، دستاوردها و سایه و روشن فعالیت پرسنل این شرکت را منعکس کنیم.



روابط عمومی